

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته ادبیات و علوم انسانی

راهنمای معلم

پایه یازدهم
دوره دوم متوسطه



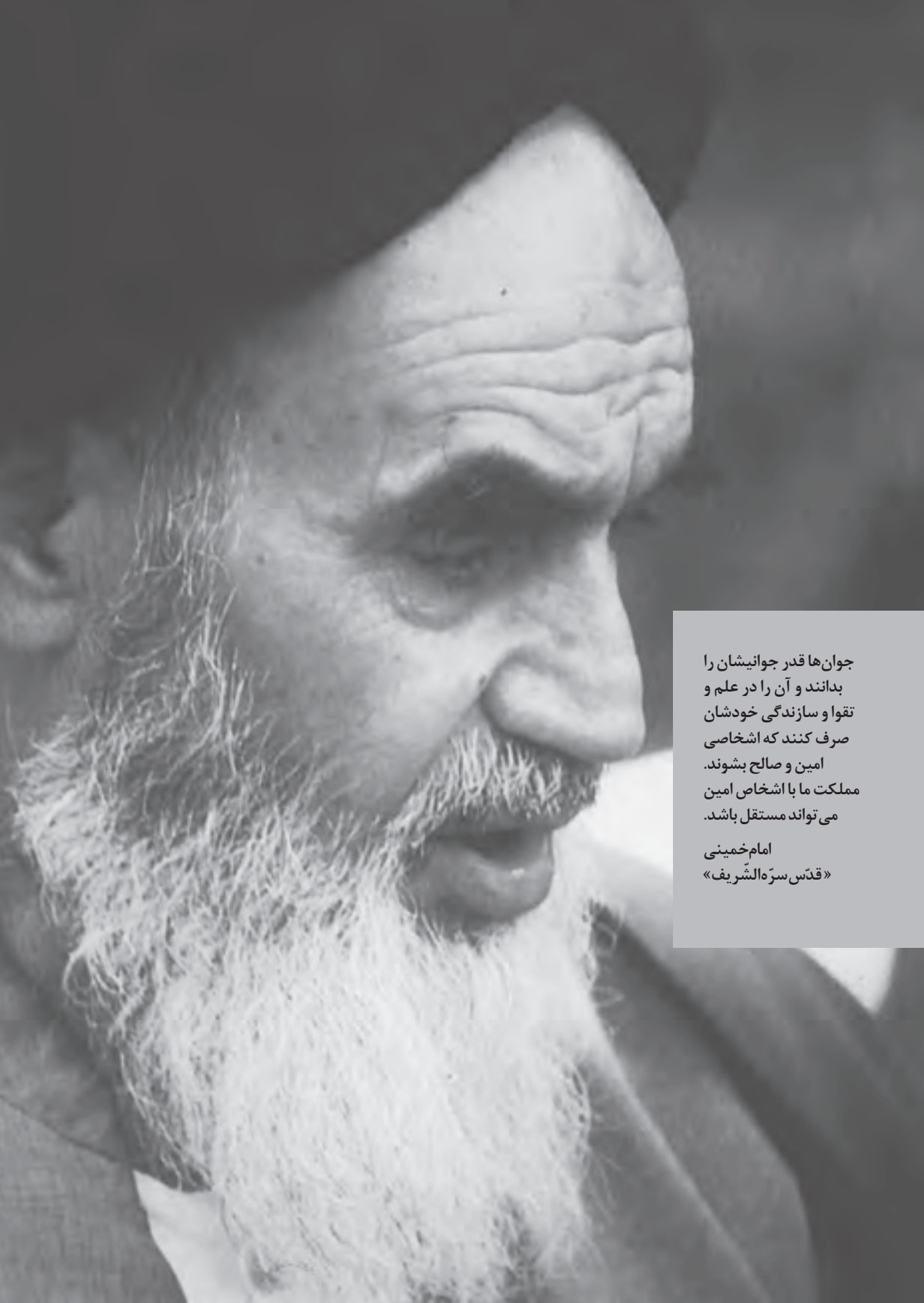
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب:** راهنمای معلم عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۳۸۰
- پدیدآورنده:** سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:** محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان بزرگی، علی چراغی، حسن حیدری و سید محمد دلبری (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:** عادل اشکبوس، ابذر عباچی، فاطمه یوسف‌زاد (اعضای گروه تألیف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
- آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع:** اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی:** لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - خدیجه محمدی (صفحه‌آرا) - فریبا سیر، علیرضا کاهه، فاطمه صفری ذوالفقاری، افسانه امیراحمدی و راحله زاهدت‌حاله (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان:** تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
- ناشر:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارویخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ:** چاپ اول ۱۳۹۶

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۹۶۳-۸

ISBN: 978-964-05-2963-8



جوان‌ها قدر جوانیشان را
بدانند و آن را در علم و
تقوا و سازندگی خودشان
صرف کنند که اشخاصی
امین و صالح بشوند.
مملکت ما با اشخاص امین
می‌تواند مستقل باشد.
امام خمینی
«قدس سره الشریف»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز، ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

مقدمه

بخش اول : اهداف کلی برنامه درسی عربی و شبکه مفهومی ۱

بخش دوم : روش ها و منابع یاددهی- یادگیری ۵

بخش سوم : طرح درس ۹

بخش چهارم : بارم بندی و نمونه سؤال امتحانی ۱۷

بخش پنجم : توضیحات مشترک در تدریس عربی ۳۷

بخش ششم : محتوای کتاب عربی پایه یازدهم و چگونگی آموزش درس ها ... ۵۹

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ ۶۰

الدَّرْسُ الثَّانِي ۷۱

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ ۸۱

الدَّرْسُ الرَّابِعُ ۸۹

الدَّرْسُ الْخَامِسُ ۹۸

الدَّرْسُ السَّادِسُ ۱۰۳

الدَّرْسُ السَّابِعُ ۱۰۹

مقدمه

آگاهی از اهداف برنامه درسی ملی و برنامه درسی عربی به معلم در رسیدن به اهداف آموزشی کمک می‌کند. مطالعه کتاب راهنمای معلم موجب می‌شود دبیر و دانش‌آموز هر دو در کلاس درس آرامش داشته باشند. دبیر می‌داند چه چیزهایی از اهداف آموزشی است و چه اموری از اهداف نیست. دانش‌آموز در جریان تدریس، آشفته‌حال نمی‌شود. برخی از دبیران به گمان اینکه کتاب ناقص است، مطالبی را به صورت جزوه به دانش‌آموزان ارائه می‌کنند؛ در حالی که آن مطالب، یا مربوط به سال‌های آینده است، یا اینکه از اهداف آموزشی نیست. آنچه شایسته است دبیر هر درسی از جمله درس عربی بداند، این است که دانش‌آموز در رشته زبان و ادبیات عربی آنچه را نیازمند است در طول دوره دبیرستان نمی‌آموزد. کسانی که علاقه‌مند به ادامه تحصیل در این رشته در دانشگاه هستند، صرف و نحو کامل خواهند خواند.

برنامه‌ریزان تلاش می‌کنند تا رویکرد نگارش کتاب نونگاشت و نیز روش‌های تدریس مورد انتظار برنامه درسی را تبیین کنند، اما گاهی نتایج ارزشیابی‌ها از برنامه‌های درسی نشان‌دهنده فاصله میان «برنامه قصدشده» و «برنامه اجرا شده» است. یکی از اموری که در این باره می‌تواند تا حدودی مشکل را حل کند «کتاب راهنمای معلم» است. کتاب معلم، پل ارتباطی میان برنامه‌ریزان و دبیران است.

اغلب دبیران برای تدریس در نظام آموزشی ایران، متکی به کتاب درسی‌اند و کمتر درباره شیوه‌های تدریس و یادگیری و امکان تعدیل محتوای کتاب درسی و مطابقت آن با نیازهای دانش‌آموزان می‌اندیشند. گاهی برخی به کتابی که خود در دوره دانش‌آموزی خوانده‌اند، یا به کتابی که قبلاً تدریس کرده‌اند همچنان وفادار می‌مانند. برای برخی معلمان دشوار است که شیوه تدریس خود را که سال‌ها با آن خو گرفته‌اند تغییر دهند. این گروه اندک، هرچه را قبلاً آموخته‌اند درست می‌دانند و به شیوه‌های منسوخ دل‌بستگی دارند. برخی هنوز درس عربی را فقط صرف انواع فعل و ضمیر و اسم اشاره و مانند آنها می‌دانند. برای این گروه، مهارت‌های شنیداری، خوانداری و سخن‌گفتن بی‌معناست؛ زیرا در گذشته، خودشان نیز این‌گونه آموزش دیده‌اند. در کتاب‌های جدید، تقویت مهارت‌های شفاهی

زبان، هدف مهمی است و این امر در بارم‌بندی نیز لحاظ شده است. همچنین در کتاب، چهار متن مکالمه گنجانده شده است.

با تغییر رویکرد کتاب‌های درسی عربی به صورت «پرورش مهارت‌های چهارگانه زبانی به منظور فهم بهتر قرآن و متون دینی و زبان و ادبیات فارسی»، بسیاری از دبیران در پی دانش‌افزایی خویش برآمدند. این تلاش در زمینه تقویت ذخیره واژگانی و کاربرد واژگان و نیز تقویت مهارت سخن گفتن است. همچنین هدف اصلی درس عربی که فهم قرآن و متون دینی است، با کتاب‌های جدید موجب می‌شود دبیران تلاش کنند تا با تجوید قرآن، تفسیر آیات و معانی احادیث و روایات آشنا گردند.

فلسفه آموزش عربی در ایران چیست؟

در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه آمده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.»

در «برنامه درسی ملی» در مورد قلمرو حوزه درس عربی چنین آمده است:

«... آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین علیهم‌السلام و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.»

در «برنامه درسی عربی» نیز درباره رویکرد و شیوه نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی چنین آمده است:

۱- رویکرد «پرورش مهارت‌های زبانی برای فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی» و حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان و متن‌محوری به جای قاعده‌محوری

۲- کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده گرفتن آنها در این فرایند، آسیبی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد؛ در عوض توجه بیشتر به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی.

شایستگی مورد انتظار برنامه درسی عربی از دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی:

دانش‌آموزان علاقه‌مند و کوشا در این رشته می‌توانند در پایان دوره دوم متوسطه به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر نسبت به سایر رشته‌ها دست یابند.

البته از آنجا که درس عربی در این رشته مانند رشته‌های دیگر هفته‌ای دو ساعت است، لذا انتظار از دانش‌آموزان این رشته در حد همان دو ساعت تدریس هفتگی است. دانش‌آموز در دوره اول متوسطه حدود ۸۵۰ واژه کاربرد زبان عربی را می‌آموزد که افزون بر اینکه در زبان عربی پربسامدند، در متون دینی و ادبی ما نیز کاربرد فراوان دارند. کلمات به کار رفته در کتاب‌های عربی، پرکاربردترین واژگان زبان عربی‌اند.

در این کتاب حدود ۳۰۰ کلمه کاربرد (با احتساب جمع‌های مکسر) به کار رفته‌اند و نزدیک به ۱۲۰۰ واژه کتاب‌های پیشین نیز در کتاب یازدهم تکرار شده‌اند؛ پس می‌توان گفت هدف این کتاب، آموزش نزدیک به ۱۴۵۰ واژه پربسامد زبان عربی است. ملاک‌گزینش کلمات، پرکاربرد بودن آنها در قرآن، حدیث و متون ادب فارسی است.

بخش اوّل

اهداف کلی برنامهٔ درسی عربی
و شبکهٔ مفهومی

شبکه مفهومی کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه

عبارات اهداف در این جدول به صورت مفاهیم و مهارت‌هاست و با عنایت به ساختار شبکه‌ای

نوشته شده است.

موضوع و پایه	هفتم	هشتم	نهم
واژگان	آموزش حدود ۴۰۰ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و ساده	آموزش حدود ۲۰۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده و تکرار واژگان عربی پایه هفتم	آموزش حدود ۲۲۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و تکرار واژگان عربی پایه هفتم و هشتم (با جمع‌های مکسر جمعاً ۸۵۰ کلمه)
قواعد	- اسم اشاره - فعل ماضی - ادوات استفهام اسم از نظر عدد و جنس - اعداد اصلی یک تا دوازده (بدون ذکر قواعد)	- فعل مضارع - بقیه ادوات استفهام (لماذا، متى، کیف) - اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم (بدون ذکر قواعد) - فعل مستقبل - ترجمه داشتن (عندی...).	- شناخت فعل امر - شناخت فعل نهی - شناخت معادل ماضی استمراری - شناخت جایگاه صفت در ترکیب اضافی - ساعت خوانی - وزن و حروف اصلی
متون	- آیات و احادیث؛ - داستان کوتاه؛ - رنگ‌های اصلی؛ - روزهای هفته؛ - فصل‌ها.	- آیات کلام الله مجید؛ - احادیث معصومین <small>علیهم‌السلام</small> ؛ - داستان کوتاه؛ - دوست‌یابی؛ - ارزش‌ها و فرهنگ جامعه؛	- آیات، احادیث و امثال؛ - شعر و داستان؛ - آداب و مهارت‌های زندگی؛ - در مراکز زیارتی و دیدنی؛ - متن علمی.
مکالمه	- آشنایی، سلام و احوالپرسی، خداحافظی، تعارفات؛ - در شهرهای زیارتی؛ - در بازار؛ - پرسش از مکان، ماهیت، هویت و رنگ	- معرفی افراد به همدیگر؛ - وعده‌های غذایی؛ - پرسش از زمان و پاسخ بدان (اوقات شبانه‌روز، ماه و...) - پرسش از چرایی، چگونگی و شغل	- نحوه درخواست؛ - بازداشتن کسی از کاری؛ - احترام به قوانین جامعه مانند راهنمایی و رانندگی؛ - در سفر زیارتی.

شبکه مفهومی کتاب‌های عربی دوره دوم متوسطه

موضوع و پایه	دهم	یازدهم
واژگان	آموزش حدّ اقل ۳۰۰ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و تکرار واژگان کتاب‌های قبلی	آموزش حدّ اقل ۳۰۰ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و تکرار واژگان قبلی
قواعد	<p>- تکرار آموخته‌های قواعد دوره اول متوسطه</p> <p>- عددهای اصلی یک تا صد و ترتیبی یکم تا بیستم معدود ۱۱ تا ۹۹ که مفرد است، و جمع بودن معدود ۳ تا ۱۰ و آمدن واحد و اثنان بعد از معدود و آشنایی با اعداد معطوف آموزش داده شده است؛ اما تطابق عدد و معدود از اهداف نیست.</p> <p>- آشنایی با ابواب ثلاثی مزید در حدی که به عنوان مثال، تشخیص دهد یَعْلَمُ مضارع عَلِمَ است و شناسه واو را در افعالی مانند خَرَجُوا، تَخَرَّجُوا، اسْتَخْرَجُوا، اَخْرَجُوا بشناسد.</p> <p>نوع باب را تشخیص دهد. تشخیص فعل لازم از متعدی هدف است که در کتاب مشترک هدف نیست (معانی ابواب به دلیل داشتن استثنائات فراوان هدف نیست).</p> <p>- تشخیص جمله اسمیه و فعلیه</p> <p>- تشخیص محلّ اعرابی: فعل، فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، مجرور به حرف جر (جار و مجرور)، مضاف الیه و صفت و تشخیص اعراب آنها (نه نهادن اعراب توسط دانش آموز، بلکه تشخیص اعراب)</p> <p>- تشخیص و ترجمه درست فعل مجهول و شناخت نایب فاعل فقط در حالت اسم ظاهر</p> <p>- شناخت سه اعراب رفع، نصب و جر در اسم‌ها</p> <p>- شناخت نون وقایه</p>	<p>- تکرار آموخته‌های پیشین</p> <p>- شناخت اسم تفضیل، اسم مکان، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه</p> <p>- اسلوب شرط و ادوات آن</p> <p>- جمله بعد از نکره</p> <p>- اسم معرفه و نکره (دو نوع معرفه: معرف به آل و عَلَم)</p> <p>- معادل فارسی مضارع التزامی، آینده منفی، ماضی بعید، ماضی استمراری و ماضی نقلی</p> <p>- معانی افعال ناقصه</p>

<p>- شعر</p> <p>- متون علمی، ادبی و تاریخی</p> <p>- ارزش‌ها و فرهنگ جامعه</p> <p>- آیات کلام الله مجید</p> <p>- احادیث معصومین <small>علیهم‌السلام</small></p>	<p>- شعر</p> <p>- متون علمی، ادبی و تاریخی</p> <p>- ارزش‌ها و فرهنگ جامعه</p> <p>- آیات کلام الله مجید</p> <p>- احادیث معصومین <small>علیهم‌السلام</small></p>	<p>متون</p>
<p>- در بازار، محیط ورزشی، مخابرات</p>	<p>- در فرودگاه، هتل، اداره گذرنامه، سالن بازرسی، تاکسی، داروخانه</p>	<p>مکالمه</p>

بخش دوم

روش‌ها و منابع یاددهی-یادگیری

شیوه‌ها و فعالیت‌های مناسب یاددهی - یادگیری

شیوه‌های مناسب یاددهی-یادگیری با توجه به اهداف و رویکردهای برنامه، انتخاب و به کار گرفته می‌شود. در این راهنما تنها به اصول کلی شیوه‌های یاددهی-یادگیری اشاره می‌شود.

اصول کلی شیوه‌های یاددهی - یادگیری عبارت‌اند از:

- **قرائت:** در درس عربی، روخوانی جایگاه خاصی دارد؛ از این رو، معلم باید از توانایی درست خوانی و روان خوانی برخوردار باشد؛ تا بتواند متناسب با رویکرد اهداف و اصول برنامه آموزش دهد. تلفظ صحیح حروف «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و» آموزش داده می‌شود. حرف «ک» در عربی و فارسی نیز تاحدودی فرق دارد. با توجه به اینکه در نماز خواندن تلفظ درست مخارج حروف اهمیت دارد؛ لذا دبیر عربی به این بخش توجه دارد. دبیر درست تلفظ می‌کند تا دانش‌آموز با تلفظ صحیح آشنا شود و به تدریج و با ممارست آنها را بیاموزد.

- **ترجمه:** دانش‌آموزی می‌تواند درست ترجمه کند که درست بخواند. در این بخش، درست خوانی مهم است. نظر به جایگاه ارزشمند ترجمه در آموزش زبان عربی شایسته است از الگوها و شیوه‌هایی کارساز برای آموزش ترجمه بهره گرفته شود. گاهی استفاده از زبان فارسی در تفهیم فنون ترجمه، کارآمد است؛ مانند تطبیق انواع فعل در دو زبان. به همین منظور بخش‌هایی به‌منظور آموزش مفاهیم بنیادین فنون ترجمه در کتب درسی آمده است.

- **قواعد:** نیاز دانش‌آموز عرب زبان ساکن در کشور عربی، در مبحث قواعد با نیاز دانش‌آموز ایرانی فرق دارد؛ قواعد کاربردی به‌عنوان اصلی اساسی مورد توجه برنامه‌ریزان، مؤلفان و معلمان قرار می‌گیرد. در یادگیری هر زبانی آموزش قواعد لازم است، توجه به قواعد کاربردی و یافتن شاهد از متن مورد تأکید است.

در این‌باره شایسته و بایسته است که:

۱ از تأکید بر حفظ قواعد و تعاریف خودداری شود؛ در آموزش عربی طرح چنین سؤالی در امتحان درست نیست: (ماضی بعید را تعریف کنید). سؤال درست این است که ترجمه این عبارت خواسته شود: (كَانَ أَخِي قَدْ سَاعَدَ أَصْدِقَاءَهُ فِي الْمَدْرَسَةِ). وقتی که دانش‌آموز بتواند این جمله را ترجمه کند بدین معناست که معادل ماضی بعید را در زبان عربی فهمیده است.

۲ تدریس متکلم وحده در آموزش به‌ویژه در آموزش زبان نادرست است. دانش‌آموز باید در

یادگیری، نقش اصلی را داشته باشد.

۳ بر روش‌های اکتشافی و پرسش و پاسخ در این بخش، در یادگیری تأکید شود؛ آنچه را دانش‌آموز با راهنمایی معلم می‌آموزد و تمرین می‌کند، برایش ملکه ذهن می‌شود.

۴ به آموخته‌های پیشین دانش‌آموزان توجه گردد؛ دبیری که از واژگان کتاب قبلی بی‌اطلاع است، نمی‌داند که فراگیر قبلاً چه قواعدی را خوانده است؛ در نتیجه در تدریس با دشواری و کندی مواجه می‌شود.

۵ قواعد عربی به‌دستور زبان فارسی پیوند بخورد و آموزش قواعد برای فهم بهتر بومی‌سازی شود؛ برای نمونه، وقتی که می‌خواهیم فعل مجهول (کُتِبَ و یُکْتَبُ) را آموزش دهیم، بدیهی است که نخست باید فعل مجهول فارسی (نوشته شد و نوشته می‌شود) را تفهیم کرد؛ یا برای تفهیم معنای «قَدْ أَفْلَحَ» و «كَانُوا يَسْمَعُونَ» ابتدا باید معنای ماضی نقلی و ماضی استمراری را در زبان فارسی توضیح داد.

۶ پاره‌ای از مباحث دستوری تأثیر چندانی در دریافت معنا ندارند؛ لذا برخی قواعد حذف می‌شود؛ مانند بحث غیر منصرف، انواع اعلال و ماقبل اعلال، نوع بناء در فعل ماضی و امر؛ مانند ذهبوا و اذهبوا که برای دانش‌آموز ایرانی به‌ویژه در رشته ریاضی، تجربی و شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش سودی ندارد. قواعد در خدمت فهم عبارات و متون‌اند؛ زیرا رویکرد کتاب‌های جدید عربی بر پایه مهارت‌های چهارگانه زبانی و متن محور است؛ به عبارت دیگر، شناخت هدف است نه ساخت؛ لذا طرح سؤالی که بر اساس ساخت یا صَحِّحِ الْأَخْطَاءِ یا اعراب‌گذاری باشد، در روش جدید وجود ندارد؛ بلکه دانش‌آموزان با ساختارهای درست و اعراب‌گذاری شده دقیق روبه‌رو می‌شوند.

- **تمرین‌ها:** در طرح تمرین به اصل مهم تثبیت آموخته‌ها توجه شده است. پاسخ به تمرینات هر درس، نشانگر میزان موفقیت معلم و دانش‌آموز در فرایند یاددهی-یادگیری است؛ لذا اتخاذ روش‌های فعال و مشارکتی در انجام تمرینات امری گریزناپذیر است.

معلم در بخش تمرین، نقش مدیر آموزشی را ایفا می‌نماید و از همه دانش‌آموزان می‌خواهد که در این قسمت فعال باشند.



بخش سوم

طرح درس

به نام خدا طرح درس روزانه پیشنهادی کتاب عربی رشته ادبیات و علوم انسانی پایه یازدهم				
نام دبیر:		تاریخ:		نام مدرسه:
درس:	موضوع	صفحه:	مدت:	تهیه کننده:
اول	درس: مَوَاعِظُ قَيِّمَةٌ	... تا ...	۷۵ دقیقه (از ۹۰ دقیقه)	
الف) بخش نظری: اهداف				
۱	رئوس مطالب	۱. صفحه ورود به درس ۲. متن درس ۳. واژه‌های جدید ۴. درک مطلب ۵. قواعد		
۲	اهداف کلی	۱. آشنایی با کلمات جدید و یادآوری کلمات پایه‌های پیشین ۲. شناخت اسم تفضیل و اسم مکان ۳. آشنایی با بخشی از آیات پرکاربرد قرآن		
۳	اهداف درسی	دانش آموز در پایان این درس باید بتواند: ۱. واژه‌های جدید درس را از عربی به فارسی ترجمه کند. ۲. متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند. ۳. اسم تفضیل را در حالت‌های مختلف تشخیص دهد، در جمله بشناسد و درست ترجمه کند. ۴. اسم مکان را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.		
۴	پیش‌نیاز دانش‌آموز	۱. صفت تفضیلی، صفت عالی و اسم مکان را در دستور زبان فارسی بشناسد. ۲. توانایی قرائت عبارات ساده عربی را داشته باشد.		
۵	ارزشیابی تشخیصی	نتایج ارزشیابی زیر، نقطه شروع آموزش را مشخص می‌کند. ۱. برای صفت ساده، برتر و برترین در زبان فارسی مثال بزند؛ مثال: زیبا، زیباتر و زیباترین. ۲. برای اسم مکان در زبان فارسی مثال بزند؛ مثال: فروشگاه، آشپزخانه، دانشکده، مهمانسرا و ...		
		نتیجه	در صورت پاسخ به این سؤالات، فراگیران آماده یادگیری مطالب جدید خواهند بود.	

تهیه طرح درس به منظور ساماندهی به روش تدریس و استفاده از تجربیات دیگران است. بیشتر دبیران توانا پس از چند سال تدریس عملاً طرح درس را در ذهن خود دارند. در طرح درس باید به ارزشیابی مستمر و دریافت بازخورد از یادگیری دانش‌آموز که در چنین آموزشی روی می‌دهد توجه شود.

شایستگی موردنظر در طرح درس روزانه این است که دبیر بتواند با برنامه‌ریزی اصولی بر زمان تدریس مدیریت کند و از شیوه‌های صحیح در کلاس‌داری استفاده کند.

ب) فرایند آموزش: مراحل تدریس و تنظیم محتوا ۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه			
زمان	شرح	مراحل تدریس	
۳	۱- سلام و احوالپرسی ۲- حضور و غیاب ۳- قبل از شروع تدریس معلّم باید روش‌های مربوط به یاددهی و یادگیری مورد نظر خودش را مشخص کند.	معارفه	۱
۵	اهمیت آموختن اسم تفضیل و اسم مکان را در زبان برای دانش‌آموز شرح می‌دهیم. ۱- اشاره به کاربرد فراوان این دو نوع اسم در زبان. ۲- اشاره به متن حواری فی سوق مشهد و جایگاه مهم این گفتگو در موقعیت‌های واقعی در زندگی.	ایجاد انگیزه	۲
۲	در ادامه پرسش و پاسخ‌های بالا می‌گوییم: دانش‌آموزان گرامی، در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم. بهره‌گیری از آیات پندآمیز ۱۷ تا ۱۹ سوره لقمان برای آشنایی دانش‌آموزان با زبان قرآن	معرفی درس و بیان اهداف	۳
۴۵	این درس در سه جلسه به راحتی قابلیت تدریس دارد. جلسه نخست: ترجمه متن درس توسط دانش‌آموز با توجه به الّمعجم و حلّ درک مطلب؛ از کتاب گویا برای روان‌خوانی کلمات معجم و متن درس کمک می‌گیریم. دانش‌آموزان متن درس را قرائت و به کمک واژه‌نامه و زیر نظر ما ترجمه می‌کنند. جلسه دوم: قرائت و توضیح بخش «اعلموا» و تمرین بخش «حواری» بخش «اعلموا» را یکی از دانش‌آموزان با صدای خوش و رسا می‌خواند و درباره آن سؤال می‌کنیم؛ دانش‌آموزان مناسب را شناسایی کنیم تا هر جلسه یکی از آنها قرائت کند. جلسه سوم: حلّ تمرینات و ارائه گزارش دانش‌آموزان داوطلب که بخش «پژوهش» را انجام داده‌اند.	شروع تدریس و ارائه درس	۴

۵	با استفاده از قلم رنگی از دانش‌آموزان می‌خواهیم خلاصه قواعد درس را رنگی کنند. از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهیم که درس را در چند جمله کوتاه خلاصه کند. در صورتی که درست خلاصه نکرد، ما درس را خلاصه می‌کنیم.	خلاصه درس و نتیجه‌گیری	۵
۱۰	این موارد را از دانش‌آموز می‌خواهیم: ۱- برای اسم تفضیل و اسم مکان در دستور زبان فارسی و عربی مثال بزند. ۲- شبیه متن حِوَار درس را در کلاس اجرا کند.	ارزشیابی بعد از تدریس	۶
-	حلّ داوطلبانه تمرینات درس به منظور آمادگی بهتر در جلسه آینده	تکلیف	۷
۵	یافتن اسم تفضیل و اسم مکان در قرآن و حدیث با استفاده از نرم‌افزار و اینترنت یافتن «داستان»، «آیا می‌دانید که» و «ابتسامات» به زبان عربی یافتن وب‌نوشت، وبگاه، نرم‌افزار آموزشی، پرده‌نگار (پاورپوینت) و تصاویر آموزشی مناسب	معرفی فعالیت‌های خلاقانه	۸
۷۵	زمان تقریبی از ۹۰ دقیقه		

جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی کتاب «عربی، زبان قرآن» پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی						
فَعَالِیَّت	دَرس	تاریخ	جَلَسَه	هَفْتَه	مَاح	
جلسه آشنایی با دانش آموزان و آغاز تدریس نخستین درس کتاب؛ قرائت و ترجمه متن و حل بخش درک مطلب (احتمال دارد که جلسه اول به دلیل برخی مشکلات برگزار نشود).	۱		۱	اول	مهر	نیمسال اول
خواندن بخش «اعلموا» از نخستین درس توسط دانش آموز و پاسخ به پرسش های احتمالی دانش آموزان و قرائت و ترجمه متن حواری و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده	۱		۲	دوم		
حل تمرینات درس اول، پرسش های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب نوشت مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۱		۳	سوم		
آزمون کتبی کوتاه یا ادامه تدریس درس اول؛ گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب نوشت مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۱		۴	چهارم		

آبان	اول	۵	۲	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
	دوم	۶	۲	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛
	سوم	۷	۲	حل تمرینات درس دوم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب (پایان تدریس درس دوم در سه جلسه)
	چهارم	۸	۲	آزمون کتبی کوتاه؛ گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
آذر	اول	۹	۳	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
	دوم	۱۰	۳	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ و قرائت و ترجمه متن حواری و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش‌آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده
	سوم	۱۱	۳	حل تمرینات درس سوم و پرسش‌های شفاهی (پایان تدریس درس دوم در سه جلسه)
	چهارم	۱۲	۳	آزمون کتبی کوتاه
دی	اول	۱۳	۴	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
	دوم	۱۴	امتحانات	برگزاری امتحانات نوبت اول
	سوم	۱۵	امتحانات	ادامه برگزاری امتحانات نوبت اول
	چهارم	۱۶	۴	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم

بهمن	اول	۱۷	۴	حلّ تمرینات درس چهارم، پرسش‌های شفاهی گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	دوم	۱۸	۵	قرائت و ترجمه متن درس و حلّ درک مطلب
	سوم	۱۹	۵	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلّم؛ و قرائت و ترجمه متن حواری و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش‌آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده
	چهارم	۲۰	۵	حلّ تمرینات درس پنجم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
اسفند	اول	۲۱	-	امتحان درس ۴ و ۵
	دوم	۲۲	۶	قرائت و ترجمه متن درس و حلّ درک مطلب
	سوم	۲۳	۶	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلّم
	چهارم	۲۴	۶	حلّ تمرینات درس ششم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب

تعطیل عید نوروز	—		۲۵	اوّل	فروردین	
تعطیل عید نوروز	—		۲۶	دوم		
قرائت و ترجمه متن درس و حلّ درک مطلب	۷		۲۷	سوم		
قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ و تمرین مکالمه (موضوع به دلخواه)	۷		۲۸	چهارم		
حلّ تمرینات درس هفتم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۷		۲۹	اوّل	اردیبهشت	
آزمون درس ۶ و ۷	امتحان		۳۰	دوم		
حلّ نمونه سؤال پایانی و رفع اشکال	دوره		۳۱	سوم		
حلّ نمونه سؤال پایانی و رفع اشکال	دوره		۳۲	چهارم		

یکی از مشکلات تدریس زنگ ۹۰ دقیقه‌ای است که دبیر و دانش‌آموز پس از چند ماه خسته می‌شوند و شاید ۱۰ یا ۲۰ دقیقه از زمان کلاس کم کارآمد شود. برای رفع این مشکل می‌توان از مواد و رسانه‌های آموزشی استفاده کرد.

می‌توان از لوح آموزشی، پوستر، فیلم، نرم‌افزار، روزنامه‌دیواری و دست ساخته‌ها، وب‌نوشت و گروه‌های اجتماعی فضای مجازی و مانند اینها بهره برد که بخشی را معلم و بخشی را دانش‌آموز می‌تواند تهیه کند.

بخش چهارم

بارم‌بندی و نمونه سؤال امتحانی

درج نمونه سؤالات کتاب معلّم توسط هر انتشاراتی به جز انتشارات وابسته به سازمان پژوهش، یا دارای مجوز از آن ممنوع است.

بارمبندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) رشته ادبیات و علوم انسانی پایه یازدهم نوبت اول ^۱				
(از درس اول تا پایان متن و درک مطلب درس چهارم)				
جمع	نمره	موضوع	نمره	مهارت های زبانی
۲	۰/۵	نوشتن ترجمه دو کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می شود.)	۱	الف) مهارت واژه شناسی
	۰/۵	مترادف و متضاد (دو مورد همانند تمرینات کتاب)	۲	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۳	
	۰/۵	نوشتن مفرد یا جمع دو اسم (در حد اسم های خوانده شده)	۴	
۷	۵	ترجمه جمله های کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین و بخش «اعلموا»	۵	ب) مهارت ترجمه به فارسی
	۰/۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۶	
	۱/۵	تکمیل ترجمه ناقص (شش جای خالی)	۷	
۷/۵	۱/۵	ترجمه دقیق فعل های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مستقبل، مجهول، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه های ساده ای مانند دَخَلَ و خَرَجَ یا در قالب مصور (ارتباط دادن جملات به تصاویر) (شش مورد)	۸	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۰/۷۵	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله یا تشخیص نوع فعل، یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا میان چند کلمه (سه مورد)	۹	
	۰/۵	تشخیص اسم مکان و ترجمه آن در جمله	۱۰	
	۱	تشخیص اسم تفضیل و ترجمه دقیق آن در جمله	۱۱	
	۱	ترجمه دقیق جمله دارای اسلوب شرط	۱۲	
	۰/۵	تشخیص فعل شرط و جواب آن	۱۳	
	۱	اعراب: تشخیص نقش کلمه و علامت اعرابی آن (فاعل مرفوع، مفعول منصوب، مبتدا مرفوع، خبر مرفوع، مضاف الیه مجرور، صفت، جار و مجرور یا مجرور به حرف جر)	۱۴	
	۱	تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه	۱۵	
	۰/۲۵	عدد اصلی یا ترتیبی	۱۶	

۱- توضیحات پاورقی بarmبندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند؛ لذا حتماً پیش از طرح سؤال به پاورقی بarmبندی نوبت دوم مراجعه کنید.

۳ نمره	۱/۵	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (شش مورد) یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافه است و شش جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پرکردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال سه گزینه‌ای)	۱۷	د) مهارت درک و فهم
	۱/۵	درک مطلب (ارائه متن و طراحی شش سؤال حتی‌الامکان با شش کلمه پرسشی خوانده شده) یا ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی یا ارائه شش جمله همراه با هشت کلمه که دانش‌آموز باید هر جمله را به توضیح مناسب آن وصل کند. یا در هر دو مورد ۱۳ و ۱۴ هر شیوه ابتکاری دیگری که مهارت درک و فهم را بسنجد.	۱۸	
۰/۵ نمره	۰/۲۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی یا پاسخ به سؤال با توجه به تصویر ارائه شده	۱۹	هـ) مهارت مکالمه
	۰/۲۵	طرح سؤال از بخش حوار مانند (جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)	۲۰	

شایسته است که دبیر گرامی افزون بر توجه به بارم‌بندی که کمی گراست، به مسائل معنوی نیز توجه کند. قطعاً جنبه‌های ارزشیابی معنوی از بارم‌بندی تأثیرگذارتر است. توجه به اینکه دانش‌آموز نسبت به درس عربی زبان قرآن علاقه نشان می‌دهد و در او تغییر نگرش مثبت ایجاد شده است، لازم است.

بارمبندی امتحان کتبی عربی زبان قرآن (۲) پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی نوبت دوم ^۱				
مهارت‌های زبانی	شماره	موضوع	نمره	جمع
الف) مهارت واژه‌شناسی	۱	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (دو مورد و زیر کلمات خط کشیده می‌شود.)	۰/۵	۲ نمره
	۲	تعیین کلمات مترادف و متضاد (دو مورد همانند تمرینات کتاب)	۰/۵	
	۳	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه ^۲ (دو مورد)	۰/۵	
	۴	نوشتن مفرد یا جمع اسم ^۳ (در حد اسم‌های خوانده شده)	۰/۵	
ب) مهارت ترجمه به فارسی	۵	ترجمه جملات کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین و بخش «اعلموا»	۵	۷ نمره
	۶	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵	
	۷	تکمیل ترجمه ناقص (شش مورد)	۱/۵	

۱- توضیحات پاورقی بایرمبندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند.

۲- طرح این سؤال دشوار است. نباید دانش‌آموز در انتخاب دو گزینه سرگردان شود؛ مثال: نافذة، جِدَار، بَاب، صَدْر.

پاسخ: « نافذة مؤنث است بقیه مذکر؛

پاسخ: « پنجره و در و دیوار» در یک گروه‌اند و «سینه» از اعضای بدن است و با سه کلمه دیگر فرق دارد.

دَهَبٌ، اسْتَرَجَعَا، يَعْمَلُونَ، فَتَحَ. پاسخ: « ذهن مؤنث و بقیه مذکرند. يَعْمَلُونَ مضارع و بقیه ماضی‌اند. سوم شخص مفرد ماضی استرجع بیش

از سه حرف است و بقیه فقط سه حرف است؛ از سوی دیگر اصلاً این سؤال از قواعد است نه از معنا.

۳- هرچند در بایرمبندی این سؤال نیم نمره‌ای در بخش ترجمه آمده است؛ اما در اصل مربوط به قواعد است.

۷/۵ نمره	۱	ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مجهول، مستقبل، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای مانند دَخَلَ و خَرَجَ یا در قالب مصور (ارتباط دادن جملات به تصاویر) شش مورد	۸	ج (مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۰/۵	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله، یا تشخیص نوع فعل، یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا میان چند کلمه (دو مورد)	۹	
	۱	شناخت اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و اسم مکان	۱۰	
	۰/۵	اسلوب شرط (تعیین فعل، یا جواب شرط، یا ترجمه دقیق اسلوب شرط)	۱۱	
	۰/۵	ترجمه دقیق جمله بعد از اسم نکره و سایر قواعد درس پنجم	۱۲	
	۱	ترجمه دقیق فعل مضارع دارای حروف «أَنَّ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» در جمله، یا سؤال سه گزینه‌ای از فعل مضارع دارای این حروف	۱۳	
	۱	ترجمه دقیق فعل مضارع دارای حروف «لَمْ، لَ، لا» در جمله، یا سؤال سه گزینه‌ای از فعل مضارع دارای این حروف	۱۴	
	۱	ترجمه دقیق افعال ناقصه «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ» در جمله (تأکید در طراحی سؤال بر شکل‌های مختلف فعل كان است)	۱۵	
۱	اعراب: تشخیص نقش کلمه و علامت اعرابی آن (فاعل مرفوع، مفعول منصوب، مبتدا مرفوع، خبر مرفوع، مضاف‌الیه مجرور، صفت، جار و مجرور، یا مجرور به حرف جر)	۱۶		

۳ نمره	۱/۵	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (شش مورد) یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافه است و شش جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال سه گزینه‌ای)	۱۷	د) مهارت درک و فهم
	۱/۵	درک مطلب (ارائه متن و طراحی شش سؤال حتی‌الامکان با شش کلمه پرسشی خوانده شده) یا ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی یا ارائه شش جمله همراه با هشت کلمه که دانش‌آموز باید هر جمله را به توضیح مناسب آن وصل کند. یا در هر دو مورد ۱۵ و ۱۶ هر شیوه ابتکاری دیگری که مهارت درک و فهم را بسنجد.	۱۸	
۰/۵ نمره	۰/۲۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی یا پاسخ به سؤال با توجه به تصویر ارائه شده ^۱	۱۹	هـ) مهارت مکالمه
	۰/۲۵	طرح سؤال از بخش حوار (مانند جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...	۲۰	

۱- پیشنهاد می‌شود با توجه به تصویر، سؤال طراحی شود؛ مثلاً با توجه به تصویر میزی که کیفی روی آن است، سؤال شود: «ماذا عَلَي الْمُنْصَدَةِ؟» و پاسخ‌های «حقیبة»، «الحقیبة»، «على المنضدة حقیبة»، «الحقیبة على المنضدة». همه را درست می‌گیریم؛ زیرا در همه این پاسخ‌ها دانش‌آموز متوجه سؤال شده و پاسخ‌های کوتاه یا بلند او همگی اشاره به موفقیت او دارند.

تذکرات برای طرّاحی سؤالات امتحانی

- ۱ سؤالات امتحان، کنکور و مسابقات باید کاملاً حرکت‌گذاری شوند.
- ۲ شایسته است صورت سؤال از نظر ساختاری و واژگانی آن درست و مفهوم باشد.
- ۳ در طرّاحی سؤال امتحان نوبت اول طرّاح مجاز است تا یک نمره در بارم‌بندی تغییراتی اجرا نماید؛ ولی در نوبت دوم بارم‌بندی باید دقیقاً رعایت شود.
- ۴ بار اصلی سؤالات امتحانی، ترجمه از عربی به فارسی و کاربرد واژگان است که همراه تنوّع است.
- ۵ در بسیاری از موارد سؤالات بخش‌های مختلف با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، امکان دارد در یک جمله چند مفهوم مختلف هم‌زمان بیاید.
- ۶ فونت‌های زیر برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب‌اند:

،Traditional Arabic ، B Badr ، KFGQPC Uthman Taha NaskhT ، Adobe Arabic ، عثمان طه)

Simplified Arabic

- ۷ طرح سؤال امتحان نوبت اول (دی ماه) و دوم (خرداد ماه) از بیست نمره است.
 - ۸ طرح سؤال امتحان کتبی میان نوبت اول و دوم از پانزده نمره است. معمولاً برای امتحان میان نوبت بارم‌بندی تعیین نمی‌شود. اگر دبیری علاقه‌مند است که بر اساس بارم‌بندی خاصی سؤال طرح کند، می‌تواند این‌گونه عمل کند:
- مهارت واژه‌شناسی از ۲ نمره به ۱ نمره و مهارت ترجمه به فارسی از ۷ نمره به ۵ نمره و مهارت درک و فهم از ۳ نمره به ۲ نمره و قواعد از ۷/۵ نمره به ۶/۵ نمره کاهش می‌یابد. در نتیجه پنج نمره کاسته می‌شود که برای نمره شفاهی است. (حدوداً ۴ نمره روخوانی و ۱ نمره مکالمه)

در مکالمه مشابه این سؤالات مطرح می‌شود؟

لماذا تأتي إلى المدرسة؟ بِمَ جئت إلى المدرسة؟ كم مرة سافرت إلى مشهد؟ من أين أنت؟ كم عمرك؟ كيف حالك؟ أين بيتك؟ أي فاكهة تحب؟ متى ترجع إلى بيتك؟ كم الساعة؟ ماهو لون الباب؟ لماذا تدرس؟ ماذا تأكل للغداء؟ هل أنت نشيط؟ أ دفتّر على المنضدة أم كتابت؟ لِمَن تلك الحقيبة؟

۹ در سؤال شماره ۸: (ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر،

نهی، نفی، مستقبل، مجهول، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای

مانند صَبَرَ و فَهِمَ) قرائنی مانند اسم و ضمیر باید در جمله وجود داشته باشد، تا دانش‌آموز بتواند به کمک آنها فعل مورد نظر را دقیق ترجمه کند.

۱۰ در بخش قواعد شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی و نیز ترجمه از عربی به فارسی است؛ مثال:

اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا. یا حبیبی، رَجَاءً، ... کَلَامِي. (اِسْمَعْ □ اِسْمَعُوا □)
تَرْجِمِ الْكَلِمَةَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا. یا زُمَلَائِي، مِّنْ فَضْلِكُمْ، اِذْهَبُوا اِلَى صُفُوفِكُمْ.

۱۱ در سؤالات چندگزینه‌ای دو یا سه گزینه ارائه می‌شود. (اما در بخش کلمات ناهماهنگ چهار کلمه داده می‌شود).

۱۲ ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی در هیچ آزمون یا مسابقه‌ای طراحی نمی‌شود.

۱۳ طرح سؤال از فعل‌هایی مانند «تَعَلَّمُوا» که می‌توانند ماضی یا امر باشند، باید در جمله و همراه قرائن مناسب باشد و اگر در امتحان از طرح چنین سؤالاتی خودداری شود بهتر است.

۱۴ در تشخیص و ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله باید فقط موارد صحیح و سالم طراحی شود و اگر از غیر صحیح و سالم سؤالی طرح شد، نباید تغییراتی مانند اعلال حذف داشته باشد.

۱۵ آموزش و ارزشیابی مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود و مطابقت موصوف و صفت مطلقاً از اهداف کتاب درسی نیست؛ بلکه حفظ عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم از اهداف کتاب است.

۱۶ طرح سؤال در مورد تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن در قالب سؤال چندگزینه‌ای اشکالی ندارد؛ ولی باید توجه داشت که چنین مواردی از اهداف کتاب درسی نیست:

ضمیر منفصل منصوب مانند اِيَّاكَ؛ تشخیص کاربرد اسم اشاره مثنی مانند هَذَا و هَذَيْنِ، کاربرد هَذِهِ و تِلْكَ برای اشاره به اسم غیر عاقل.

۱۷ پر کردن جای خالی در بخش «حوار» در امتحان باید منطقی باشد. طبیعی است که حفظ متن دشوار است. به عنوان مثال، پیشنهاد می‌شود متن «حوار» داده شود و چهار جای خالی داشته باشد و هشت کلمه ارائه شود تا دانش‌آموز از آنها در جای خالی استفاده کند. در ترجمه عربی به فارسی نیز می‌توان نیم نمره از این بخش طراحی کرد.

۱۸ در تشخیص محلّ اعرابی در جمله، نهادن اعراب رفع، نصب و جر از اهداف کتاب نیست و کلمات جمله باید اعراب‌گذاری کامل شده باشد. اما تشخیص اینکه فاعل، مرفوع است از اهداف است؛ مثلاً این سؤال مورد تأیید است: عَيْنَ الصَّحِيحِ.

سَاعَدَ ... أَصْدِقَاءَهُمْ. الْأَوْلَادَ □ الْأَوْلَادِ □ الْأَوْلَادُ □

۱۹ طرح سؤال از اعراب‌گذاری کلمات جمله، مطلقاً ممنوع است.

۲۰ در تشخیص مشتقات ذکر جامد و مشتق ضروری نیست؛ اما ذکر نوع مشتق، ضروری است.

۲۱ در اسم فاعل و اسم مفعول مانند: ناظر و منظور و مُنْتَظِرٌ و مُنْتَظَرٌ. برای مثال، ذکر اینکه ناظر اسم فاعل ثلاثی مجرّد و مُنْتَظِرٌ اسم فاعل ثلاثی مزید می‌باشد، در کتاب درسی، تدریس شده و از اهداف آموزشی است.

۲۲ در این بخش از سؤالات امتحانی «تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَالنَّكِرَةِ» بهتر است که دبیر محترم سؤالی خارج از کتاب، مطابق چارچوب قاعده درس طرح کند.

۲۳ در طرح سؤال مکالمه به دو صورت می‌توان عمل کرد:

یکی ارائه تصویر و طرح سؤال از تصویر و دیگری پر کردن جای خالی در مکالمه و ارائه کلمات با دادن دو کلمه اضافه.

۲۴ در زمینه تکلیف می‌توان از دانش‌آموزان تکالیف عملکردی خواست. مثلاً از آنها بخواهیم متنی عربی را از رادیو یا تلویزیون گوش کنند و بنویسند.

بارم‌بندی امتحان شفاهی عربی زبان قرآن (۲) پایه یازدهم، میان نوبت اول و دوم			
رشته ادبیات و علوم انسانی			
مهارت‌ها	شماره	موضوع	نمره
مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن‌گفتن	۱	روان‌خوانی (بدون درنگ و خطا، و با تلفظ نسبتاً درست مخارج حروف) یا حفظ شعر و اجرای گروهی آن یا اجرای نمایشی متن برخی درس‌ها	۴
	۲	مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، ما هو، ماهی، بم، من، لمن، این، من این، مَن، کم، هل، ا، متی، کیف، لماذا، لم، عم، آی) یا حفظ مشابه مکالمات کتاب درسی و اجرای آن در گروه دو یا چند نفره یا اجرای گروهی مکالماتی متفاوت با مکالمات کتاب درسی در کلاس	۱
جمع نمره‌ها			۵

تذکرات:

۱ امتحان مستمر اول و دوم شامل دو بخش کتبی (از ۱۵ نمره) و شفاهی (از ۵ نمره) می‌باشد؛ ولی امتحان نوبت اول و دوم فقط کتبی و از بیست نمره است.

۲ تلفظ درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) دشوار است و از عهده بسیاری از دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ اما باید از دانش‌آموزان خواسته شود، حتی‌الامکان مخارج حروف خاص عربی را درست بر زبان آورند، و تمرین کنند؛ زیرا هدف اصلی آموزش عربی مسائل دینی است، و قرائت نماز باید با تلفظ درست باشد.

۳ در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر در پاسخ سؤال «ما اسمک؟» پاسخ دهد «سعید»، کاملاً درست است، و نیازی نیست پاسخ دهد: «اسمی سعید». در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد؛ مثلاً اگر از دانش‌آموزی سؤال شد: «این أنت؟» و پاسخ داد: «أنا فی ...» و درنگ کرد، و نتوانست بگوید: «أنا فی الصف». در حقیقت نیمی از نمره را گرفته است؛ چون سؤال را فهمیده است.

۴ یکی از موارد امتحانی این است که از دانش آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند؛ یا اگر فعالیت در زمینه نمایش و مکالمه در کلاس داشت می توان به عنوان نمره امتحان شفاهی از آن استفاده کرد.

۵ بدیهی است که در یک روز نمی توان از همه دانش آموزان آزمون روخوانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین، هرآنچه را دانش آموز در طول سال تحصیلی می خواند و مجموعه فعالیت های شفاهی و مکالمه وی، نمره شفاهی اش را تشکیل می دهد. مبنای نمره دهی، آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

۶ رعایت ظرافت های صرفی و نحوی در مکالمه در حد دانش آموز نیست. مخصوصاً اینکه او باید در پاسخ گویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از طرفی آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ لذا از دیر ارجمند درخواست می شود این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند تا دانش آموز خاطره خوش از مکالمه داشته و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال های آینده وجود داشته باشد.

۷ حفظ عین مکالمات، کاری بسیار دشوار است؛ لذا از دانش آموزان نمی خواهیم عین عبارت ها را حفظ کنند. دانش آموز می تواند با ذوق و سلیقه خود و شرایط موجود، تغییراتی در متن ایجاد کند.

نمونه سؤال پيشنهادهی امتحان های نوبت اول و دوم

بِسْمِهِ تَعَالَى، اِمْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ، فَرْعُ الْأَدَبِ وَالْعُلُومِ الْإِنْسَانِيَّةِ، الْفَصْلُ الْأَوَّلُ، فِي ثَلَاثَةِ دُرُوسٍ وَ نِصْفِ الْوَقْتِ: ٧٠ دَقِيقَةً، التَّارِيخُ: / ١٠ / الْمِنْطَقَةُ: الْمَدْرَسُ: الْأِسْمُ الْأَوَّلُ وَالِاسْمُ الْعَائِلِيُّ:		
ردیف	پرسش	بارم
الف. مهارت واژه شناسی (دو نمره)		
١	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.</p> <p>١. هُرِّيَا بُنْيَى، أَقِمِ الصَّلَاةَ ﴿١﴾ . ٢. الْإِبْتِعَادُ عَنِ الْأَرَاذِلِ.</p>	٠/٥
٢	<p>اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُرَادِفَتَيْنِ وَالْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ.</p> <p>أَجَبَةٌ / مُسَاعِدٌ / أَعْدَاءٌ / مُعِينٌ / مُغْلَقٌ</p> <p>..... = ≠</p>	٠/٥
٣	<p>اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. أَفَوَاهُ: جَنَاحُ:</p>	٠/٥
٤	<p>عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى.</p> <p>الف. الشَّعْبُ □ النَّاسُ □ الْأُمَّةُ □ السُّلْمُ □</p> <p>ب. الشَّلَالُ □ الشَّرْطِيُّ □ الْحَلْوَانِيُّ □ الْخَبَازُ □</p>	٠/٥
ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
٥	<p>تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ.</p> <p>١. ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ﴾ (١)</p> <p>.....</p> <p>٢. السَّرْوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ، وَالسَّرْوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَتِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. (١)</p> <p>.....</p> <p>٣. أَرَادَ قَتَبَرٌ أَنْ يَسْبَ الَّذِي كَانَ سَبَّهُ؛ فَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: مَهْلًا يَا قَتَبَرُ. (١)</p> <p>.....</p> <p>٤. نَقَارَ الْخَشَبِ يَنْقُرُ جِذْعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ. (١)</p> <p>.....</p> <p>٥. نَقَلْتُ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظَ فَارِسِيَّةً كَثِيرَةً بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ. (١)</p> <p>.....</p>	٥

۰/۵	<p>اِنتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱. وَ اِنْ شَكَوْتُ اِلَى الطَّيْرِ نُحْنِ فِي الْوُكُنَاتِ.</p> <p>الف. و اگر شکایتم را پیش پرنده‌ها ببرم، در آشیانه‌ها گوش فرا دهند. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. و اگر به پرندگان گلیه کنم، در لانه‌ها شیون کنند. <input type="checkbox"/></p> <p>۲. مَنْ جَرَبَ الْمُجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ.</p> <p>الف. هرکس آزموده را بیازماید، پشیمان می‌شود. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. کسی که به سخن شخص با تجربه توجه نکند، زیان می‌بیند. <input type="checkbox"/></p>	۶
۱/۵	<p>اِمْلَأْ فَرَغَاتِ التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.</p> <p>۱. سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيْمُ فِي الْفَلَوَاتِ.</p> <p>از انبارهای آب درباره سوارانی که در تشنه و سرگردان اند</p> <p>۲. يُحِبُّ الْاَبَاءُ وَالْاُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ اَوْلَادِهِمْ فِي اَحْسَنِ حَالٍ، وَلِذَلِكَ يُرْشِدُوهُمْ دَائِمًا اِلَى الْاَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، كَالاِهْتِمَامِ بِالزِّيَاذَةِ، وَالاِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَالْكَهْرَبَاءِ.</p> <p>پدران و مادران دوست دارند فرزندانشان را در حالت ببینند و به همین خاطر همیشه آنها را به کارهای درست مانند اهمیت دادن به</p> <p>..... و میانه‌روی در آب و برق.</p>	۷
ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)		
۱/۵	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:</p> <p>۱. اَنَا دَخَلْتُ عَرَفْتِي. ۲. هِيَ سَتَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا. ۳. رَجَاءٌ، اِضْبِرْ قَلِيلاً.</p> <p>۴. مِنْ فَضْلِكُمْ، لَا تَلْعَبُوا هُنَا. ۵. هُمْ كَانُوا يَرْجِعُونَ بِسُرْعَةٍ. ۶. الطَّالِبَاتُ، مَا عَمِلْنَ بِوَاجِبَاتِهِنَّ.</p>	۸
۰/۷۵	<p>عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.</p> <p>۱. يَا اَوْلَادُ، رَجَاءٌ، فِي الشَّارِعِ. لَا تَلْعَبْ <input type="checkbox"/> لَا تَلْعَبُوا <input type="checkbox"/> لَا تَلْعَبِي <input type="checkbox"/></p> <p>۲. الطَّلَابُ اِلَى كَلَامِ اُسْتَاذِهِمْ. يَسْتَمْعُونَ <input type="checkbox"/> تَسْتَمْعُونَ <input type="checkbox"/> تَسْتَمِعُ <input type="checkbox"/></p> <p>۳. اَ مَا يَ يَا زَمِيْلِي الْعَزِيْزَ؟ عَرَفْتِ ... <input type="checkbox"/> عَرَفْتِ ... <input type="checkbox"/> عَرَفْتَنَ ... <input type="checkbox"/></p>	۹
۰/۵	<p>عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ.</p> <p>شَاهِدْنَا مَطِيْحَ الْفُنْدُقِ فِي السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ مَسَاءً.</p>	۱۰

١	عَيَّنَ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ، ثُمَّ تَرْجِمِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فَقَطْ. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ.	١١
١/٥	عَيَّنْ فِعْلَ الشَّرْطِ فِي الْجُمْلَةِ الْأُولَى وَجَوَابَ الشَّرْطِ فِي الْجُمْلَةِ الثَّانِيَةِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَتَيْنِ. ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.	١٢
١	أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. الْمُدْرَسُ يَكْتُبُ حَدِيثًا عَلَى اللَّوْحِ.	١٣
١	عَيَّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ أَوْ اسْمَ الْمَفْعُولِ أَوْ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ، اغْفِرْ لَنَا. يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ	١٤
٠/٢٥	اُكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا. سَبْعُونَ نَاقِصٌ سِتِّينَ يُسَاوِي	١٥
د. مهارة درك و فهم (سه نمرة)		
١/٥	صَّعَّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ» ١. الْوَكْتَةُ ○ زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرَأَةِ. ٢. الْكِرَامَةُ ○ مَنْ يُعْجِبُكَ شَكْلُهُ وَكَلَامُهُ وَسُلُوكُهُ. ٣. الْمَرَمَى ○ شَرَفٌ وَعَظْمَةٌ وَعِرَّةُ النَّفْسِ. ٤. الْمَلِيحُ ○ حَيَوَانٌ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ. ٥. الرُّفَاتُ ○ تَرَكَ الصَّدِيقِ أَوْ الْمُحِبِّ. ٦. السَّوَارُ ○ بَيْتُ الطُّيُورِ. ٧. الْحَيَّةُ ٨. الْهُجْرُ	١٦

<p>۱/۵</p>	<p>اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.</p> <p>أَنَا مِهْرَانُ. أَعِيشُ فِي قَرْيَةٍ صَغِيرَةٍ بِاسْمِ بَطْرُودٍ فِي مَازَنْدَرَانَ. وَالِدِي فَلَاحٌ وَوَالِدَتِي طَبَاحَةٌ. نَحْنُ أُسْرَةٌ سَعِيدَةٌ. الْيَوْمَ يَوْمَ الْخَمِيسِ. أُمِّي طَبَخَتْ حَلْوِيَّاتٍ قَبْلَ سَاعَتَيْنِ. هِيَ تَطْبُخُ حَلْوِيَّاتٍ طَيِّبَةً. ثُمَّ تَعْرِضُهَا لِلْبَيْعِ، فَيَشْتَرِي النَّاسُ مِنْ حَلْوِيَّاتِهَا لِأَنَّهَا لَذِيذَةٌ جِدًّا. أُمِّي وَصَعَتِ الْحَلْوِيَّاتِ عَلَى الْمِنْضَدَةِ فِي غُرْفَةِ الْإِسْتِقْبَالِ. أُخْتِي الصَّغِيرَةُ مَهْرِي كَانَتْ جَائِعَةً، فَصَعَدَتْ عَلَى الْمِنْضَدَةِ بَعِيدَةً عَنِ الْعُيُونِ فَسَقَطَتْ وَبَدَأَتْ بِالْبُكَاءِ. خَافَتْ أُمِّي كَثِيرًا، فَذَهَبَتْ إِلَيْهَا وَشَاهَدَتْهَا بِخَيْرٍ. عُمُرُ أُخْتِي خَمْسُ سَنَوَاتٍ.</p> <p>۱. هَلْ انْكَسَرَتْ يَدُ الْبِنْتِ الصَّغِيرَةِ؟ ۲. مَتَى صَنَعَتِ الْوَالِدَةُ الْحَلْوِيَّاتِ؟ ۳. أَيْنَ وَصَعَتِ الْوَالِدَةُ الْحَلْوِيَّاتِ؟ ۴. مَا اسْمُ الْبِنْتِ الصَّغِيرَةِ؟ ۵. مَاذَا صَنَعَتِ الْوَالِدَةُ؟ ۶. كَمْ عُمُرُ مَهْرِي؟ </p>	<p>۱۷</p>
<p>هـ . مهارت مکالمه (نیم نمره)</p>		
<p>۰/۲۵</p>	<p>أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ.</p> <p>كَيْفَ حَالُكَ؟</p>	<p>۱۸</p>
<p>۰/۲۵</p>	<p>رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سؤَالَ وَ جَوَابًا صَحِيحًا.</p> <p>الْحَكْمُ / بِسَبَبِ التَّسَلُّلِ / مَا قَبْلَ / الْهَدَفِ / لِماذا / ؟ / .</p> <p>.....</p> <p>- چرا داور گُل را نپذیرفت؟ - به دلیل آفساید.</p>	<p>۱۹</p>

بِاسْمِهِ تَعَالَى، امْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ، الْفَصْلُ الثَّانِي، فَرَعُ الْأَدَبِ وَالْعُلُومِ الْإِنْسَانِيَّةِ، الْوَقْتُ: ٧٠ دَقِيقَةً.

التَّارِيخُ: / ٣ / الْمَنَاطِقَةُ: الْمُدْرَسُ: الْأَسْمُ الْأَوَّلُ وَالِاسْمُ الْعَائِلِيُّ:

بارم	پرسش	ردیف
الف. مهارت واژه شناسی (دو نمره)		
٠/٥	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ﴾	١
٠/٥	ضَعِ الْمَتْرَادِفَ وَالْمَتَضَادَّ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ. = ≠ الْعَدَاوَةُ / الْأَحْيَاءُ / الْأَشْيَاءُ / الْأَبْتَعَادُ / الْأَعْلَى الْيَسَارُ = الْأَسْفَلَ ≠	٢
٠/٥	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. أَصْحَابُ: مَعْصِيَةٌ:	٣
٠/٥	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. الف. لسان <input type="checkbox"/> صَوْم <input type="checkbox"/> وَجْه <input type="checkbox"/> عَيْن <input type="checkbox"/> ب. نَطَقَ <input type="checkbox"/> حَكَى <input type="checkbox"/> كَبَّرَ <input type="checkbox"/> حَدَّثَ <input type="checkbox"/>	٤
ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
٥	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَةَ. ١. ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ (٠/٧٥) ٢. يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْغُيُوبِ، فَندَمَ عَلَى أَعْمَالِهِ وَحَاوَلَ أَنْ يُصَلِّحَهَا. (١) ٣. أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ. (١) ٤. الْأُسْتَاذُ أَدْرِيذِي فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمُدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ. (١/٢٥) ٥. إِرْحَمُوا عَزِيزًا ذَلًّا، وَ غَنِيًّا افْتَقَرَ، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ. (١)	٥

۰/۵	<p>اِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱. ﴿يَقُولُونَ يَا فَوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ الف. با دهانشان آنچه را در قلب هایشان نیست می گویند و خدا به دروغی که بر زبان می رانند آگاه است. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. با دهان هایشان آنچه را در دل هایشان نیست می گویند و خدا به آنچه پنهان می کنند داناست. <input type="checkbox"/></p> <p>۲. ﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾ الف. و خاندانش را به نماز و زکات فرمان داده بود. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد. <input type="checkbox"/></p>	۶
۱/۵	<p>اَمَلًا فَرَاغَاتِ التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.</p> <p>۱. مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. هرکس بخواهد مردم باشد، پس بر خداوند ۲. ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاؤُهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَالَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ روزی که آدمی آنچه را با دستانش پیش فرستاده است می نگرد و کافر می گوید: ۳. إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يُفَكُّ الْأَسِيرَ وَ يَحْفَظُ الْجَارَ. پدرم سرور مردمش بود، اسیر را و را حفظ می کرد.</p>	۷
ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)		
۱	<p>تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.</p> <p>۱. لِمَ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ بَيْتِكُمْ؟ ۲. يَا أَعْرَابِي، أَشْكُرُوا مُدْرِسَكُمْ. ۳. إِنَّهُمْ مَا رَجَعُوا مِنَ الْعَمَلِ. ۴. إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ إِلَى الْعِرَاقِ.</p>	۸
۰/۵	<p>عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ.</p> <p>۱. أَنْتُمْ سَتَنْتَفِعُونَ بِهَذَا الْعَمَلِ. ۲. يَا صَدِيقِي، رَجَاءً، اسْمَعْ كَلَامِي.</p>	۹
۱	<p>عَيِّنْ نَوْعَ الْأَسْمَاءِ: اسْمُ الْفَاعِلِ، أَوْ اسْمُ الْمَفْعُولِ، أَوْ اسْمُ الْمُبَالِغَةِ، أَوْ اسْمُ الْمَكَانِ، أَوْ اسْمُ التَّفْضِيلِ.</p> <p>۱. أَعْلَمَ النَّاسَ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. ۳. يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. ۲. إِنَّ مَكْتَبَةَ جُنْدِي سَابور فِي خوزستان. ۴. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَيْتَمُ التَّمَارِ.</p>	۱۰

۰/۵	<p>عَبَّرَ جَوَابَ الشَّرْطِ، ثُمَّ عَيَّنَ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَصِلُ إِلَى أَهْدَافِهِ. الف. هرکس بسیار تلاش کند، به هدف هایش می‌رسد. <input type="checkbox"/> ب. کسی که بسیار سعی می‌کند، به هدف هایش خواهد رسید. <input type="checkbox"/></p>	۱۱
۰/۵	<p>إِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي التَّرْجَمَةِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا. إِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ. امروز کتابی را که قبلاً آن را</p>	۱۲
۱	<p>تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْآيَاتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا. ۱. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ۲. ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾</p>	۱۳
۱	<p>تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْآيَاتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا. ۱. ﴿عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ۲. ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾</p>	۱۴
۱	<p>تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا فِي مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ. ۱. كَانَ سَعِيدٌ سَاعَدَ صَدِيقَهُ. ۲. كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.</p>	۱۵
۱	<p>أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (المَحَلُّ الإِعْرَابِيُّ وَ عَلَامَةُ الإِعْرَابِ) يَكْتُبُ الْمُدْرَسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللُّوْحِ.</p>	۱۶
د. مهارت درک و فهم (سه نمره)		
۱/۵	<p>ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) السَّرِيرُ / مَنَاتٌ / جَوْعٌ / الْمِظْلَةُ / الْخَائِبُ / الدَّوَابُّ / ظِلَامٌ / خَضْرَاءٌ. ۱. فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْرَبَةِ ذَاتِ الْأَصُولِ الْفَارْسِيَّةِ. ۲. اسْتَفِيدُ مِنْ أَمَامَ أَشِعَّةِ الشَّمْسِ أَوْ نُزُولِ الْمَطَرِ أَوْ التَّلَجِ. ۳. إِنَّ الرُّكْبَ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى ۴. الشَّرْشَفُ قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى ۵. غُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ ۶. «الْغَدَاةُ» بَدَايَةُ النَّهَارِ، وَ نِهَايَةُ اللَّيْلِ.</p>	۱۷

۱/۵	<p>عَبِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَا حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.</p> <p>۱. الطِّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيْضَاءٌ أَوْ مُلَوَّنَةٌ يُكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبَّورَةِ وَ مِثْلِهَا.</p> <p>۲. الْأَبْكَمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ، وَ مُؤَنَّثُهُ «بِكْمَاءٌ».</p> <p>۳. الْأَصَمُّ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى، وَ مُؤَنَّثُهُ «صَمَاءٌ».</p> <p>۴. يَلْعَبُ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْمِنْدَدَةِ أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا.</p> <p>۵. إِرْتِفَاعُ حَرَارَةِ الْجِسْمِ مِنْ عِلَائِمِ الْمَرَضِ.</p> <p>۶. عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَوَاصَّ الْعَنَاصِرِ.</p>	۱۸
هـ . مهارت مکالمه (نیم نمره)		
۰/۲۵	<p>أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِي.</p> <p>بِمَ تَسَافِرُ فِي الْبَحْرِ؟</p>	۱۹
۰/۲۵	<p>رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سؤَالًا وَ جَوَابًا صَحِيحًا.</p> <p>أَعْطِنِي / هَلْ / بِطَاقَةَ / نَعَمْ / تُرِيدِينَ / الشَّحْنِ / مِنْ فَضْلِكَ ...</p> <p>.....</p> <p>آیا کارت شارژ می خواهی؟ بله، لطفاً.</p>	۲۰



بخش پنجم

توضیحات مشترک در تدریس عربی
پایه یازدهم همه درس های کتاب

و جرّ اسم‌ها (فاعل مرفوع، مفعول منصوب، مبتدا و خبر مرفوع، مضاف الیه مجرور، نایب فاعل مرفوع)

تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی است.

تشخیص چندم شخص فارسی هدف نیست؛ مثلاً چنین سوّالی مردود است:

تسترّجین چندم شخص است؟

اگر دانش‌آموز فعل را در حالت «سوم شخص مفرد» حفظ کند، برای کمک به شناخت فعل و ترجمه آن اشکالی ندارد. اما صرف این افعال به روش متعارف چهارده صیغه از اهداف نیست؛ بلکه شناخت و ترجمه آنها در جمله هدف است. معلّم نیز می‌تواند برای آموزش ابواب از وزن آنها استفاده کند. (اِسْتَفْعَلُ، يَسْتَفْعِلُ، اِسْتَفْعَلُ، اِسْتَفْعَلُ).

دانش‌آموز باید «تُم» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و چنین فعل‌هایی را به دنبال آن درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اِسْتَخْرَجْتُمْ.

تصوّر برخی افراد از درس عربی این است که عربی یعنی صرف فعل، اسم اشاره، اسم موصول، و دانش‌آموزان را ملزم به حفظ چنین مواردی می‌کنند، در حالی که همه اینها باید در داخل جمله باشد.

در همه جای کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۲ متن درس اوّل با عنوان مواعظ قیّمة آراسته به آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره لقمان است. اندرزهای لقمان حکیم به فرزندش که برای جوانان این مرز و بوم ارزشمند است و دل و جان آنان را صفا می‌بخشد.

۴ قواعد درس اوّل درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. نیازی به تشخیص اسم جامد از مشتق نیست. دانستن اینکه کلماتی مانند جدار، کتابه و استخراج جامدند، تأثیری در فهم متن ندارد. جایگاه چنین مطالبی در دروس تخصصی دانشگاه است نه در مدرسه. دانستن اینکه کلمه طریق، جامد است، یا مشتق، کمک چندانی به دانش‌آموز در فهم متن که هدف اصلی درس عربی است نمی‌کند. حتّی در این مورد میان بزرگان زبان و ادبیات عرب اختلاف نظر وجود دارد.

۵ موضوع متن درس دوم آرایه ادبی تلمیح است. تلمیح در ادبیات فارسی رایج است. شاعران ایرانی به فارسی و زبانی دیگر که معمولاً عربی است شعر سروده‌اند. دو مَلَمَع از سروده‌های حافظ لسان‌الغیب و شیخ اجل سعدی در درس آمده است. هدف این است که در کنار خواندن متون نظم دلنشین، دانش‌آموز را با این حقیقت رو به رو سازیم که زبان و ادبیات فارسی و عربی پیوندی ناگسستنی دارند و سرایندگان شیرین سخن ایرانی، زبان عربی را به عنوان زبان فرهنگ و تمدن اسلامی می‌شناختند؛ از این رو، در سروده‌های پارسی از عبارات‌های عربی بهره می‌بردند و این نشانگر علاقه و توانمندی آنان در تسلط به زبان عربی است. در نظرسنجی‌هایی که از دانش‌آموزان و دبیران به عمل آمد مَلَمَعات رأی بالایی گرفت. اغلب افراد دوستدار چنین بخشی در کتاب درسی‌اند. قواعد درس دوم درباره شناخت و ترجمه اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه است. اسم فاعل و اسم مفعول از ثلاثی مجرّد و مزید هر دو آموزش داده شده است.

۶ موضوع متن درس سوم شگفتی‌های آفرینش خداوند است. تفکر در آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده و با توجه به سنّ پرجوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی شنیدنی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس می‌شود. متن «مطر السمك» و ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ در پایه دهم نشان داد که دانش‌آموزان چنین متونی را دوست دارند و از سوی دیگر در روایات دینی ما به تفکر در آیات خدا بسیار سفارش شده است.

قواعد درباره اسلوب شرط است. این اسلوب به ویژه در احادیث بزرگان دین بسیار به کار رفته است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، ما، اِنْ و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم از اهداف نیست. دبیر می‌تواند به جزم فعل شرط و جواب آن اشاره کند؛ ولی اشاره به این مطلب بدین معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤال طرح شود.

۷ متن درس چهارم درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. همیشه دانش‌آموز می‌پرسد اینکه زبان فارسی از زبان عربی واژه‌ستانی کرده؛ آیا به زبان عربی نیز واژه‌دهی کرده است؟ این متن پاسخ به پرسش‌های بسیاری است که خواندن آن برای او شیرین و جذاب است. بخشی در ادامه متن درس آمده است که تنها برای مطالعه است و از آن سؤال امتحانی طرح نمی‌شود.

برخی از این کتاب‌ها تألیف نویسندگان ایرانی و برخی تألیف نویسندگان غیرایرانی است. کتاب‌های بسیاری دربارهٔ معرَبات فارسی نگاشته شده است؛ از آن جمله: *مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ مِنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ*. محمد التَّوْنَجِي. مكتبة لبنان ناشرون. ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن؛ جلال الدین السُّيُوطِي (برگردان محمدجعفر اسلامی)، شرکت سهامی انتشار.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید؛ آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای)، توس. *المُهْدَبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ*؛ جلال الدین السُّيُوطِي، مكتبة مشكاة الإسلامية. قواعد درس چهارم دو بخش است: بخش اول دربارهٔ ترجمهٔ درست اسم معرفه و نکره می‌باشد که به دو نوع معرفه، یعنی معرفه به «ال» و «اسم علم» پرداخته است. دلیل اینکه به چهار نوع دیگر معارف نپرداخته‌ایم این است که اهمیّت آنها به اندازهٔ این دو مورد نیست.

بخش دوم دربارهٔ ترجمهٔ فعل مضارع همراه حروف پرکاربرد «أَنْ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، لِ، حَتَّى» می‌باشد. در این بخش، آموزش اعراب اصلی و فرعی و اعراب فعل مضارع منصوب هدف نیست. دبیر محترم می‌تواند به نصب فعل مضارع اشاره کند؛ اما در امتحان از آن سؤالی طرح نمی‌شود.

▲ متن درس پنجم، داستانی در ستایش راستگویی است. در فرهنگ ایرانی - اسلامی بر صداقت بسیار تأکید شده است و در نکوهش دروغگویی داستان‌ها و روایات بسیاری وجود دارد. در متن درس، داستان کوتاهی ذکر شده است. این داستان برای دانش‌آموزان دلپسند و آراسته به سخنان بزرگان دین است. اندرز مستقیم کمتر تأثیر دارد. شیوهٔ غیرمستقیم به باور کارشناسان مؤثرتر است. دانش‌آموز در قواعد درس پنجم، با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. آنچه لازم است بدانیم این است که آنچه در قواعد درس آمده است فرمول ثابتی نیست؛ مثلاً در جملهٔ «لَوْلا الْمُطَالَعَةُ لَرَسَبْتُ». اگر مطالعه نبود، مردود می‌شدم. در این جمله رَسَبْتُ ماضی استمراری ترجمه شده است، بی‌آنکه مطابق فرمول درس باشد.

برخی آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز توضیح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو تنها مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامهٔ پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیرمستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است. این هدف، مطابق برنامهٔ درسی ملی است.

دانش‌آموز با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. چنین اصطلاحاتی در دستور زبان عربی وجود ندارد و این مبحث صرفاً برای دانش‌آموز فارسی زبان طراحی شده است.

۹ متن درس ششم، به یک داستان تاریخی اشاره دارد. داستان دختر حاتم طائی به نام سَفَّانه که با دیدن رفتار والای پیامبر اسلام ﷺ جذب اسلام می‌شود. دانش‌آموز با خواندن این داستان، با حقایق زیبا و افتخار آفرین در تاریخ اسلام آشنا می‌شود. اصولاً دانش‌آموزان به خواندن داستان علاقه دارند. به ویژه اگر داستان واقعی باشد، تأثیر بیشتری بر دانش‌آموز دارد.

قواعد درس ششم، درباره معانی حروف «لَمْ، لَ و لا» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل مضارع و اعراب اصلی و فرعی از اهداف نیست. دانش‌آموز این رشته، فقط دو ساعت، درس عربی دارد؛ لذا امر تدریس با توجه به زمان محدود صورت می‌گیرد. دبیر محترم می‌تواند به جزم فعل مضارع اشاره کند؛ اما اشاره کردن به این معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤالی طرح شود. ۱۰ متن درس هفتم، درباره امید به زندگی است. گاهی به دلایلی برخی دچار ناامیدی می‌شوند. خواندن زندگی‌نامه بزرگانی چون سکاکی، فارابی، آذریزدی و انیشتین و کسانی که دچار معلولیت بوده‌اند، ولی ناامید نشده‌اند و ثابت کردند «معلولیت، محدودیت نیست». موجب تقویت روحیه خواننده شده و در نگرش و اندیشه فرد تأثیر گذار بوده است. وجود افراد ناقص و کم‌توان در جامعه یک حقیقت است. این درس به لحاظ عاطفی در اندیشه و نگرش دانش‌آموز اثرگذار است. گاهی جوانان قدر داشته‌های خود را نمی‌دانند. این متن آنان را به فکر فرو می‌برد.

قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ناقص «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این کلمات آشنا می‌شود. تشخیص اسم و خبر این افعال نیز آموزش داده شده است. اما تشخیص اسم، فقط در حالت ظاهر است و تشخیص اسم افعال ناقصه در حالت ضمیر، هدف نیست.

در این میان، فعل کان بسیار مهم‌تر از بقیه فعل‌هاست، به همین دلیل در بارمبندی نیز تأکید شده است که از این فعل بیشتر سؤال طرح شود. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها به ویژه فعل کان آشنا می‌شود:

■ كَانِ الطَّرِيقِ مُغْلَقًا؛ راه بسته بود.

■ ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَاب: ۲۴؛ بی‌گمان خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

■ كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: كانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.

■ كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» و «كَانَ

الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به معنای «دانش آموز شنیده بود» است.

■ «كَانَ» بر سر «ل» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:

كَانَ لِي خَاتَمٌ فُضِّيَّةٌ. انگشتر نقره داشتم. كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.

مضارع كَانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

دانش‌آموز با معنای صَارَ و أَصْبَحَ به معنای «شد» آشنا می‌شود.

او باید بداند که مضارع صَارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ» است.

همچنین معنای لَيْسَ را بداند.

می‌توان اشاره کرد که لیس مضارع ندارد.

۱۱ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است،

یا سال بعد خواهد آمد. دستور زبان عربی وسعت بسیار دارد. اگر قرار باشد همه دستور زبان را در

کتابی قرار داد، یقیناً بیش از هزار صفحه خواهد شد. دانش‌آموز دوره متوسطه، مختصری از قواعد

لازم را می‌خواند و در صورت علاقه‌مندی در دانشگاه آنچه را لازم است خواهد خواند. یک نگاه

ساده و گذرا به مجلدات کتاب «النحو الوافی» عباس حسن نشان می‌دهد که قواعد همچون دریایی

است و دانش‌آموز به اندازه تشنگی‌اش از آن خواهد نوشید.

۱۲ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب‌درسی نیست. کل

کتاب‌درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته

است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند. طرح سؤال امتحانی

درس عربی مستلزم صبر و حوصله است. یک نمونه سؤال استاندارد باید کاملاً حرکت‌گذاری شده

باشد. زمان محدود دو ساعت در هفته برنامه‌ریزان را بر آن داشت تا فقط مطالب مهم را در کتاب

بگنجانند.

۱۳ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او،

ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هو، هُما، هُم، هی، هُما، هُنَّ، اَنْتَ، اَنْتِما، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنْتِما، اَنْتَنْ، انا، نَحْنُ»؛ اما هدف این نیست که دانش‌آموزان این افعال و ضمائر را طوطی‌وار حفظ کنند.

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند. به همین دلیل، این شیوه در کتاب‌های درسی عربی عمومیّت یافت. در کتاب رشته ادبیات و علوم انسانی شناخت صیغه فعل‌ها هدف است؛ و حال آنکه در کتاب مشترک، هدف نیست.

۱۴ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید هر جمله را در ساخت‌های مختلف، درست بشناسد و درست ترجمه کند. این بدان معنا نیست که عین کتاب سؤال داده شود.

۱۵ در امتحان، معنای کلمات داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تهرین کتاب‌درسی معنای کلمه بیرون از جمله است؛ اما شیوه طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی آمده است. در شیوه سابق، کلمه بیرون از جمله خواسته می‌شد. شیوه صحیح ارزشیابی از کلمات این است که در جمله پرسیده شوند.

۱۶ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه، در طول سال، نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. برگزاری امتحان شفاهی در یک روز امکان ندارد، مگر اینکه کلاس کم جمعیت باشد. روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند تا درست ترجمه کند. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت شود. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان‌خوانی، اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایه تسلط نسبی او به زبان به دست می‌آید.

۱۷ در کتاب فضای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد. تنها در متن درس فضایی برای نوشتن نیست که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود. متأسفانه دیده شده است که برخی همکاران از دانش‌آموزان می‌خواهند تا کل کتاب را به دفتر منتقل کنند. این کار واقعاً آزار دهنده است و نه تنها سودی ندارد، بلکه موجب نفرت دانش‌آموز به درس عربی می‌شود. در میان مهارت‌های چهارگانه زبانی مهارت نوشتن در کتاب

درسی، چندان پر رنگ دیده نشده است؛ زیرا الفبای ما عربی است و جز در چند حرف، آن هم به شکلی ناچیز و کم اهمیت تفاوتی وجود ندارد. در درس انگلیسی دیکته اهمیت دارد؛ زیرا الفبای انگلیسی کاملاً با فارسی فرق دارد، ولی در درس عربی این طور نیست. الفبای فارسی در اصل همان الفبای عربی است.

۱۸ از همکاران ارجمند درخواست می‌کنیم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند. آنچه دانش‌آموز برای فهم متن نیاز دارد، در کتاب درسی آمده است.

۱۹ دانش‌آموزان با هر دو فعل مجرّد و مزید در کتاب درسی، درون متن و عبارت آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرّد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ امّا فعل‌های مزید و حتّی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمَنَ، اتَّقَى، أَتَى، أَجَابَ، أَحَبَّ، احْتَرَقَ، اِشْتَرَى، أَصَابَ، أَعْطَى، جَرَى، حَاوَلَ، عَلَّمَ، دَارَ، سَمَى و ... در کتاب یازدهم بدون ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید، این فعل‌ها بازآموزی شده‌اند. دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرّد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی کتاب این است که دانش‌آموز با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. نیازی به ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید نیست و تشخیص ثلاثی مجرّد و مزید و ذکر نوع باب آن از اهداف آموزشی نمی‌باشد. فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد، از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب، فعل اِسْتَشَارَ به کار رفته و فعل استفعل نیز آموزش داده شده است؛ امّا نباید از فعل اِسْتَشِيرُ سؤال طرح شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَشَارْتُ پرسیده شود اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَشَارَ ندارد. منظور از تغییرات پیچیده، مواردی مانند حذف حرف عله، ادغام و فکّ ادغام، املائی همزه و هرگونه قاعده‌ای است که مربوط به فعل‌های غیرصحیح و سالم می‌باشد. اینکه دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد فعل تَدْخُلُ ثلاثی مجرّد و فعل تَدْخُلُ ثلاثی مزید است، کمکی به او در فهم متن نمی‌کند و تنها راه برای معما‌سازی در ارزشیابی‌ها باز می‌شود. با توجه به زمان محدود به جای اینکه وقت معلّم صرف تشخیص مزید از مجرّد شود، بهتر است صرف معنای افعال شود. در اینجا ارجحیت آموزشی این است که دانش‌آموز معنا را بیاموزد و بهتر است دبیر گرامی، وقت خودش را در این زمینه صرف کند. از سوی دیگر معنای فعل

در آزمون‌ها همان‌گونه که در بارم‌بندی نیز ذکر شده است، باید با استفاده از فعل‌های آسانی مانند دَخَلَ، خَرَجَ، صَبَرَ، عَبَرَ، كَتَبَ، جَلَسَ و مانند اینها باشد و قرائنی مانند ضمیر و اسم اشاره نیز به کمک بیایند. آنچه باید سرلوحه کار خود قرار دهیم این است که ما می‌خواهیم دانش‌آموز بیاموزد و از یاد گرفتنش لذت ببرد. برخی دبیران به تقلید از کنکور و مسابقات، پرسش‌هایی مطرح می‌کنند که نه تنها مفید نیست، بلکه مضر نیز می‌باشد.

آمادگی برای آزمون‌های سراسری و مسابقات نیازمند ساعت جداگانه و کاری مستقل است که در کلاس درس نمی‌توان به آن پرداخت.

معانی ابواب واقعاً آن‌طور که گروهی تصور می‌کنند قطعی و غالب نیستند؛ بلکه از معروف‌ترین و پرکاربردترین آنها هستند. به همین دلیل در کتاب ذکر نشده‌اند. معمولاً معنای تعدیه (تبدیل فعل لازم به متعدی) را برای باب افعال ذکر می‌کنند؛ ولی مثال‌های بسیاری هستند که این‌گونه نیستند. این در حالی است که معنای باب افعال قاعده‌مندتر از سایر ابواب است؛ مانند اَفْلَحَ: رستگار شد، اَسْرَعَ: شتافت، اَسْلَمَ: مسلمان شد، اَصْبَحَ: صبح شد، وارد صبح شد، اَكْبَرَ: بزرگ یافت، اَبَاعَ: برای فروش نهاد، اَحْصَدَ: وقت درو شد، اَشْكَى: شکایت را برطرف کرد.

در بسیاری از فعل‌های باب استفعال، اغلب معنای درخواست وجود ندارد؛ مثال:

استحجر الطینُ. (گل، سنگ شد).

استعظمتُ الأمرُ. (مطلب را بزرگ یافتم).

استخلفتهُ. (او را جانشین خود کردم).

استجرأُ. (جرئت را بر خود تحمیل کرد، به زحمت جرئت نشان داد).

أرحتهُ فاستراحَ. (او را راحت کردم، پس او راحت شد).

معنای مجرد، مانند قَرَّ یا استقرَّ (آرام گرفت).

۲۵ در طراح‌ی سؤال درک مطلب در کنکور و در آزمون‌های مدرسه از متون کتاب استفاده می‌شود؛ در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، نباید واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب داشته باشد، یا اینکه ترجمه فارسی آنها ارائه شود. طرح سؤال درک مطلب کار بسیار سختی است. شاید در نگاه اول کاری بسیار ساده باشد. طرح درک مطلب، در حقیقت نوعی سهل و ممتنع است. طراح‌ی متنی که واژگان و ساختار آن بر اساس آموخته‌های دانش‌آموز باشد و قابلیت طرح

سؤال با کلماتی مانند متی، کیف، هل، أ، أين، لماذا، لِمَنْ، مَنْ، مِمَّن، بِمَ و ... داشته باشد، کاری دشوار است. البته پاسخ دادن برای دانش‌آموز آسان است.

۲۱ صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی که دانش‌آموز نخوانده است در آن باشد.

۲۲ پژوهش‌های انتهای هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. مدرسی که وقت اضافی دارند، یا دانش‌آموزانی خاص ثبت‌نام کرده‌اند، یا تعداد دانش‌آموزان‌شان کم است، می‌توانند به عنوان فوق برنامه در چنین زمینه‌هایی دانش‌آموز را فعال کنند. نمره این بخش را در نوبت اول، یا مستمر می‌توان تأثیر داد. برخی می‌گویند: «هنوز آمادگی پژوهش در نظام آموزشی ایران وجود ندارد» اما نمی‌توان به این بهانه از جایی شروع نکرد و ناامیدانه برخورد و تصمیم‌گیری کرد.

۲۳ در هر آزمونی مترادف و متضاد در محدوده تمرینات چهار کتاب پیشین و کتاب کنونی است.

۲۴ هدف از بخش «بدانیم» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش‌آموز این دو بخش را می‌آموزد تا به کمک آنها درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است.

۲۵ از دانش‌آموز بخواهیم بخش سخنی با دانش‌آموز را بخواند و از والدینش نیز بخواهد بخش سخنی با اولیا را بخوانند.

۲۶ می‌توانیم از دانش‌آموزان بخواهیم تا داستان‌های کوتاه را ترجمه کنند؛ سرود و نمایش اجرا کنند و عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت‌آمیز و ابتهامات و مطالب علمی کوتاه را ترجمه کنند. فضا برای کارهای شاد مناسب است. ولی قاعده‌زدگی تدریس عربی، همگان را جذب قواعد کرده است. حقیقت این است که آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است، ولی تدریس متن‌محور کاری دشوار است. ارزشیابی از مطالب صرفی و نحوی آسان است، ولی ارزشیابی از روان‌خوانی و مکالمه بسیار سخت است.

۲۷ سیاست تألیف در تمامی بخش‌های کتاب، مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است؛ در امتحانات از

طراحی سؤالات معماگونه خودداری می‌کنیم. آزمون‌های مدارس خاص و آزمون‌های طراحی شده توسط مؤسسات خصوصی، زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می‌سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده بوده و پیچیدگی نداشته باشد؛ برخی سودجویان متضرر می‌گردند. آشفتگی وضعیّت آموزش و سختی تمرینات و سؤالات امتحانی زمینه را برای بهره‌برداری برخی سودجویان فراهم و دانش‌آموزان را نیز از درس عربی گریزان می‌سازد. از این رو، با مقالات و سخنرانی‌های بسیاری توسط کارشناسان و صاحب نظران در مذمت سؤالات غیر استاندارد برمی‌خوریم.

۲۸ تعریب از اهداف کتاب درسی نیست؛ دانش‌آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در این دو پایه از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود. (در مهارت مکالمه، یعنی پاسخ‌گویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حدّ یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست.)

۲۹ در پاسخ‌گویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مدنظر نیست. هرچند اگر دانش‌آموز پاسخ بلند دهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لِمَاذَا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ» از آنجا که در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن‌گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه آلبومی از عکس در کاور یا سلیفون تهیه کند و در آن تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد، یا در صورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند، فایل تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه کند. همچنین می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد. دانش‌آموز بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند. همچنین نمره شفاهی دانش‌آموزانی که داوطلب اجرای سرود یا نمایش یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۳۰ تجربه نشان داده است که بیشتر کتاب‌های کار، زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش و دور

افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش را فراهم می‌کنند. نداشتن کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کار نامناسب است. اگر معلّمی کتاب کار تهیه کرد؛ تأکید می‌کنیم که کلاس درس، جای پرداختن به آن نیست و حلّ تمرینات آن در منزل باید صورت بگیرد. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حلّ تمرین‌های آن است؛ لذا اگر وقت اضافی داشت می‌تواند تمرینات کتاب کار را نیز حل کند در غیر این صورت، کتاب درسی نباید لطمه ببیند. گروه‌های آموزشی در این زمینه باید نقش فعّال و ارشادی داشته باشند.

۳۱ پس از هر متن واژگان جدید قرار دارد. هدف از این کار، ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طيّ خواندن متون و عبارات اتّفاق بیفتد. دیده شده است برخی همان آغاز تدریس از دانش‌آموزان می‌خواهند معنای لغت‌ها را حفظ کنند. این کار کاملاً نادرست است.

۳۲ مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به‌کار رفته در کتاب چند مورد بوده است:

سادگی الفاظ؛ سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی؛ کاربری بر اساس نیازهای روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز نوجوان. دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً درباره «احترام به محیط‌زیست» به این حدیث شریف از حضرت علی علیه السلام استشهاد کند: **إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ**. این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی کتاب است، اما نباید با اکراه و اجبار دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود؛ بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلّمی، دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود تا این عبارات را حفظ کنند، و در هنگام لزوم از آنها استفاده کنند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به گونه‌ای هستند که سرشت پاک مایل است آنها را بیاموزد، و به آنها استشهاد کند.

۳۳ گزینش تصاویر بر اساس برنامه درسی ملی است: مسائل فرهنگی و تربیتی، دوری از تنش‌آفرینی، توجّه به امور مهمّی مانند ارزش‌های دینی، احترام به محیط‌زیست، میهن‌دوستی، به‌روز بودن تصاویر، ایجاد جدّابیت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر.

۳۴ دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از دانش‌آموختگی از یاد خواهند برد، ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگارند. آنچه در تدریس بسیار مهم است برخورد‌های درست، دلسوزانه و عالمانه است. مهم این است که پس از فراغت از تحصیل خاطرات شیرینی از کتاب، معلّم و مدرسه به جای بماند.

الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های هشتگانه هر درس

کتاب عربی یازدهم هفت درس دارد و هر درس از هشت بخش تشکیل شده که برای هر یک روشی متناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده تا دبیر بهتر بتواند به اهداف آموزشی برسد. بی‌گمان دبیران محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه برخوردار باشند. هدف کتاب معلّم که پل ارتباطی بین مؤلّف و معلّم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملی محوریت داشته باشد و هم معلّم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

ساختار درس‌ها در کل کتاب درسی پایه یازدهم

قسمت‌های هشتگانه کتاب عربی، زبان قرآن:

- ۱ صفحه مصوّر ورود به درس
- ۲ متن اصلی درس
- ۳ واژگان جدید متن درس
- ۴ درک مطلب متن درس
- ۵ قواعد درس تحت عنوان «اعلموا»
- ۶ مکالمه (در برخی دروس)
- ۷ تمرینات ناظر بر قواعد و واژگان درس
- ۸ پژوهش (البحث العلمي) در برخی درس‌ها

تحلیل قسمت‌های هشتگانه هر درس

هدف برنامه درسی از بخش‌های مذکور، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلّم به یاری آن بتواند با تسلّط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلّم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های مورد نظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس کلیه دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد؛ تا آموزش را برای وی تسهیل نماید.

۱ صفحه ورود به درس:

صفحه‌ای مستقل مزین به آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از معصومین علیهم‌السلام همراه با تصویری زیبا، به لحاظ روانی دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌سازد. تصاویر و نوشته‌های صفحه ورودی به گونه‌ای هستند که با استفاده از آن می‌توان آمادگی خوبی را ایجاد کرد.

۲ متون:

در بخش روان‌خوانی و ترجمه متن نیز باید سهم مشارکت معلم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند. روش‌های مختلفی را برای این بخش می‌توان به کار برد. یکی از بهترین روش‌ها این است که به فرض نیم ساعت به دانش‌آموزان فرصت بدهیم تا خودشان متن را ترجمه کنند و این کار را به صورت گروهی انجام دهند و در پایان، دبیر برگه‌های ترجمه را جمع‌آوری کند و فقط یک برگه را تصحیح کند. او می‌تواند عکسی از برگه ترجمه بگیرد و برگه دانش‌آموز را پس دهد. سپس در کلاس، ترجمه درست را سریع بگوید. اگر کلاس درس سی نفر دانش‌آموز در گروه‌های پنج نفره داشته باشد، در مجموع شش برگه تصحیح می‌شود. لازم نیست که تصحیح از بیست نفره باشد. ارزشیابی توصیفی در چنین مواردی بهتر است. نمره آن یک نفر نشانگر نمره گروه است. حتماً نباید برگه سرگروه تصحیح شود.

مرحله اول (شنیدن): اولین وظیفه بر عهده معلم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند.

در این بخش، استفاده از کتاب گویا تأکید می‌گردد. اگر وقت معلم کم است از دانش‌آموزان بخواهد در منزل، کتاب گویا را گوش دهند.

مرحله دوم (خواندن): دانش‌آموزان بر اساس روشی که معلم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا مهارت گفتاری تقویت گردد. هر بار که یکی از دانش‌آموزان قرائت می‌کند، معلم به او نمره روخوانی می‌دهد.

مرحله سوم (ترجمه مقدماتی): دانش‌آموزان با کمک گرفتن از ترجمه واژگان انتهای متن درس، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد.

چند روش در اینجا وجود دارد:

از دانش‌آموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند، سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یک دانش‌آموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی در ترجمه هم‌کلاسی‌اش وجود داشت آن را اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانش‌آموزان هنگام ترجمه دانش‌آموز پاسخ‌دهنده، باید آماده باشند و معلّم به‌طور تصادفی از یکی از دانش‌آموزان اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هر یک از این شیوه‌ها در جای خود سودمندند. گاهی دبیر در صورت کمبود وقت می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست، شاید به نظر بیاید نامناسب است و دانش‌آموز فعّال نیست، ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری، یا هر علت دیگری که پیش آمده است ضرورت دارد. اصولاً روش تدریس به عوامل بسیاری بستگی دارد. در این روش، معلّم باید هر چند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانش‌آموز بپرسد. در این شیوه تدریس سریع‌تر انجام می‌شود.

در مدرسی که امکانات مناسبی دارند می‌توان ترجمه متن درس را در برگه‌ای به صورت ناقص نوشت و تکثیر کرد و از دانش‌آموزان خواست در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را کامل کنند. این روش فوق‌العاده سریع انجام می‌شود، ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرگ است.

مرحله چهارم (ترجمه نهایی): معلّم در ادامه روش مقدماتی به عنوان راهنما، خطاهای ترجمه دانش‌آموز را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. در حقیقت مرحله مقدماتی و نهایی بدون فاصله‌اند.

مرحله پنجم (پیام درس): در این مرحله، معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند، یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند؛ ذکر کنند. این بخش برای دانش‌آموز لذت‌بخش است و پیوند مناسبی میان ادبیات فارسی و عربی ایجاد می‌شود. بدیهی است تنظیم وقت لازم است وگرنه زمان از دست می‌رود.

خلاصه مراحل ترجمه:

مراحل ترجمه	هدف	نقش دانش‌آموز	نقش معلم
مرحله اول	تقویت مهارت شنیدن	شنیدن	روان خوانی
مرحله دوم	تقویت مهارت خواندن	خواندن	نظارت و راهنمایی
مرحله سوم	تقویت مهارت ترجمه	ترجمه عبارات (مقدماتی)	نظارت و راهنمایی
مرحله چهارم	تقویت مهارت درک و فهم	ترجمه عبارات (نهایی)	تصحیح و تکمیل
مرحله پنجم	تقویت مهارت کاربرد (بیان مصداقی از کاربرد عبارت یا پیام درس)	مصداق‌یابی	تصحیح و تکمیل

۳ واژگان:

دلیل قرار دادن معجم، پس از متن این است که دانش‌آموز با آسودگی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه فعال باشد؛ معلم دانش‌آموز را در ترجمه مشارکت می‌دهد؛ تا توانایی ترجمه را در او به‌پروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری قرار دارد. این بخش تقریباً در پنج دقیقه تدریس می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، هدف این نیست که در همان آغاز، دانش‌آموز همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود. برخی همکاران چنین پنداشته‌اند که هدف این است که همان اول کار از دانش‌آموز بخواهیم تا در عرض چند دقیقه معنای لغت‌ها را حفظ کند؛ این کار بی‌گمان نادرست است. می‌توان در صورت داشتن زمان مناسب واژه‌پژوهی کرد؛ مثلاً ارتباط کلمات را از نظر مراعات نظیر، متضاد یا مترادف و هم‌خانواده برخی کلمات دید.

از دانش‌آموز می‌پرسیم متضاد یا مترادف فلان کلمه چیست؟

کدام کلمات در المعجم با هم ارتباط معنایی دارند؟

در انجام این کار نباید زیاده‌روی کرد؛ چون وقت کلاس از دست می‌رود.

در طرّاحی آزمون از بخش کاربرد واژگان می‌توان از تشخیص کلمه ناهماهنگ، مترادف و متضاد^۱ استفاده کرد.

مراحل آموزش واژگان:

۱ دیر می‌تواند در آغاز از کتاب گویا استفاده کند. دانش‌آموزان تلفظ درست درس را گوش می‌کنند.

۲ سپس معلّم می‌خواند و دانش‌آموزان تکرار می‌کنند. این قرائت می‌تواند به تشخیص معلّم به همراه او و شامل گروهی از دانش‌آموزان باشد یا به صورت انفرادی انجام شود.

بخش واژه‌شناسی در کتاب معلّم

بخش واژگان در ادامه متن دروس کتاب، برای دانش‌آموز است، تا بتواند با استفاده از آنها متن‌ها را راحت‌تر ترجمه کند؛ اما بخش واژه‌شناسی در کتاب معلّم برای طرح در کلاس درس نیست. صرفاً اطلاعاتی برای دیر است که البته اگر دانش‌آموزی سؤالی بپرسد می‌تواند پاسخ آن را برای آن دانش‌آموز مطرح کند. هدف، سهولت دسترسی معلّم به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان است.

۱- دربارهٔ ترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند. «سیبویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف برای یک معنا می‌آورند که برای مورد اخیر فعل «دَهَبَ» و «انطلق» را مثال می‌زند.

از دیدگاه «سیوطی» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار برده‌اند، آنگاه پس از اینکه طایفه‌ها یکی شده‌اند، این دو کلمه مترادف گشته‌اند.

اما این سکت معتقد است که برخی واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند، اما حالت‌های دقیق خاص خودشان را بیان می‌کنند. مثلاً در مورد فعل «گزیدن»:

العَضُّ بِالْأَسنانِ لا بِالشفتينِ / النَّهْسُ : المَدُّ بالفمِ / النَّهَشُ : العَضُّ السَّرِيعُ / العَجْمُ : العَضُّ بِالأسنانِ لِتَنْظُرَ أ صُلْبٌ هو أم حَوارٍ
یا در مورد لانه:

العُشُّ : الذي يَجْمَعُهُ الطائِرُ مِنَ العیدانِ و غيرها فَيَبِيضُ فيه. / الوَكْرُ : في الجبلِ / الوَكْنَةُ : مواقعُ الطَّيْرِ حيثما وَقَعَ.

و دربارهٔ جدا کردن واژه‌ها از هم و ارائه شیوهٔ درست به‌کارگیری آن دربارهٔ فرقی «راکب» و «فارس» می‌گوید:

«يُقَالُ: مَرَّ بِنا راکِبٌ، إذا كان على بَعيرٍ، و الرّكَبُ أصحابُ الإبلِ. أما إذا كان على حمارٍ أو بغلٍ أو فرَسٍ يُقالُ: مَرَّ بِنا فارسٌ على حمارٍ أو بغلٍ
أو...»

اما ابومنصور ثعالبی در کتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به کار بردن هر کلام به جای دیگری برحذر می‌دارد، مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

«أولُ النومِ: النَّعاسُ / الكَرَى: هو أن يَكُونَ الإنسانُ بينَ النَّائمِ و اليَقظانِ / الرُّقاد: هو النَّومُ الطويل.»

و گاهی اوصاف یک اسم به عنوان مترادف به‌کار می‌رود که در اصل حالت‌های گوناگون آن اسم است.

تصاویر

تصاویر زیبایی کتاب در برگزیده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی - اسلامی و با دقت فراوان گزینش شده‌اند. گاهی حساسیت تصاویر در نقد و بررسی‌ها بیشتر از متن می‌گردد.

رسالت مهم تصاویر:

۱ پیام‌های ارزشی این تصاویر موجب تقویت هویت اسلامی- ایرانی می‌شود.

۲ جذابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسریع و تسهیل می‌کند.

شاعر گرانمایه ایرانی، مولوی در این باره می‌فرمایند:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

اجرا: نخست روخوانی توسط دانش‌آموزان جهت تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آنگاه ترجمه هر جمله بیان می‌شود که بهتر است معلم در این مرحله نقش ارشادی داشته باشد؛ تا بتواند با ظرافت، پیوندی قوی بین سه قسمت واژگان، متن و قواعد ایجاد کند.

۳ درک مطلب

اصلی‌ترین هدف کتاب درک مطلب و فهم متن است.

۴ قواعد تحت عنوان «اعلموا»

در این قسمت، ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این بخش تا پایان کتاب برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره‌بردار؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی به گسترش آن نیست.

حفظ مطالب بخش «اعلموا» الزامی نیست؛ همچنین نیازی به ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: معلم در این قسمت، دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. قواعد به عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم است نه هدف اصلی، و علت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» در واقع کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلم محترم نیز باید در بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوه دادن، خودداری کند.

در این بخش دانش‌آموزان تعامل بیشتری دارند؛ خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سؤالات پاسخ می‌دهند و معلّم می‌تواند نقش راهنما و مصحّح داشته باشد. در این صورت، یادگیری عمقی می‌شود.

۵ مکالمه

در این قسمت در برخی از درس‌ها مکالماتی کاربردی تنظیم شده است. در صورت داشتن وقت می‌توان از دانش‌آموزان خواست، تا آنها را حفظ کنند. معلّم است که الزام به حفظ عین عبارات کاری خردمندان و منطقی نیست، و دانش‌آموزان باید شبیه به متون را در کلاس اجرا کنند.

۶ تمارین

هدف اصلی در این بخش از کتاب درسی، تثبیت و تعمیق یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تلطیف و تسهیل آموزش، تلاش شده است دانش‌آموز از حلّ آنها لذّت ببرد. سعی شده است عباراتی انتخاب شود که حتّی الامکان کلمات تازه نداشته باشند، یا کم داشته باشند.

حلّ تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است. معلّم راهنمایی می‌کند.

جای کافی برای حلّ تمارین پیش‌بینی شده است؛ تا نوشتن مجددِ تمارین وقت زیادی را از دانش‌آموز نگیرد. با توجّه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و شاید اشتباهاتِ اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است حلّ تمرینات در کتاب صورت بگیرد؛ تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید. پیش‌تر اشاره شد که القباوی ما عربی است؛ لذا ضرورتی که در آموزش انگلیسی برای تقویت مهارت نوشتن وجود دارد در آموزش عربی آن ضرورت حس نمی‌شود.

قالب کلی تمارین

ردیف	تمرین	قالب و الگوها
۱	واژه	۱- معنای واژه
		۲- واژگان مترادف، متضاد و ناهماهنگ
		۳- شناخت و کاربرد واژگان در جمله
۲	ترجمه	ترجمه جملات عربی به فارسی شامل: آیه، حدیث و جمله‌های معمولی
۳	قواعد	شناخت و کاربرد قواعد، شامل: شناخت فعل امر، فعل نهی، معادل فعل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی، ساعت خوانی، اسم اشاره به نزدیک و دور، کلمات پرسشی، نفی ماضی و مضارع، مستقبل اعداد، فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضیل، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار و مجرور اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنَّ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» و «لَمْ، لَ، لا، إِنْ، مَنْ، ما»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل كَانْ
۴	درک	۱- پاسخ به سؤالات عربی
	مطلب	۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب
۵	پژوهش	ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان داوطلب

این بخش در ارزشیابی‌ها، معیاری برای طراحی سؤالات امتحانی است و شایسته است معلم از الگوها و قالب‌های موجود بهره‌برد و از طرح سؤالات تعریب و ساختن صیغه‌های مختلف فعل خودداری کند. ساخت از اهداف کتاب‌درسی نیست.

بخش ششم

محتوای کتاب عربی پایه یازدهم
و چگونگی آموزش درس‌ها

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اهداف درس: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۳ شبیه متن مکالمه، درس را در کلاس به همراه هم‌کلاسی‌هایش اجرا کند.
- ۴ شکل‌های مختلف اسم تفضیل را در عربی بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۵ اسم مکان را بشناسد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس اول، هدف اصلی کتاب را تحت پوشش قرار می‌دهد. مطابق برنامه درسی ملی، یکی از اهداف مهم درس عربی، فهم بهتر قرآن است. آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره لقمان به همراه تفسیر آن زینت‌بخش آغاز کتاب درسی است.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

يُحِبُّ الْأَبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ، وَلِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ.

پدران و مادران دوست دارند فرزندان‌شان را در بهترین حالت ببینند، و به همین دلیل همیشه آنها را به صفت‌های خوب و کارهای درست راهنمایی می‌کنند.

كَالْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ، وَ تَعَلُّمِ الْعُلُومِ وَالْمَهَارَاتِ وَالْفُنُونِ النَّافِعَةِ، وَالِابْتِعَادِ عَنِ الْأَرَادِلِ وَالتَّقَرُّبِ إِلَى الْأَفْضَالِ، وَالِاهْتِمَامِ بِالرِّيَاضَةِ، وَ مُطَالَعَةِ الْكُتُبِ، وَاحْتِرَامِ الْقَانُونِ، وَالِاِفْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَالْكَهْرَبَاءِ، وَ حُسْنِ التَّغْذِيَةِ، وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الصِّفَاتِ وَالْأَعْمَالِ ...

مانند اخلاق خوب، یادگیری دانش‌ها و مهارت‌ها و فنون سودمند، دور شدن از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان، همت ورزیدن (اهمیت دادن) به ورزش، مطالعه کتاب‌ها، احترام نهادن به قانون،

صرفه‌جویی در مصرف آب و برق، حُسن تغذیه (خوب خوردن) و صفت‌ها و کارهای دیگر.
 وَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَزَى «لَقْمَانَ الْحَكِيمِ» يُقَدِّمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قَيِّمَةً، وَ هَذَا نَمُوذَجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ
 بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ. فَقَدْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ:

و در قرآن کریم می‌بینیم که لقمان حکیم پندهایی ارزشمند به پسرش تقدیم می‌کند و این
 نمونه‌ای تربیتی است، تا همه جوانان با آن هدایت شوند. در قرآن کریم آمده است:

﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اضْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ *
 وَ لَا تَصْعَرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ *
 وَ اقْضِ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ لقمان : ۱۷-۱۹

۱۷ ای پسرکم، نماز را برپادار و به‌کار پسندیده فرمان بده و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که
 بر تو وارد آمده است شکیبایی کن؛ زیرا این از کارهای مهم است.

۱۸ و از مردم روی برنگردان، و در زمین با خودپسندی و شادمانه راه مرو؛ زیرا خدا خودپسند
 فخر فروش را دوست نمی‌دارد.

۱۹ و در راه رفتنت میانه‌روی کن، و صدایت را پایین بیاور؛ زیرا بدترین آوازاها بی‌گمان بانگ
 خران است.

ترجمه استاد مهدی فولادوند:

۱۷ ای پسرک من، نماز را برپادار و به‌کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که
 بر تو وارد آمده است شکیبیا باش. این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.

۱۸ و از مردم [به نخوت] رُخ برمتاب، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لاف‌زن را
 دوست نمی‌دارد.

۱۹ و در راه رفتن خود میانه‌رو باش، و صدایت را آهسته ساز، که بدترین آوازاها بانگ خران
 است.

ترجمه آیت الله مکارم شیرازی:

۱۷ پسرک من، نماز را برپادار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصائبی که به تو
 می‌رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است.

۱۸ [پسرک من] با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ

متکبر مغروری را دوست ندارد.

۱۹ [پسر] در راه رفتن اعتدال را رعایت کن از صدای خود بکاه [و هرگز فریاد مزین] که زشت‌ترین صداها صدای خران است.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا، فَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِنَّ عَمَوَدَ الدِّينِ الصَّلَاةُ.»
قطعاً خدا کسی را که مراقب نماز اول وقتش باشد دوست دارد. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: قطعاً ستون دین، نماز است.

وَ عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ صَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَالشَّدَائِدِ.

و ما باید مشتاق کارهای شایسته، بازدارنده از زشتی و بردبار بر دشواری‌ها و سختی‌ها باشیم.
فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الْمُهْمَةِ. وَ عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِدَتِنَا وَ أصدقَائِنَا وَ زَمَلَانِنَا وَ جِيرَانِنَا وَ أَقْرَبَائِنَا وَ كُلِّ مَنْ حَوْلِنَا.

زیرا این از کارهای مهم می‌باشد، و بر ما لازم است که در برابر استادان، دوستان، هم‌شاگردی‌ها، همسایگان، خویشاوندانمان و هرکه پیرامون ماست، فروتنی کنیم.

فَقَدْ قَالَ الْإِمَامُ الْكَاطِمُ ﷺ: «الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ، وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.»
امام کاظم ﷺ فرموده‌اند: حکمت در قلب فروتن ماندگار می‌شود (عمر می‌کند) و در قلب خودبزرگ‌بین ستمگر ماندگار نمی‌شود.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ. إِذْنًا عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْأَخْرَيْنِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ.

بی‌گمان خداوند هیچ خودپسندی را دوست نمی‌دارد. بنابراین، باید خود را از دیگران بزرگ‌تر نبینیم؛ زیرا خدا خودبزرگ‌بینان را دوست نمی‌دارد.

وَ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ؛ فَقَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْحِمَارِ.

و باید صدایمان را از صدای مخاطب بالاتر نبریم؛ که خداوند صدای کسی را که بدون دلیل منطقی صدایش را بالا می‌برد به صدای خر همانند کرده است.

پاسخ درک مطلب: ص ص غ غ

واژگان

تذکر مهم: از نظر علمی یادگیری واژگان جدید درس درون متن و عبارت انجام می‌پذیرد. لذا معنای کلمه در آغاز درس و نیز خارج از جمله سؤال نمی‌شود. اگر برای یادگیری بهتر و سرعت در کار تصمیم داریم که معنای کلمه را بپرسیم، از نمره دادن خودداری کنیم؛ زیرا معنای کلمه باید در جمله خواسته شود. چنین کاری را می‌توان در قالب یک مسابقه انجام داد. پرسیدن معنای کلمات بیرون از جمله، از نظر ارزشیابی منسوخ شده است.

اعلموا

بحث اسم تفضیل مبحثی پرکاربرد در قواعد هر زبانی از جمله زبان عربی است. در کتاب درسی کلماتی مانند اعلیٰ، اعلیٰ، اَحَبُّ، اَشَدُّ و خَیْر و شَرٌّ نیز به عنوان اسم تفضیل آموزش داده شده‌اند. مطالبی فراتر از کتاب برای دبیر:

اسم تفضیل برای بیان برتری یک چیز نسبت به چیز دیگر یا بیان کمتر و زیادتر بودن صفتی در یک فرد یا یک چیز نسبت به دیگری در جمله ذکر می‌شود که اگر از فعل ثلاثی مجرد ساخته شود، بر وزن «أَفْعَل» می‌آید و اگر از فعل ثلاثی مزید ساخته شود، قبل از آن «أَشَدُّ» یا «أَكْثَرُ» قرار داده می‌شود و مصدر فعل را به صورت منصوب بعد از آن ذکر می‌کنیم.

ثلاثی مجرد: حمیدٌ أَكْبَرُ مِنْ سعیدٍ.

ثلاثی مزید: ناصرٌ أَكْثَرُ إِحْسَانًا مِنْ حامدٍ.

اگر اسم تفضیل بر «عیب، رنگ و زینت» دلالت کند؛ مانند ثلاثی مزید ساخته می‌شود؛ مثال:

عیب: عینه اشدُّ اعوراراً مِنْ صَدِيقه: چشم او لوچ‌تر از دوستش است.

رنگ: الدم اشدُّ احمراراً مِنْ الشَّفَّة: خون سرخ‌تر از لب است.

زینت: هذا البيت أَكْثَرُ جَمالاً مِنَ الآخر: این خانه زیباتر از دیگری است (کلمه «جمال» که به معنای زیبایی است به هر دو شکل استفاده می‌شود: أَجْمَلُ / أَكْثَرُ جَمالاً).

توضیح درباره کتابخانه گندی شاپور در اختر نفسک:

در سال ۲۵۰ پ.م کتابخانه گندی شاپور (یا جندی شاپور) در استان خوزستان که بزرگ‌ترین کتابخانه دنیای باستان به شمار آمده است بنیان نهاده شد. این دانشگاه بزرگ‌ترین مرکز آموزش و

پژوهش پزشکی، فلسفه و ادبیات جهان کهن خوانده شده است. در این دانشگاه استادان ایرانی، هندی، یونانی و رومی تدریس می‌کردند.

بعد از اینکه اعراب مسلمان، ایران را تصرف کردند، به ارزش این کتابخانه پی بردند و بر آن شدند که شکوه پیشین آن را نگاه دارند. آنان همه سازمان‌های شهر از جمله بیمارستان، کتابخانه، مدرسه پزشکی و پرستشگاه‌ها را برجا نگاه داشتند. تصویر درس تخیلی است.

هماهنگی در ترجمه حوار و چند توضیح

یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر زبان، بخش مکالمه است. و در بخش مکالمه نیز بخش گفت‌وگو در بازار اهمیت ویژه‌ای دارد.

عِنْدَنَا قَمِيصٌ بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومَانٍ؛ پیراهن به قیمت پنجاه هزار تومان داریم.
مَنْجَرٌ وَ مَحَلٌّ، هر دو به معنای مغازه است؛ اَمَّا مَعْرَضٌ نَمايشگاه است. در زبان عربی دُكَّانٌ نیز به کار می‌رود و جمع آن دَكَاكِينٌ است. دکان ریشه فارسی دارد. حانوت (جمع آن حَوَانِيت) نیز به همین معناست.

تَخْفِيفٌ، خَصْمٌ وَ حُصُومٌ، هر سه به معنای تخفیف‌اند.

سَعْرٌ، قِيَمَةٌ وَ تَمَنٌ، هر سه به معنای قیمت‌اند.

تمرین‌ها

تذکر مهم در اینجا این است که بدانیم هدف اصلی تمرینات، تعمیق و تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا تمارین درس ساده باشد و دانش‌آموز از حل آنها لذت ببرد. سعی شده است صورت سؤال ساده و واضح باشد تا دانش‌آموز به سادگی متوجه سؤال بشود. شایسته است دبیر ارجمند برگه‌ای مخصوص قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار که دانش‌آموزی عبارتی یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود و همه دانش‌آموزان به اندازه کافی تمرین کنند. برای حل تمرینات نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است. در امتحان شفاهی به راحتی می‌توان از کتابی نو استفاده کرد. برخی می‌گویند اگر دانش‌آموزان

پاسخ را در کتاب بنویسند، روز امتحان نمی‌توانند خودآزمایی کنند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را پوشاند.

این کار موجب می‌شود دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حل تمرین‌ها برعهده دانش‌آموز است و نقش معلم، نظارت و تصحیح است. تمرینات به گونه‌ای طراحی شده است که معلم بتواند در جلسه سوم تمرینات درس اول را به پایان برساند. تعداد تمرینات شش مورد است و دبیر می‌باید زمان را به گونه‌ای مدیریت کند تا بتواند در یک جلسه آن را حل کند.

تمرین اول: هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است. بدین وسیله به معجم درس مراجعه می‌کند و در جست‌وجوی کلمات، ناگزیر باید تک‌تک آنها را نگاه می‌بندازد.

تمرین دوم: متن به کار رفته داستانی، پیامی والا دارد. دشنام دادن و خشمگین شدن مشکلی است که در بسیاری از افراد وجود دارد. این داستان در نگرش دانش‌آموز تغییر ایجاد می‌کند. نصیحت مستقیم کمتر مؤثر است. تأثیر چنین متونی در ایجاد حسن خلق بسیار است.

تصویر زیر تمرین مربوط به بارگاه امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام است. **تمرین سوم:** در این تمرین، چند حدیث نبوی برای تقویت مهارت ترجمه گزینش شده است. جمله‌های این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به عنوان شاهد مثال برای بسیاری از موقعیت‌ها به کار برد. در این تمرین، گریزی به قواعد سال‌های گذشته نیز وجود دارد. این کار در کل کتاب درسی انجام شده است، و در کتاب پایه دوازدهم نیز همچنان این کار انجام می‌شود. پنج حدیث به کار رفته همگی در راستای موضوع متن درس‌اند.

۱ حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۲ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْفَاعِلُ وَالْمَفْعُولُ)

هرکس اخلاقش بد باشد (بد شود) خودش را عذاب می‌دهد.

۳ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)

فقط به خاطر مکارم اخلاق (بزرگواری‌های اخلاق) برانگیخته شدم.

۴ اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خَلْقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)

خدایا، همان طور که آفرینش را نیکو گردانیدی اخلاقم را هم نیکو بگردان.

۵ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ)

در ترازوی اعمال، چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.

تمرین چهارم: در این تمرین دانش آموز در جست‌وجوی اسم مکان و اسم تفضیل است. مثال‌ها

در راستای فرهنگ دینی است.

تمرین پنجم: در این تمرین، دانش آموز فعل را بیرون از جمله ترجمه می‌کند. این تمرین

سخت است؛ اما دانش‌آموزی که سه سال فعل آموخته است، باید بتواند در سال پنجم انواع فعل را

تشخیص دهد. او باید افعال ماضی، مضارع، امر و نهی و... را از هم تشخیص دهد؛ مثلاً باید بتواند

أَذْهَبُ را از إِذْهَبْ تشخیص دهد. هدف اصلی این تمرین، تکرار آموخته‌های فراگیر در درس سوم و

چهارم کتاب عربی پایه دهم است.

تمرین ششم: هدف، تکرار آموخته‌های سال گذشته است که در بارم‌بندی نیز مجدداً سهمیه

دارد. تشخیص محل اعرابی تمرینی است که در درس‌های بعد و سال آینده در پایه دوازدهم نیز

تکرار خواهد شد.

ارزشیابی

از دانش‌آموزان بخواهیم تا در گروه‌های چندنفره تمرینات درس را حل کنند، سپس رفع اشکال

توسط معلم انجام شود، یا اینکه در منزل حل کنند و در کلاس رفع اشکال گردد.

وسایل کمک آموزشی

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند:

کتاب گویا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف)^۱، پاورپوینت، ماهنگ آموزشی،

۱- آموزگاران، خبرنگاران و... اینفوگرافیک را به عنوان یک توانایی یافته‌اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان

آنها را یاری می‌رساند. اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) یک جهش دیداری در آموزش است. با تصویر سازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با

پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند.

اینفوگراف چیست؟ واژه اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) Infograph کوتاه شده Information Graphic است. امروزه اطلاع‌نگاشت

(اینفوگراف)‌ها را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کنیم، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) به

عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. اینفوگرافیک نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌هاست.

اسلاید، اعلان (پوستر)، فلش کارت

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.

هدف از این تمرین، تشویق دانش‌آموز به انجام فعالیت و تحقیق است. نمره این بخش را می‌توان در امتحان مستمر اول و دوم حساب کرد. انجام این بخش منوط به داشتن وقت است. اگر دبیری زمان کافی در اختیار نداشت، در انجام دادن و ندادن این قسمت از کتاب درسی مختار است. متن دعای افتتاح:

http://www.tebyan.net/Weblog/gh_mahdi/post.aspx?PostID=۳۶۹۴۸

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱. إِذْنٌ: حرف جواب و جزاء یا مُكَافَأَةٌ است.

این حرف هرگاه فعل مضارع را منصوب کند با نون نوشته می‌شود.

امکان دارد دانش‌آموز إِذْنٌ را با إِذْن (اجازه) یا أُذُن (گوش) اشتباه بگیرد.

إِذْنٌ: اعلام به اجازه؛ «فعله بإذني»: آن کار را با اجازه من انجام داد، اجازه دادن

«إِذْنُ الْبُرَيْدِ» جمع: أُذُونَاتُ الْبُرَيْدِ: حواله پستی

۲. اسْتَهْلَكَ: اسْتَهْلَكَ [هَلَك] هُ: او را هلاک کرد.

اسْتَهْلَكَ الْمَالَ: آن مال را به مصرف رسانید و از بین برد.

اسْتَهْلَكَ فِي الْأَمْرِ: در آن کار با شتاب کوشید.

اسْتَهْلَاكَ مَحَلِّيٌّ: مصرف داخلی، اسْتَهْلَاكَ الطَّاقَةَ: مصرف انرژی

۳. غَضُّ النَّظَرِ: چشم‌پوشی، نادیده گرفتن، کوتاه آمدن از «بَعْضُ النَّظَرِ عَنْ»: به جز، صرف نظر از

جمع: غِضَاضٌ: تازه، نرم؛ «شَبَابٌ غَضٌّ»: جوانی نوشکفته

غَضُّ طَرْفِهِ (أَوْ مِنْ طَرْفِهِ أَوْ بَصَرِهِ أَوْ مِنْ بَصَرِهِ) چشم‌پوشید از، چشم‌پوشی کرد از، اغماض کرد

از، کوتاه آمد از، صرف نظر کرد از

غَضٌ - غَضًا و غَضَاً و غَضَاً و غَضَاً و غَضَاً [غَضٌ] طَرْفُهُ و مِن طَرْفِهِ أَوْ صَوْتُهُ و مِن صَوْتِهِ: نگاه

نکرد و صدایش را برنیاورد.

غَضٌ النَّظَرَ أَوْ الطَّرْفَ عَنْهُ: از او روی گردانید.

غَضٌ بَصَرُهُ: چشم خود را از نامحرم پوشانید.

غَضٌ طَرْفَهُ لِفُلَانٍ: ناپسندی‌های او را تحمل کرد.

غَضٌ الْغُصْنَ: شاخه را شکست ولی از درخت جدا نکرد.

غَضٌ الشَّيْءَ: آن را کم کرد.

غَضٌ مِنْ فُلَانٍ: شخصیت فلانی را کوچک و او را خوار کرد.

غَضٌ غَضَاً و غُضُوضَةً النَّبَاتِ و غَيْرُهُ: گیاه سرسبز و تازه و زیبا شد.

۴ تَرْبُوي اسم منسوب از تربيّة است؛ مانند عيسوی، موسوی، أُخْرُوي

۵ واژه جَبَّار از نام‌های خداست که در قرآن به آن تصریح شده است. حشر، ۲۳، ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

این واژه که از ماده «جبر» گرفته شده، گاه به معنای قهر و غلبه و نفوذ اراده و گاه به معنای جبران و اصلاح است.

مجمع البحرين در بیان معنای لفظ جبار نوشته است:

«جبار یعنی کسی که در پادشاهی و حکومت، مقامش بسیار عظیم باشد. این صفت در مورد

غیر خداوند متعال به کار نمی‌رود، مگر در جایی که قصد مذمت غیر خدا را داشته باشند. مجمع

البحرین ج ۳، ص ۲۳۹ و قيل الجبار العظيم الشأن في الملك والسلطان، ولا يطلق هذا الوصف على

غيره تعالى إلا على وجه الذم.

راغب در مفردات می‌گوید: «اصل جبر، اصلاح کردن چیزی است با غلبه و قدرت. این واژه

هنگامی که در مورد خداوند به کار رود، بیانگر یکی از صفات بزرگ او است که با نفوذ اراده و کمال

قدرت به اصلاح هر فساد می‌پردازد، و هرگاه در مورد غیر او به کار رود معنای مذمت را دارد.

راغب اصفهانی، مفردات في غرائب القرآن، ماده جبر

و به گفته «راغب» به کسی گفته می‌شود که می‌خواهد نقصان و کمبود خود را با ادعای مقاماتی

که شایسته آن نیست «جبران» کند.

این واژه در قرآن مجید در ده مورد به کار رفته که نه مورد آن، درباره افراد ظالم، گردنکش و مفسد است، و تنها یک مورد آن درباره خداوند (آیه مذکور) می‌باشد؛ تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۵۴. لذا این اسم هرگاه در مورد خداوند استعمال شود، هم به معنای «بسیار چیره و غالب» ترجمه منجد الطلاب، ص ۵۷؛ و هم به معنای «بسیار ترمیم‌کننده و جبران‌کننده دل‌های شکسته» است. رضایی، محمد، واژه‌های قرآن، ستون ۶۶.

۶ حِمَار: جمع آن حَمِير و أَحْمِرَة و حَمْر و حُمُور و حُمَرَات: خر، الاغ، تیره‌ای از این حیوان اهلی و تیره‌ای وحشی است که بر تیرهٔ دوم (حِمَار و حَش و حِمَارُ الْوَحْشِ و الْحِمَارُ الْوَحْشِيّ) اطلاق می‌شود.

حِمَارُ الزَّرْدِ: گور خر

۷ خَدَّ: گونه. جمع آن خُدود است.

۸ صَعَرَ خَدَّهُ (تَصَعَّرًا): روی خود را از نگاه به مردم و از روی خودبزرگ‌بینی برگردانید، و گاهی به‌طور طبیعی است.

۹ نَمُوذَجَ عربی شدهٔ نمودَج (نموده، نمونه) است.

۱۰ حَيٍّ: اسم فعل به معنای «بشتاب» و مبنی بر فتح است.

۱۱ فَلَاقٍ: سپیده‌دم، جمعش فُلُقَان است.

شکاف در کوه، زمین هموار میان دو بلندی، بامداد، بیان حقیقت، مخلوقات، دوزخ

فَلَاقٍ جمع آن أَفْلَاقٍ: چوب فلک که پای را به آن بندند و تنبیه کنند.

فَلَاقٍ مِنَ اللَّبَنِ: شیری که تُرَش شده باشد.

۱۲ سَعْرٌ، قِيمَة و ثَمَنٌ تقریباً به یک معنا هستند. جمع آنها أَسْعَارٌ، قِيمٌ و أَثْمَانٌ است.

۱۳ قَنْبَرٌ غلام حضرت علی (ع) و از اصحاب ویژه ایشان است.

او در جنگ صفین پرچم‌دار قسمتی از سپاه امام علی (ع) بود و به دست حجاج بن یوسف ثقفی شهید شد.

قَنْبَرٌ از نظر نَسَب مجهول است و اطلاعاتی دربارهٔ نیاکانش در دست نیست. او مدتی در شهر بیهَق (در نزدیکی سبزوار کنونی) زندگی کرده است.

کنیهٔ وی را ابوشعناء گفته‌اند. ابوشعناء یعنی «دانشمند پیر ژولیده مو».

قبر از اصحاب خاص، غلام و دربان (حاجب) حضرت علی علیه السلام بود. او همچنین دربان امام حسن مجتبی علیه السلام بود. شیخ طوسی، او را در شمار اصحاب امام علی علیه السلام یاد می‌کند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که قبر علاقه بسیاری به حضرت علی علیه السلام داشت. هرگاه که آن حضرت شبانه از منزل خارج می‌شد، قبر بی آنکه امام پی ببرد از او مراقبت می‌کرد. متقابلاً حضرت علی علیه السلام نیز به وی عنایت داشت. روزی حضرت علی علیه السلام دو لباس یکی به سه درهم و دیگری را به دو درهم خرید و لباس گران‌تر را به قبر داد.

سند داستان تهرین دوم در درس اول درباره قبر:

مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۴۲۴؛ مفید، أمالی، ص ۱۱۱
۱۴ خُلِقَ وَ خُلِقَ هِر دو درست‌اند.

از آنجا که در قرآن خُلِقَ آمده است؛ لذا در کتاب درسی نیز این تلفظ آمده است.

۱۵ سَاءٌ: سَوَاءٌ و سَوْءًا و سَوَاءَةً و سَوَائِيَّةً و مَسَاءً و مَسَاءَةً و مَسَائِيَّةً و مَسَائِيَّةً و مَسَائِيَّةً [سوأ] الأمرُ فلاناً: آن امر فلانی را به ستوه آورد و غمگین کرد.
 سَاءٌ بِه ظَنًّا: نسبت به او بدگمان شد.
 سَاءَ الشَّيْءُ: آن چیز بد یا زشت شد؛ «سَاءَتْ سِيرَتُهُ»: بد روش و بداخلاق شد.
 سَاءَ الْمَوْقِفُ: زمینه کار ناهموار شد.

مُلَمَّعٌ حَافِظُ الشِّرَازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
 از خون دل نامه‌ای به دوست نوشتم. من روزگار را از دوری تو [مانند] قیامت دیدم. (مصرع دوم را این گونه نیز معنا کرده‌اند: به سبب جدا شدن تو از من قیامت را در مدت طولانی دیده‌ام).
 إِنِّي رَأَيْتُ (بصري) الْقِيَامَةَ مِنْ هَجْرِكَ دَهْرًا؛ و این دهر مفعول فیه است نه مفعول به.
 دارم من از فراقش در دیده صد علامت
 لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هُذِي لَنَا الْعَلَامَةَ؟
 من از دوری او در چشم صد نشانه دارم. آیا این اشک‌های چشمم نشانه نیست؟!
 در اکثر نسخه‌ها به جای هُذِي، هَذَا آمده است. چنین خطایی از حافظ سر نمی‌زند و هُذِي صفت برای دُمُوع است؛ لذا به صورت مؤنث درست است.

هر چند کازمودم از وی نبود سودم
 مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ
 هر قدر آزمایش کردم از آن سودی نبردم. هر کس آزموده را بیازماید؛ پشیمان می‌شود.
 پرسیدم از طبیبی احوال دوست گفتا
 فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَةُ
 از طبیبی حال دوست را پرسیدم و گفت: در دوری‌اش عذاب و در نزدیکی‌اش سلامت است.
 گفتم ملامت آید گر گردد دوست کردم
 وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَةٍ
 گفتم مایه سرزنش است اگر گرد دوست بگردم. سوگند به خدا عشقی بدون سرزنش ندیده‌ایم.
 حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
 حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكِرَامَةِ
 حافظ مانند خواستار جامی به قیمت جان شیرین آمد، تا از جام کرامت بچشد.
 مُلَمَّعٌ سَعْدِيُّ الشِّرَازِيِّ

سَلِّ الْمَصَانِعَ رُكْبًا تَهِيمٌ فِي الْفَلَوَاتِ
 تُو قَدْرِ آبٍ چِه دانی که در کنار فراتی
 از انبارهای آب درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه و سرگردانند بپرس. تو قدر آب چه می‌دانی
 که در کنار رود فرات هستی؟!
 (مَصَانِعِ آبگیرهایی بودند که مزه گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگان سرگردان در بیابان نعمتی
 بزرگ بود.)

شیم به روی توروزست و دیده‌ام به توروشن
 وَ إِن هَجَرْتَ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ غَدَاتِي
 شبم از دیدار چهره‌ تو مانند روز روشن است و چشمم روشن به دیدارت است، و اگر [مرا] ترک
 کنی، شب و روزم یکسان می‌شود.

اگرچه دیر بماندم امید بر نگرفتم
 مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي
 اگرچه دیر شد، امید از دست ندادم. زمان گذشت (سپری شد) و قلبم می‌گوید حتماً تو می‌آیی.

من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
 اگر گلی به حقیقت عَجِينِ آبِ حَيَاتِي
 من انسانی به زیبایی تو ندیدم، و نشنیدم. اگر تو گل هستی؛ به راستی با آب زندگی خمیر شده‌ای.

شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد
 وَ قَدْ تَفَتَّشُ عَيْنِ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ
 امیدم در شب‌های تاریک به چهره‌ مانند صبح تو است. گاهی چشمه‌ زندگی در تاریکی‌ها
 جست‌وجو می‌شود.

فَكَمْ تَمَرَّرُ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهْدٍ
 جَوَابِ تَلْخِ بَدِيْعِ اسْتِ از آن دهانِ نباتی
 چه بسیار زندگی‌ام را تلخ می‌کنی در حالی که تو حامل عسل هستی! پاسخ تلخ از آن دهان شیرین
 مانند نبات نو و تازه است.

نه پنج‌روزه عمرست عشق روی تو مارا
 وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي
 عمر کوتاه ما برای عشق چهره‌ تو کافی نیست. اگر خاک قبرم (استخوان پوسیده‌ام) را ببویی،
 بوی عشق را می‌یابی.

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
 محامدِ تو چه گویم که ماورای صفاتی
 هر با نمکی را همان‌گونه که دوست داری و خشنود می‌شوی وصف کردم. ستایش تو چگونه بر
 زبان برانم که فراتر از صفت‌ها هستی.

در بسیاری از نسخه‌ها يُحِبُّ وَ يَرْضَى آمده است. (دوست دارد و راضی است)

أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَعِيْثُ وَ أَدْنُو
 که هم کمندِ بلایی و هم کلیدِ نجاتی
 از تو می‌ترسم و به تو امیدوارم و کمک می‌خواهم و نزدیک می‌شوم؛ زیرا هم کمندِ بلا و هم
 کلیدِ رهایی هستی.

ز چشمِ دوست فتادم به کامه دلِ دشمن
 أَحَبَّتِي هَجَرُونِي كَمَا تَشَاءُ عِدَاتِي
 از چشمِ دوست به درون دلِ دشمن افتادم. دوستانم مرا ترک کردند همان‌گونه که دشمنانم می‌خواهند.

فراقنامهٔ سعدی عجب که در تونگیرد
 وَ إِن شَكَّوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْن فِي الْوَكُنَاتِ
 شگفت است که نامهٔ جدایی سعدی در تو اثر نمی‌گذارد؛ حال آنکه اگر به پرندگان گلایه کنم، در لانه‌ها شیون کنند!

بخش درک مطلب

این بخش یک هدف اولیّه دارد؛ همان‌گونه که از نامش پیداست درک معنای عبارت و متن است، اما همچنان هدف مهمّ قرائت مدنظر است. باید دانش‌آموز عبارت‌ها را با صدای بلند بخواند و پاسخ درست و نادرست را مشخص کند. بلافاصله پس از همهٔ درس‌های کتاب عربی یازدهم درک مطلب آمده است. در این درس نیز همین‌گونه است.

پاسخ درک مطلب: غ ص غ غ

«اعلموا»

در بخش «اعلموا» مبحث اسم فاعل و اسم مفعول از ثلاثی مجرد و مزید و اسم مبالغه آموزش داده شده است. در اینجا فقط آشنایی با نحوهٔ ترجمهٔ این مشتقات آمده است. در احادیث و روایات و در زبان و ادبیات فارسی چنین مشتقاتی بسیار به کار رفته است؛ لذا دانش‌آموز باید با معنا و مفهوم آن آشنا شود.

وقتی که دانش‌آموز معنای این مشتقات و نوع آنها را خوب بشناسد، می‌تواند آنها را هم بسازد. هرچند ساختن هدف نیست؛ اما به دست خواهد آمد.

اسم فاعل یکی از اسم‌های مشتق است که اگر از ثلاثی مجرد ساخته شود بر وزن «فاعل» می‌آید؛

مثال:

كَتَبَ = كَاتِبٌ وَ نَصَرَ = نَاصِرٌ

و اگر از فعل ثلاثی مزید ساخته شود، این گونه است:

۱ از فعل مضارع ساخته می‌شود؛ مانند **يَنْتَظِرُ**.

۲ به جای حرف مضارع، میم مضموم (مُ) می‌آید؛ **يَنْتَظِرُ = (مُ)نَتَّظِرُ**

۳ حرف ما قبل آخر آن مکسور می‌شود. **مُنْتَظِرَ**

يَسْتَخِدِمُ = مُسْتَخِدِمٌ يُعَلِّمُ = مُعَلِّمٌ يُشَاهِدُ = مُشَاهِدٌ

اسم مفعول از ثلاثی مجرد بر وزن «مَفْعُول» است؛ مانند: مَعْبُودٌ، مَنصُورٌ، مَحْكُومٌ و مَضْرُوبٌ
اسم مفعول از ثلاثی مزید نیز شبیه اسم فاعلش است؛ ولی یک حرف مانده به آخر فتحه دارد؛
مانند: مُشَاهِدٌ، مُسْتَخِدِمٌ، مَعْمَرٌ

اسم مبالغه: همان‌گونه که از نامش پیداست، بر کسی دلالت دارد که ویژگی و صفتی بیش از حد در او وجود داشته باشد، یا آنکه بیش از حد به کاری بپردازد؛ مانند: عَلَامٌ (بسیار دانشمند) و حَمَالٌ (بسیار بار کشنده)

اسم مبالغه از افعال ثلاثی مجرد ساخته می‌شود، و ضابطه خاصی برای وزن آن نیست؛ یعنی قیاسی نیست، بلکه وزن آن سماعی است؛ مثال: كَذِبٌ: كَذُوبٌ و قَامٌ: قَيْتُومٌ

تمرین‌ها

تمرینات این درس نیز مانند درس اول کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز با حل تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند. سعی شده است حتی‌الامکان در تمرینات کلمه جدیدی به کار نرود.

تمرینات باید در کلاس به صورت گروهی حل شود تا دانش‌آموز کار گروهی را یاد بگیرد. آنگاه دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را می‌خوانند و دبیر رفع اشکال می‌کند.
در همه کتاب، حداکثر شش تمرین طراحی شده است.

تمرین اول: هدف، تقویت مهارت درک و فهم و کاربرد واژگان است.

تمرین دوم: هدف، همانند تمرین اول تقویت مهارت درک و فهم و کاربرد واژگان است؛ اما شیوه اجرا متنوع شده است.

تمرین سوم: این تمرین، تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد است، و در خلال آن

آموخته‌های پیشین نیز تکرار شده است. عبارت‌ها از قرآن و حدیث برگزیده شده؛ زیرا هدف اصلی آموزش عربی نیز همین است.

تمرین چهارم: هدف تقویت کاربرد واژگان است. متضاد و مترادف در هر زبانی از تمرینات اصلی است.

تمرین پنجم: هدف، مجدداً مانند تمرین سوم تثبیت آموخته‌های بخش قواعد درس است.

البحث العلمی (پژوهش)

در انتهای هر درس این بخش نهاده شده است و دبیر علاقه‌مند می‌تواند در صورت داشتن زمان کافی، دانش‌آموزان را تشویق به انجام پژوهش کند. بدیهی است که در دروسی مانند عربی و انگلیسی نظر به اینکه زبان این درس‌ها فارسی نیست آزادی عمل وجود ندارد.

ارزشیابی

دبیر برگه‌ای در اختیار دارد و هر بار که دانش‌آموزی جمله‌ای را می‌خواند علامت می‌زند تا همه بخوانند و عدالت آموزشی در حلّ تمرین‌ها رعایت شود. هرچند گاهی دبیر برای تسهیل آموزش از برخی دانش‌آموزان مستعد استفاده می‌کند؛ اما باید توجه داشت که افراط در این کار، موجب ناراحتی سایر دانش‌آموزان و ایجاد حسّ ناخوشایند نسبت به دانش‌آموز فعال می‌شود.

وسایل کمک آموزشی

کتاب گویا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف، پاورپوینت، ماهنگ آموزشی، اسلاید، اعلان (پوستر)، فلش کارت

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ معانی و کاربردهای مختلف «أَلَفَّ»:

أَلَفَّ الشَّيْءَ : بخش‌های چیزی را به هم پیوند داد.

أَلَفَّ الألفَ : شمارهٔ چیزی را به یک هزار رسانید.

أَلَفَ الْكِتَابَ : کتاب را گردآوری و تألیف کرد.

أَلَفَ الْحُكُومَةَ : دولت را تشکیل داد.

أَلَفَ بَيْنَهُمْ : میانشان دوستی برقرار ساخت.

۲ تَارَةً یعنی یک بار و کاربردهای گوناگون دارد:

جمع آن تارات: زمان و یک بار

«فَعَلْتُ تَارَةً هَذَا وَ تَارَةً (أَوْ طَوْرًا) ذَاكَ»: گاهی این کار و گاهی آن کار را انجام دادم.

«تَارَةً بَعْدَ تَارَةٍ»: گهگاه، گاه و بیگاه.

۳ حِصَّةٌ در کتاب درسی به معنای زنگ مدرسه به کار رفته است. الحصة الثانية؛ یعنی زنگ دوم.

معانی مختلف حصه عبارت است از:

سهمی، سهم، بهره، قسمت، نصیب، بورسیه.

حِصَّةٌ (منحة) دَرِاسِيَّةٌ: بورس تحصیلی؛ حِصَّةٌ فِي الرِّبْحِ: سود سهم برای دارنده آن

۴ مصدر خِجَالَتْ در زبان فارسی کاربرد دارد. در عربی خَجَلَ گفته می‌شود.

۵ معانی کادَ: نزدیک شد (بود)، در شُرْفٍ ... واقع شد، در مرز ... قرار گرفت، در آستانه

... قرار گرفت، نزدیک بود که / ما کادَ ... حَتَّى يَأْتِيَكَ ... حَتَّى: هنوز ... (فعل منفی) که ...

به محض اینکه... چیزی نگذشته بود که ... به مجرد اینکه

۶ ریشه‌یابی یک نام کهن پارسی:

میثم برخلاف پنداشت بسیاری، نامی پارسی و از ریشه‌ی واژه‌ی اوستایی مَئِثَن به معنای «ماندن» است.

میهن، میهمان، ماندن، خُمین (خو میهن)، خُرْمِیثَن (زادگاه پورسینا) و میثم واژگان هم‌خانواده‌اند.

میثم ایرانی بود. بیشتر افراد گمان می‌کنند میثم عرب بود و نامش عربی است؛ ولی این‌گونه نیست.

میثم ایرانی و نامش فارسی است. شاید از مردمان اسپهان (اصفهان) بوده است. میثم یعنی آنکه

می‌ماند. هرچند در زبان پارسی کنونی صدای (ث) یافت نمی‌شود؛ ولی در گذشته این صدا خوانش

می‌شده است؛ مانند کیومرث (زنده‌میرا) و تهمورث (دارنده‌سگ نر نیرومند).

میثم تَمَار غلام زنی از قبیله‌ی بنی‌اسد بود، امیر المؤمنین علی علیه السلام او را از آن زن خرید و

آزادش کرد و به وی فرمود: نامت چیست؟ گفت: سالم. حضرت فرمود: فرستاده‌ی خدا صلوات الله علیه به من

خبر داده است: نامی که پدرت در عجم تو را به آن نامیده، میثم است. میثم عرض کرد: خدا و

پیغمبرش ﷺ درست گفته‌اند، حضرت فرمود: برگرد به همان نامت که رسول خدا ﷺ تو را به آن نامیده و سالم را رها کن. پس به همان اسم میثم برگشت و کنیه‌اش را ابی سالم گذاشت تا اینکه نقل شده است؛ در آن سالی که کشته شد، حج به جا آورد بر ام سلمه وارد شد و ام سلمه به او فرمود: به خدا سوگند، بسیار از رسول خدا ﷺ شنیدم که در دل شب درباره تو به علی بن ابی طالب سفارش می‌کرد.

[إثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۰۹]. برگرفته از دانشنامه نام‌ها و واژه‌ها. انتشارات مدرسه.

۷ دَابَّةٌ: جمع آن دَوَابٌّ است. دَابَّةٌ در مذکر و مؤنث یکسان به کار می‌رود و تاء برای وحدت و به معنای هر حیوانی است که بر روی زمین راه رود و بیشتر به چارپایان سواری و باری گفته می‌شود.

۸ إِنْاء جمع آن آنیة و جمع الجمع آن أوانی است؛ به معنای ظرف، تُنگ آب، جام

۹ إِيًّا: ضمیر منفصل منصوب است که همه ضمایر نصب به آن وصل می‌شود تا تشخیص ضمیر شناخته شود؛ مانند «إِيَّانَا ، إِيَّاكُمْ ، إِيَّاهُ ...»؛ «إِيَّاكَ أَنْ» تو را از چیزی نهی می‌کنم؛ «إِيَّاكَ مِنْ» از چیزی برحذر باش.

۱۰ عُمَرُ خَيْام نیشابوری (نام کامل او غیاث‌الدین ابوالفتح عُمَرُ بن ابراهیم خَيْام نیشابوری است.) (زاده ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ در نیشابور درگذشته به تاریخ ۱۲ آذر ۵۱۰ در نیشابور) فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و رباعی‌سرای ایرانی در روزگار سلجوقیان است.

گرچه جایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی اوست، و لقبش «حجة الحق» بوده است، ولی آوازه وی بیشتر به رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. رباعیات خیام را به بیشتر زبان‌های زنده برگردان نموده‌اند، «ادوارد فیتزجرالد» رباعیات او را به زبان انگلیسی برگردانده که مایه ناموری بیشتر وی در مغرب زمین شده است.

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان سروسامان دادن و سرپرستی محاسبات گاه‌شماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره پادشاهی ملک‌شاه سلجوقی بود، دانست؛ محاسبات منسوب به خیام در این زمینه، هنوز معتبر است، و دقتی به مراتب بالاتر از تقویم میلادی دارد.

۱۱ بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی (زاده هشتم اسفند ۹۲۵ خورشیدی در بعلبک، درگذشته هشتم شهریور ۱۰۰۰ خورشیدی در اصفهان) حکیم، فقیه، عارف، ستاره‌شناس، ریاضی‌دان، شاعر، ادیب، تاریخ‌دان و دانشمند نامدار سده دهم و یازدهم هجری که در فلسفه،

منطق، هیئت و ریاضیات، دانش بسیار داشت. حدود ۹۵ کتاب و رساله از او در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی و هنر و فیزیک بر جای مانده است. به پاس خدمات وی به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ که مصادف با سال نجوم بوده است، نام وی را در لیست مفاخر ایران ثبت کرد.

۱۲ بَشَّارِ پسر بُرْدِ پسر یرجوخ تخارستانی (به عربی: بَشَّارُ بْنُ بُرْدِ بْنِ یرجوخ) (۹۵-۱۶۷ یا ۱۶۸ ق.؛ برابر با ۷۱۴ م. - ۷۸۴ م.) شاعر ایرانی تبار دوره‌های امویان و عباسیان بود. وی به زبان عربی شعر می‌سرود و در این کار درخشندگی بسیاری داشت و سرآمدِ هم‌اوردانِ خویش در این زمینه همچون فرزدَق بود.

دشمنانش به ویژه جاحظ پس از مرگ، او را با ویژگی‌هایی چون زشت‌روی و درشت‌خوی و درشت‌اندام و دیوانه یاد کردند. پدر بَشَّار از تخارستان (در افغانستان امروزی) بود که به دست عرب‌ها به بند کشیده شده و به بصره آورده شده بود. بَشَّار در نزدیکی همین شهر زاده شد. وی نابینا از مادر زاده شد. از کودکی به سرودن شعر به زبان عربی پرداخت و پس از چندی به جنبش شعوبیه پیوست. او همچنین با خاندان برمکیان در پیوند بوده و خالد برمکی را ستوده بود. او در بصره بزرگ شد و در زمان خلافت منصور دوانیقی به بغداد رفت و پله‌های پیشرفت را پیمود. بشار باورهای زرتشتی داشت و شیفته ایرانی‌گری و دشمن سرسخت عرب بود. از همین روی به فرمان المهدی خلیفه عباسی به دلیل هجوی که بشار درباره او گفته بود و به گناه زندیقی در برابر دیدگان مردم بصره وی را آن قدر تازیانه زدند که بر اثر آن شکنجه جان سپرد. برخی گزارش کرده‌اند که به فرمان خلیفه وی را در آب خفه کرده‌اند.

۱۳ جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولانا، مولوی و رومی (ششم ربیع‌الاول ۶۰۴، بلخ - پنجم جمادی‌الثانی ۶۷۲ هجری قمری، قونیه در ترکیه) (پانزدهم مهر ۵۸۶ - چهارم دی ۶۵۲ هجری شمسی) از سرشناس‌ترین شاعران ایرانی پارسی‌گوی است. نام کامل وی «محمد ابن محمد ابن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی» بوده و در دوران زندگی القاب «جلال‌الدین»، «خداوندگار» و «مولانا خداوندگار» داشت. در سده‌های بعد (شاید از سده نهم) القاب «مولوی»، «مولانا»، «مولوی رومی» و «ملای رومی» برای وی به کار رفته است و از برخی از اشعارش تخلص او را «خاموش»، «خَمُوش» و «خامُش» دانسته‌اند. زبان مادری وی پارسی بود.

مولوی زادهٔ بلخ خوارزمشاهیان (خراسان در ایران بزرگ، افغانستان کنونی) بود و در زمان نگاشت آثارش (همچون مثنوی) در قونیه در دیار روم می‌زیست. با آنکه آثار مولوی برای عموم جهانیان است، ولی پارسی‌زبانان بهرهٔ خود را از او بیشتر می‌دانند، چرا که حدود شصت تا هفتاد هزار بیت او فارسی است و خطبه‌ها و نامه‌ها و تقریرات (تعالیم او به شاگردانش که آن را ثبت کردند و به فارسی غیر ادبی و روزانه است)؛ و تنها حدود هزار بیت عربی و کمتر از پنجاه بیت به زبان‌های یونانی و ترکی، بیشتر به صورت مَلَمَع در شعر فارسی دارد.

پارسی گو گرچه تازی خوش‌تر است عشق را خود صد زبان دیگر است

۱۴ حسن بن هانی حَکَمی معروف به ابو نُوّاس اهوازی (۱۳۳-۱۹۶ هجری قمری در اهواز، ۷۴۷ یا ۷۶۲-۸۱۳ یا ۸۱۵ میلادی) شاعر ایرانی تبار عرب بود. ابونواس از بزرگان شعر عاشقانهٔ عرب بود. او در شهر اهواز به دنیا آمد. از او به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران کلاسیک عربی نام می‌برند. وی استاد همهٔ شاخه‌های شعر عربی زمان خویش شده بود، اما شهرتش بیشتر به خاطر تصنیف‌های باده‌گساری و ستایش شراب (خَمَرِیَّات) و شعرهایش در مورد شاهدبازی است. وی را شاعر الخمره لقب داده‌اند. دیوان شعرهایش امروزه در دست است و چندین بار در مصر به چاپ رسیده است. وی باورهای شعوبی داشت. بر اساس یک روایت، او به مدت یک سال در میان اعراب بادیه‌نشین زندگی کرد تا شناختش از زبان عربی خالص، کامل شود. ابونواس بارها به دلایل گوناگون در زمان خلفای عباسی به زندان افتاد. از گذشتهٔ زشت و تفکرات نادرست اخلاقی‌اش بعدها دست برداشت. تندیزی از او در بغداد است.

۱۵ ابوالفتح علی بن محمد بُسْتی از شاعران سدهٔ چهارم هجری قمری است. زادگاه او را شهر بُست سیستان می‌دانند. او به زبان عربی تسلط کامل داشت. دو دیوان شعر از او بر جای مانده است. درگذشت وی را به سال ۴۰۱ ق نوشته‌اند.

نویسندهٔ کتاب دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، این شعر را به‌عنوان نمونه‌ای از اندیشه و قلم این شاعر سیستانی در نوشتهٔ خویش آورده است.

یکی نصیحت من گوش دار و فرمان کن که از نصیحت سود آن کند که فرمان کرد
همه به صلح گرای و همه مدارا کن که از مدارا کردن، ستوده گردد مرد

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

اهداف درس: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس «عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ» را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را درست درک کند. (تفکر در آفرینش خدا)
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت، به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ ادوات شرط «إِنْ، مَنْ و ما» را بشناسد.
- ۶ فعل شرط و جواب آن را درست تشخیص دهد.
- ۷ خبر را در جمله اسلوب شرط به صورت جمله اسمیه تشخیص دهد.
- ۸ جمله دارای اسلوب شرط را درست ترجمه کند.
- ۹ فعل و جواب شرط ماضی را در جمله دارای اسلوب شرط درست ترجمه کند.
- ۱۰ با یک متن مکالمه در محیط ورزشی آشنا شود.

فرایند آموزش درس

می‌توان از ماهنگ‌هایی در مورد موضوعات درس در این زمینه پیش از شروع درس استفاده کرد. این کار بستگی به وقت و امکانات مدرسه دارد. در غیر این صورت، می‌توان از خود دانش‌آموزان در مورد شگفتی‌های آفرینش پرسید. متن درس همانند درس باران ماهی در پایه دهم بسیار جذاب است و دانش‌آموزان به چنین متونی علاقه بسیار نشان می‌دهند. موضوع این درس در نظرسنجی‌های به عمل آمده رتبه بالایی را کسب کرده است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
در آفرینش بیندیشید و در آفریدگار نیندیشید.

مَنْ يَتَفَكَّرُ فِي خَلْقِ اللَّهِ، يُشَاهِدُ قُدْرَةَ اللَّهِ.

هرکس در آفرینش خدا بیندیشد، توانمندی خدا را می بیند.

الطَّائِرُ الطَّنَانُ: هُوَ أَصْعَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ، طَوْلُهُ خَمْسَةُ سَنَتِيمَاتٍ، يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَالْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ، وَ إِلَى الْأَمَامِ وَالْخَلْفِ. وَ انْطِلاقُهُ وَ تَوَقُّفُهُ السَّرِيعَانِ يُثِيرَانِ التَّعْجِبَ. سُمِّيَ طَّنَانًا؛ لِأَنَّهُ يُحْدِثُ طَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ، فَإِنْ تُحَاوَلُ رُؤْيَةَ جَنَاحَيْهِ لَا تَقْدِرُ، أَمْ تَدْرِي لِمَاذَا؟ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَيْهِ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.

مرغ مگس (مرغ مگس خوار، مرغ زرین پر): کوچک ترین پرنده روی زمین است، طول آن پنج سانتی متر است، به بالا و پایین و راست و چپ و جلو و پشت پرواز می کند و حرکت و توقف سریع است. تعجب بر می انگیزد (مایه شگفتی می شود). طنان (طنین انداز) نامیده شده است؛ زیرا صدایی به دلیل سرعت حرکت بال هایش پدید می آورد، و اگر سعی کنی بال هایش را ببینی نمی توانی، آیا می دانی چرا؟ زیرا بال هایش را تقریباً هشتاد بار در ثانیه حرکت می دهد.

التَّمْسَاحُ: لَهُ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ، فَبَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ، يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِ، فَيَقْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطُّيُورِ بِاسْمِ الزَّقْزَاقِ، فَيَفْتَحُ التَّمْسَاحُ فَمَّهُ، فَيَدْخُلُ ذَلِكَ الطَّائِرُ فِيهِ، وَ يَبْدَأُ بِنَقْرِ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فِيهِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَنْتَهِيَ مِنْ عَمَلِهِ، يَخْرُجُ بِسَلَامَةٍ.

تمساح: روش عجیبی در تمیز کردن دندان هایش دارد، بعد از اینکه غذايش را می خورد، کنار ساحل استراحت می کند، و گونه ای از پرندگان به نام زقزاق به آن نزدیک می شود. تمساح دهانش را باز می کند و آن پرنده در آن وارد می شود، و شروع می کند به نوک زدن به باقی مانده های غذا از دهانش، و بعد از اینکه کارش تمام شد به سلامت بیرون می آید.

دَوْدَةُ الْأَرْضِ: إِذَا أَصَابَهَا شَيْءٌ قَاطِعٌ، وَ قَسَمَهَا إِلَى نِصْفَيْنِ، أَحَدُهُمَا بِرَأْسِ وَالْآخَرُ بِرَأْسِ ذَيْلٍ، فَإِنَّ هَذَيْنِ النَّصْفَيْنِ يَنْمُوَانِ، لِيَكُونَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَوْدَةً كَامِلَةً.

کرم خاکی: اگر (هرگاه) چیزی تیز به آن برخورد کند و آن را به دو نیمه تقسیم کند، یکی بدون سر و دیگری بدون دم، این دو نیمه رشد می کنند، تا هریک از آنها کرمی کامل شود.

السَّمَكُ الطَّائِرُ: نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يَقْفِزُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَيْلِهِ الْقَوِيِّ وَ يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ، حَيْثُ يَمُدُّ زَعَانِفَهُ الْكَبِيرَةَ الَّتِي تَعْمَلُ كَجَنَاحَيْنِ. يَفْعَلُ ذَلِكَ لِلْفِرَارِ مِنْ أَعْدَائِهِ. يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً، ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ وَ يَدْخُلُ فِيهِ.

ماهی پرنده: گونه ای از ماهیان است که با حرکت دم نیرومندش از آب می جهد (می پرد) و بر

فراز سطح آب پرواز می‌کند، طوری که باله‌های بزرگش را که مانند دو بال‌اند می‌کشد (دراز می‌کند). این کار را برای فرار از دشمنانش انجام می‌دهد. این ماهی چهل و پنج ثانیه پرواز می‌کند، سپس به سمت آب پایین می‌آید و وارد آن می‌شود.

نَقَارُ الْخَشَبِ: طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلَى، وَ هَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تَضُرُّ دِمَاعَهُ الصَّغِيرَ بِسَبَبِ وُجُودِ عَضْوَيْنِ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الضَّرْبَاتِ:
الْأُولَى نَسِيحٌ بَيْنَ الْجُمُجَمَةِ وَالْمِنْقَارِ،
وَ الثَّانِي لِسَانُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدُورُ دَاخِلَ جُمُجَمَتِهِ.

دارکوب: پرنده‌ای است که تنه درخت را با نوکش دست کم ده بار در ثانیه می‌زند، و این سرعت به دلیل وجود دو اندام (دو عضو) برای دفع ضربه‌ها در سرش، به مغز کوچکش آسیب نمی‌زند. اولی بافت میان جمجمه و نوک و دومی زبان پرنده که درون جمجمه‌اش می‌چرخد.
السَّنَجَابُ الطَّائِرُ: لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَفْزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى، وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَ خَمْسِينَ قَدَمًا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ.

سنجاب پرنده: پرده ویژه‌ای مانند چتر دارد که هنگامی که از درختی به درخت دیگر می‌جهد آن را باز می‌کند، و می‌تواند بیشتر از صد و پنجاه پا در یک جهش پرواز کند.
حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ: فِي مُنْتَصَفِ النَّهَارِ وَ عِنْدَمَا تَحْرُقُ الرَّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ، تَصْعُقُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنَبَهَا فِي الرَّمْلِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا. فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ.
مار بیابان: در نیمه روز و هنگامی که شن‌ها پاهای کسانی را که روی آنها حرکت می‌کنند از شدت گرما می‌سوزانند، این مار دُمش را در شن قرار می‌دهد؛ سپس مانند عصا می‌ایستد. و اگر پرنده‌ای روی آن بایستد آن را صید می‌کند.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ

- ۱ بِمَ يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ حِينَ يَفْزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ؟
يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ بِالْمِظَلَّةِ. يَأْتِي بِمِظَلَّةٍ يَأْتِي بِمِظَلَّةٍ يَأْتِي بِمِظَلَّةٍ يَأْتِي بِمِظَلَّةٍ ...
- ۲ أَيُّ طَائِرٍ يُسَاعِدُ التَّمَسَّاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ؟ يُسَاعِدُ الرِّقْرَاقُ التَّمَسَّاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ؛ يَأْتِي بِمِظَلَّةٍ يَأْتِي بِمِظَلَّةٍ يَأْتِي بِمِظَلَّةٍ يَأْتِي بِمِظَلَّةٍ ...

۳ لِماذا سُمِّي الطَّائِرُ الطَّنَانُ بِهَذَا الْإِسْمِ؟ سُمِّي طَّنَانًا؛ لِأَنَّهُ يُحَدِّثُ طَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ؛ يَا هِرْ بِاسْخِ دَرَسْت دِيْغَرِي.

۴ مَتَى تَصِيدُ حَيَّةَ الصَّحْرَاءِ الطَّيْرَ؟ تَضَعُ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا. فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ؛ يَا إِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ؛ يَا هِرْ بِاسْخِ دَرَسْت دِيْغَرِي.

۵ كَمْ ثَانِيَةً يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرُ؟ يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً؛ يَا هِرْ بِاسْخِ دَرَسْت دِيْغَرِي.

۶ مَا هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ؟ الطَّائِرُ الطَّنَانُ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ؛ يَا هِرْ بِاسْخِ دَرَسْت دِيْغَرِي.

اعلموا

در بخش «اعلموا» مبحث اسلوب شرط و ادوات آن مطرح شده است. در اینجا فقط آشنایی با نحوه ترجمه جملات دارای اسلوب شرط آمده است. در احادیث و روایات چنین ساختاری بسیار به کار رفته است؛ لذا دانش آموز باید با معنا و مفهوم آن آشنا شود. آشنایی با اسلوب شرط یکی از راه‌های آشنایی با ساختارهای پربسامد زبان عربی است.

اطلاعاتی برای دبیر، نه برای دانش آموز :

عوامل جزم فعل مضارع :

فعل مضارع مجزوم:

هرگاه یکی از ادوات جزم بر سر فعل مضارع بیاید، آن را مجزوم می‌کند.

ادوات جازمه:

الف) ادواتی که یک فعل را مجزوم می‌کند. حروف لَمْ - لَمَّا - لای نهی، لام امر غایب؛ مثال: يَذْهَبُ: لَمْ يَذْهَبْ؛ یعنی نرفت و لَمَّا يَذْهَبُ؛ یعنی هنوز نرفته است. اگر بر سر فعل ماضی بیاید جازمه نیست و به آن «حینیّه» گویند. لَمَّا ذَهَبَ؛ یعنی هنگامی که رفت؛ لا تَذْهَبْ؛ یعنی نرو؛ لِيَذْهَبْ؛ یعنی باید برود. هرگاه «فَ، وَ، ثُمَّ» بر سر این لام بیاید، ساکن می‌شود؛ مثال: وَلِيَذْهَبْ.

ب) ادواتی که دو فعل را مجزوم می‌کند؛ مانند: اِنْ، بر سر فعل شرط و جواب شرط می‌آیند.

این ادوات عبارت‌اند از: مَنْ، مَا، أَيَّ، مَتَى، أَيْنَمَا، مَهْمَا، أَيَّانَ، أَنَّى، حَيْثَمَا، كَيْفَمَا، إِذْمَا

چند مثال: مَنْ يَكْسُلُ يَخْسِرْ، مَهْمَا تَطَلَّبْنِي تَجِدْنِي، حَيْثَمَا تَجَلَّسَ أَجْلِسْ.

نکته: ادوات شرط مانند *إِنْ* شرط بر سر دو جمله داخل می‌شوند.

هرگاه هر دو، فعل مضارع باشد، مجزوم می‌شوند.

اگر اولی مضارع و دومی ماضی باشد، اولی مجزوم و دومی محلاً مجزوم است.

اگر اولی ماضی و دومی مضارع باشد، اولی محلاً مجزوم و دومی هر دو حالت جزم و رفع

صحیح است.

مثال: *إِذَا تَتَعَلَّمَ تَتَقَدَّمَ*. هرگاه بیاموزی، پیشرفت می‌کنی.

إِنْ تَزُرْنِي فَقَدْ زُرْتُكَ. مَتَى اجْتَهَدْتَ فِي عَمَلِكَ تَتَّظَّرُ. يَا تَتَّظَّرُ.

همه ادوات شرط به جز «*إِنْ*» و «*إِذَا*» اسم شرط‌اند، و این دو حرف شرط‌اند و همه ادوات شرط

غیر از «*أَيَّ*» مبنی‌اند و «*أَيَّ*» اسم مُعَرَّب است.

اعراب در فعل مضارع: رفع، نصب و جزم

اگر خالی از عوامل نصب و جزم باشد، همیشه مرفوع است. نشانه رفع در افعال چهارگانه

(صیغه‌های *يَفْعَلُ*، *تَفْعَلُ*، *أَفْعَلُ* و *نَفْعَلُ*) ضمه است، و در افعال پنج‌گانه نون است؛ مانند: *يَفْعَلَانِ*،

يَفْعَلُونَ، *تَفْعَلَانِ*، *تَفْعَلُونَ*، *تَفْعَلِينَ*).

اگر حروف ناصبه بر سر آن بیاید، در افعال چهارگانه منصوب می‌شود، و نشانه نصب فتحه َ

است؛ مانند: *أَنْ يَفْعَلَ*، و در فعل‌های پنج‌گانه حذف نون است؛ مانند: *أَنْ يَفْعَلَا*.

اگر حروف جازمه بر سر آن بیاید، در افعال چهارگانه مجزوم می‌شود، و نشانه جزم سکون ْ است؛

مانند: *لَمْ يَفْعَلْ*، و در افعال پنج‌گانه حذف نون است؛ مثال: *لَمْ يَفْعَلَا*.

اما اگر فعل مضارع معتل اللام باشد؛ علامت رفع در صیغه‌های چهارگانه ظاهر نمی‌شود و

تقدیری است؛ مانند *يَدْعُو* و *يَرْمِي* و *يَخْشَى*.

در حالت نصب اگر به (واو) و (یاء) ختم شده باشد؛ مانند: *يَدْعُو* و *يَرْمِي* حرف آخر آن فتحه

می‌گیرد؛ مانند: *أَنْ يَدْعُوَ* و *أَنْ يَرْمِيَ*؛ اما اگر به الف ختم شده باشد؛ علامت نصب ظاهر نمی‌شود و

تقدیری است؛ مانند: *أَنْ يَخْشَى*.

در حالت جزم فعل مضارع معتل اللام در صیغه‌های چهارگانه، حرف *عَلَّه* از آخر آن حذف

می‌شود، و حرف ما قبل آخر حرف *عَلَّه* بر همان حرکت پیشین خود باقی می‌ماند؛ مانند: *لَمْ يَدْعُ* و

لَمْ يَرْمِ و *لَمْ يَخْشَ* که در اصل *يَدْعُو*، *يَرْمِي* و *يَخْشَى* بوده است.

اقتران جواب شرط به فاء:

هرگاه جمله بعدی صلاحیت جمله شرط بودن را نداشته باشد؛ لازم است که فاء جواب همراه باشد و این در موارد زیر است:

۱ هرگاه جزء، جمله فعلیه‌ای باشد که فعل آن، ماضی مقرون به حرف «قَدْ» یا حرف تنفیس «سین» یا «سوف» باشد.

۲ هرگاه جزء، جمله اسمیه باشد.

۳ هرگاه جزء، جمله فعلیه‌ای باشد که فعل آن منفی به «لن» یا «ما» باشد.

۴ هرگاه جزء، جمله فعلیه‌ای باشد که فعل آن طلبی یا جامد است.

الجزم بالطلب:

هرگاه جمله مقدم طلبیه باشد؛ مانند: امر یا نهی یا استفهام، یا سایر موارد طلب، و فعل مضارع مسببیه بعد از آن مجرد از فاء سببیه باشد و قصد جزء از آن شود در این صورت فعل مضارع به دلیل جمله طلبیه مقدم مجزوم خواهد بود؛ مانند: قولوا لا إله إلا الله تفلحوا (فعل مضارع مجزوم). چه هنگامی جمله طلبی می‌تواند باعث جزم فعل ما بعد از خود شود؟

۱ اگر بدون فاء باشد.

۲ به عنوان معلول جمله طلبی آورده شده باشد؛ مانند: قولوا لا إله إلا الله تفلحوا.

حوار

مکالمه درس سوم در محیطی ورزشی است. دانش‌آموزان به ورزش علاقه‌مندند. دلیل گزینش این متن نیز همین علاقه‌مندی آنان است. این متن می‌تواند در ایجاد انگیزه و علاقه نسبت به درس زبان عربی تأثیرگذار باشد. آشنایی با چند اصطلاح ورزشی به زبان عربی برای دانش‌آموزان جالب است. در نظرسنجی‌ها همیشه دانش‌آموزان نمره بالایی را به این قسمت داده‌اند.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف، تقویت کاربرد واژگان و درک مطلب است. طرح چنین سؤالی وقت‌گیر و دشوار است. معلم باید سؤالی طرح کند که کلماتش را دانش‌آموز خوانده باشد.

پاسخ‌ها عبارت‌اند از: الْمِظَلَّةُ، نَقَارُ الْخَشَبِ، الْحَيَّةُ و الْجَنَاح

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت ترجمه است.

در خلال ترجمه، نگاهی به آموخته‌های پیشین نیز وجود دارد.

از آنجا که متن درس دربارهٔ شگفتی‌های آفرینش است؛ لذا این تمرین نیز ادامهٔ همان مبحث را در پیش گرفته است. اطلاعات عمومی این بخش از تمرینات می‌تواند در ایجاد علاقه بسیار تأثیرگذار باشد.

در سال گذشته دانش‌آموزان با مبحث لازم و متعددی آشنا شده‌اند. در این تمرین مجدداً به این بحث پرداخته شده است.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

تمرین چهارم: هدف، تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد درس است.

هرچند در بخش «اعلموا» تمریناتی برای مبحث اسلوب شرط تنظیم شده بود، اما در این تمرین به منظور تثبیت آموخته‌ها مجدداً این تمرین طراحی شده است.

ارزشیابی

هرچه در درس قبل دربارهٔ شیوه‌های ارزشیابی نوشته شد، در این درس نیز مصداق دارد. متن درس را می‌توان با استفاده از کتاب گویا و نماب‌های موجود در اینترنت در مورد این پدیدهٔ طبیعی در کلاس درس اجرا کرد.

وسایل کمک آموزشی

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم‌افزار، پرده‌نگار (پاورپوینت)، اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف)، نماب‌های آموزشی (کلیپ)، اعلان (پوستر) و تصویر توصیه می‌شود.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

۱ «ما مِنْ» معادل «هیچ ... نیست» در فارسی است و معنای آن با لای نفی جنس شباهت پیدا می‌کند.

۲ «جَنَاح» علاوه بر معنای «بال» به این معانی نیز هست: سوئیت، پهلو، طرف

۳ «لَا تَفَكَّرُوا» در اصل لَا تَتَفَكَّرُوا بوده و یک حرف «ت» برای سادگی خوانش حذف شده است؛ مانند ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ﴾ و ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾ (لا تَتَفَرَّقُوا)؛

۴ «شمال» یعنی سمت چپ و «شمال» به معنای جهت شمال در فارسی (north) است.

۵ «فَمَم» جمع آن أفواه و أفمام و به معنای دهان است. این کلمه در اصل (فوه) و مثنای آن (فَمَان و فَمَوَان و فَمَيَان) است؛ «فَمَم الْقَارورَة»: دهانه بطری یا سرشیشه بزرگ.

۶ مِظَلَّة جمع آن مِظَال: چتر، چادر بزرگ، سایبان، چتر نجات که آن را مِظَلَّة واقیة و مِظَلَّة هابطة نیز گویند؛ «جُنُود المِظَلَّات»: گروه چتربازان نیروی هوایی.

۷ کلا: [کلو]: اسمی است که لفظ آن مفرد و معنایش مثنی است و با مذکر تأکید می‌شود و همواره چه از نظر لفظ، یا معنا اضافه بر یک کلمه معرفه که دلالت بر دو نفر داشته باشد می‌شود. هرگاه به اسم ظاهر اضافه شود، الف آن به حالت خودش می‌ماند، و اعرابش تقدیری می‌شود؛ مانند: «رَأَيْتُ كِلَا الرَّجُلَيْنِ» و اگر به ضمیری اضافه شود، اعرابش مثنی خواهد بود؛ مانند: «جَاءَ الرَّجُلَانِ كِلَاهُمَا» و «رَأَيْتُ الرَّجُلَيْنِ كِلَيْهِمَا» و اگر ضمیر بر آن اعاده شود، مراعات لفظ در مفرد بودن جایز است مانند: «زَيْدٌ وَ عَمْرٌو كِلَاهُمَا قَائِمٌ» و این افصح است، اما مراعات معنا نیز جایز است؛ مانند: «كِلَاهُمَا قَامَا» و «زَيْدٌ وَ عَمْرٌو كِلَاهُمَا قَائِمَانِ» که کمتر به کار می‌رود و در جمله «كِلَاهُمَا مُحِبٌّ لِصَاحِبِهِ» مراعات لفظ می‌شود؛ زیرا به معنای «كُلُّ مِنْهُمَا» می‌باشد.

۸ أَعْجَبَهُ: إِعْجَابًا : او را به شگفتی واداشت.

أَعْجَبَ الشَّيْءُ فَلَانًا: آن چیز فلانی را به شگفتی درآورد و شادمان کرد.

۹ حُوت جمع آن حِيتَان و أَحْوَات و حَوْتَه است. به معنای نهنگ، ماهی بزرگ

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

اهداف درسی: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست قرائت و ترجمه کند.
- ۲ پیام و هدف متن را درک کند. (هدف درس این است که دانش‌آموز بداند واژه‌دهی و واژه‌ستانی میان زبان‌ها، پدیده‌ای طبیعی است. پیام درس دوری از تعصبات قومی در بهره‌گیری از واژگان ناسره است.)
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به آیات و حکم درس استشهاد کند.
- ۵ اسم معرفه (دو نوع عَلَم و مُعَرَّف بِالْأَل) و اسم نکره را از هم تشخیص دهد.
- ۶ اسم معرفه به ال را در جمله درست ترجمه کند.
- ۷ اسم نکره را در جمله درست ترجمه کند.
- ۸ حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ و حَتَّى» را بشناسد و آنها را به همراه فعل مضارع در جمله درست ترجمه کند.
- ۹ معادل مستقبل منفی (لَنْ يَفْعَلَ) را در عربی بشناسد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

این متن از جذاب‌ترین متون کتاب‌های درسی عربی زبان قرآن است. در نظرسنجی‌ها بالاترین امتیاز را به دست آورد. بسیاری از دانش‌آموزان با ناراحتی می‌پرسند: آیا واژه‌هایی از فارسی نیز در زبان عربی راه یافته‌اند؟

این متن پاسخی به پرسش آنان است. داد و ستد واژگانی، پدیده‌ای کاملاً طبیعی در سراسر جهان است. به ویژه میان مردمان همسایه، طبیعی‌تر است.

معربیات فارسی به کلماتی گفته می‌شود که در زبان و ادبیات عرب استفاده می‌شوند؛ اما ریشه فارسی دارند. هر کلمه‌ای که در زبان عربی، ریشه عربی نداشته باشد، به آن معرب می‌گویند.

تعریب آن است که کلمه‌ای غیرعربی را به شکل عربی درآورند؛ یا آن را به همان شکل اصلی بیان کنند. سیبویه می‌گوید: «التعریب هو أن تتكلم العرب بالكلمة الأعجمية مطلقاً، فهم تارةً يلحقونها بأبنية كلامهم، وطوراً لا يلحقونها بها». در زبان عربی کلمات بسیاری وجود دارند که دخیل از فارسی و یا از زبان‌های ایرانی می‌باشند؛ مانند: هندسه از اندازه، جاموس از گاومیش، و بنفَسَج از بنفشه. در ریشه‌شناسی واژگان (اتیمولوژی) (etymology) و در زبان‌شناسی (linguistics) به ریشه‌یابی واژگان در گذر تاریخ می‌پردازند، و دگرگونی‌های واژگان را در انتقال شفاهی و کتبی از یک زبان به زبان دیگر بررسی می‌کنند. تأثیر زبان‌ها متقابل است. زبان فارسی و عربی بر هم تأثیر گذاشته‌اند؛ زیرا اعراب در چهار سده نخست هجری در ایران حضور داشتند، و تا انقلاب مشروطه، متون مهم به زبان عربی، یا فارسی آمیخته به عربی نوشته می‌شد و از سوی دیگر، ایرانیان در پیدایش و ساختار زبان عربی نقش ارزنده‌ای داشتند. در زبان عربی واژگان بسیاری وجود دارد که به آنها «معربیات» می‌گویند. ریشه بسیاری از معربیات هنوز ناشناخته است.

در کتاب‌های لغت صدها واژه عربی که از زبان فارسی به عربی راه یافته‌اند، آمده است، و جوالیقی، ادی شیر و لویس معلوف به بسیاری از آنها اشاره کرده‌اند. دکتر هادی العلوی در کتاب «خلاصات في السياسة والفكر السياسي في الإسلام» صفحه ۱۶۸ می‌نویسد: «نویسندگان متقدم در دنیای عرب بیشتر از اصل فارسی بودند.» در صفحه ۱۶۹ می‌گوید: «عرب‌ها، تشکیلات، ساماندهی، اداره، مالیات، کشاورزی و بسیاری از قواعد دیگر را از ساسانیان فراگرفتند.»

در کتاب (فقه اللغة و سر العربیة) الثعالبی النیشابوری صفحات ۲۲ و ۲۳ می‌نویسد: «سیبویه» داناترین مردم در نحو بود و بعد «السیرافی» بزرگ‌ترین دانشمندان ادبیات عرب و «ابن خالویه» از همدان، که خدمات شایانی به زبان عربی کردند.

ایرانیان بسیاری به زبان و ادبیات عربی خدمت کرده و بر آن اثر نهاده‌اند: الثعالبی نویسنده کتاب (فقه اللغة و سر العربیة). عبدالله بن المقفّع (روزبه بن دادویه) زاده جور (گور) ایران، مترجم کلیله و دمنه از پهلوی به عربی، و نویسنده الأدب الكبير والأدب الصغير. ابن سینا نویسنده (القانون فی الطب). ابوبکر رازی نویسنده (تاریخ الطب) و (الأدویة المفردة)، ابوریحان بیرونی نویسنده الآثار الباقیة عن القرون الخالیة و ده‌ها کتاب دیگر، عبدالقادر جرجانی بنیانگذار علم بلاغت و نویسنده کتاب (دلائل الإعجاز و أسرار البلاغة)، شیخ المفسرین طبری، بخاری،

امام مسلم، نویسنده کتاب صحیح مسلم، ابوحنیفة النعمان، بشار بن بُرد و ... فارسی به روش‌های مختلفی بر عربی اثر نهاده و بسیاری از واژگان عربی را با خود به دیگر زبان‌ها از جمله به آسیای مرکزی و شبه قاره هند برده است. در ادبیات فارسی گاهی با استفاده از مصدرها و قالب‌های عربی واژه‌هایی ساخته‌اند که بعدها بسیاری به ادبیات عرب وارد شده‌اند؛ مانند سوء تفاهم و صادرات و واردات. کتاب‌های بسیاری دربارهٔ معرّبات فارسی نوشته شده‌اند.

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس چهارم

الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسیَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِیَّةَ مِنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِیِّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِیَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسیَّةٌ کَثِیرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِیرَانِیِّیْنَ فِی الْعِرَاقِ وَالْیَمَنِ.

واژگان فارسی از دورهٔ جاهلی وارد زبان عربی شدند، کلمات فارسی بسیاری به دلیل بازرگانی و ورود ایرانیان به عراق و یمن به زبان عربی منتقل شد.

وَكَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالْمِسْكِ وَالذَّبِيحِ.

و این واژگان در ارتباط با کالاهایی بود که نزد عرب نبود؛ مانند مشک و ابریشم.

وَاشْتَدَّ النُّقْلُ مِنَ الْفَارِسیَّةِ إِلَى الْعَرَبِیَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إیرَانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الْإِسْلَامِیَّةِ.

و انتقال از فارسی به عربی پس از پیوستن ایران به دولت اسلامی شدت گرفت.

وَفِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ أزدَادَ نَفوُذُ اللُّغَةِ الْفَارِسیَّةِ حِينَ شَارَكَ الْإِیرَانِیُّونَ فِی قِیَامِ الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِیَّةِ عَلَی یدِ أَمثَالِ أَبِي مُسْلِمِ الْخُرَاسَانِيِّ وَأَلِ بَرْمَكٍ.

و در عصر عباسی هنگامی که ایرانیان در برپایی دولت عباسی به دست امثال ابومسلم خراسانی

و خاندان برمک شرکت کردند نفوذ زبان فارسی افزایش یافت.

وَكَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِیمٌ فِی هَذَا التَّأثیرِ، فَقَدْ نُقِلَ عَدَدًا مِنَ الْکُتُبِ الْفَارِسیَّةِ إِلَى الْعَرَبِیَّةِ، مِثْلُ کَلِیْلَةِ وَدِمْنَةِ.

و ابن مقفع نقش بزرگی در این اثرگذاری داشت، [او] تعدادی از کتاب‌های فارسی مانند

کلیله و دمنه را به عربی برگرداند.

وَ لِلفِیروزآبَادِيِّ مُعْجَمٌ مَشهُورٌ بِاسْمِ الْقَامُوسِ یَضُمُّ مُفْرَدَاتٍ کَثِیرَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِیَّةِ.

و فیروزآبادی فرهنگ لغت مشهوری به نام القاموس دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی در بر دارد.

وَقَدْ بَيَّنَّ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسِيَّةِ أَبْعَادَ هَذَا التَّأثيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ.

و دانشمندان زبان عربی و فارسی جنبه‌های این اثرگذاری را در مطالعاتشان آشکار ساخته‌اند. فَقَدْ أَلَفَ الدُّكْتُورُ التُّونَجِيُّ كِتَابًا يَضُمُّ الكَلِمَاتِ الفَارِسِيَّةَ الْمُعْرَبَةَ سَمَاهُ «مُعْجَمَ الْمُعْرَبَاتِ الفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ».

دکتر تونجی کتابی را تألیف کرد که کلمات فارسی عربی شده را در بر می‌گرفت [و] آن را «فرهنگ معرّبات فارسی در زبان عربی» نامید.

أَمَّا الكَلِمَاتُ الفَارِسِيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصْوَاتُهَا وَ أَوْزَانُهَا، وَنَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَقًّا لِأَلْسِنَتِهِمْ.

اما صدا و وزن آن واژه‌های فارسی که وارد زبان عربی شد دگرگون شد و عرب‌ها آن را مطابق زبان خودشان تلفظ کردند.

فَقَدْ بَدَّلُوا الحُرُوفَ الفَارِسِيَّةَ «گ، چ، پ» الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا؛ مِثْلُ:

پَرْدِيس ← فَرْدُوس، مِهْرگان ← مِهْرَجَان، چَادْرَشَب ← شَرَشَف و ...
حروف فارسی «گ، چ، پ» را که در زبان‌شان نبود به حروفی نزدیک به مخارج‌هایشان تبدیل کردند؛ مثال:

پَرْدِيس ← فَرْدُوس، مِهْرگان ← مِهْرَجَان، چَادْرَشَب ← شَرَشَف و ...
وَاشْتَقُّوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى؛ مِثْلُ «يَكْنِزُونَ» فِي آيَةِ ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...﴾ مِنْ كَلِمَةِ «كَنْج» الفَارِسِيَّةِ.

و واژگان دیگری از آن برگرفتند؛ مانند «يَكْنِزُونَ» در آیه ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...﴾ از کلمه فارسی گنج.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأَسْلُوبِ وَالْبَيَانِ.

باید بدانیم که تبادل واژگان میان زبان‌های جهان امری طبیعی است که آنها را در شیوه و گفتار

غنی می‌سازد.

وَلَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛ كَانَ تَأْتِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْتِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ.

و نمی‌توانیم که زبانی بدون کلمات دخیل پیدا کنیم. تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی پیش از اسلام بیشتر از تأثیر آن پس از اسلام بوده است.

وَأَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ فَقَدْ زِدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

اما پس از پیدایش اسلام واژگان عربی در زبان فارسی به دلیل عامل دینی بیشتر شد.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

۱ لِماذا زِدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ؟

فَقَدْ زِدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

۲ بَعْدَ أَيِّ حَادِثٍ تَارِيخِيٍّ اشْتَدَّ نَقْلُ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ؟

اشْتَدَّ النَّقْلُ مِنَ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيرَانَ إِلَى الدَّوْلَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ.

۳ مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

الدُّكْتُورُ التَّوْنُجِيُّ

۴ مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مُنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ.

۵ بِأَيِّ سَبَبٍ نَقَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ؟

بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ.

۶ أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟

إِنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَالْبَيَانِ

اعلموا

بخش اول قواعد درس درباره اسم معرفه و نکره است. مهم‌ترین معرفه از شش نوع معارف معرفه به ال است که بسیار پرکاربرد می‌باشد. در این کتاب فقط دو نوع معرفه تدریس شده است. دانش‌آموزان علاقه‌مند در دانشگاه و حوزه این بحث را کامل خواهند کرد. قرار نیست هرچه در

زمینه صرف و نحو و دانش‌های زبانی وجود دارد، دانش‌آموز در طول دبیرستان بیاموزد.

اسم معرفه و نکره در دستور زبان فارسی:

اسم معرفه:

اسم معرفه یا شناخته شده اسمی است که نزد مخاطب معین و معلوم است.

اسم معرفه انواعی دارد:

۱ اسم خاص مانند: کورش، داریوش، پروین، شهرزاد

۲ معرفه به اشاره، یعنی اسمی که به وسیله صفت‌های اشاره این، آن، همین و همان وصف

شده باشد؛ مثال: آن کتاب، این کتاب، همان خانه، همین خانه.

۳ عهد ذکری: اسمی که قبلاً در کلام آمده باشد؛ مثال: کیفی را پیدا کردم. کیف را به صاحبش

رساندم. یعنی کیف مذکور را رساندم.

۴ عهد ذهنی: اسمی که در ذهن مخاطب مشخص است؛ مانند پیغمبر فرمود: (یعنی پیامبر

اسلام)، خانه را خریدم. (یعنی خانه‌ای را که تو اطلاع داری).

۵ ضمیر جزء معرفه‌هاست؛ مانند من، تو، او ...

۶ اسم مضاف به معرفه یا دارای متمم معرفه؛ مثال: شهر ما، درس دیروز، دوستی با کاوه، اقامت

در شیراز.

۷ معرفه جنسی؛ یعنی اسمی که بر جنس یا نوع دلالت کند؛ مانند انسان و حیوان، یعنی نوع

انسان و نوع حیوان.

گاهی اسم معرفه نشانه لفظی دارد؛ مانند «را»، «این»، «آن»، «همین» و «همان» گاهی نیز

ندارد، مگر اینکه خالی بودن اسم را از نشانه‌های نکره، از دلایل معرفه بودن آن به شمار آوریم.

اسم نکره:

اسم نکره یا ناشناخته اسمی است که در نزد مخاطب مبهم و نامشخص است؛ مانند کتابی،

شهرهایی.

از نشانه‌های نکره می‌توان به «ی» و «یک» و صفات مبهمی از قبیل چند، فلان، هر، چنین و

چنان اشاره کرد؛ مثال: چه مردی، هیچ زنی، فلان کوچه، یک روزی، هر شبی و ...

نکته: گاهی «ی» نشانه نکره نیست؛ مانند «مردی» در جمله «مردی را که دیروز دیدم پدرش بود».

این جمله را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد: «آن مردی را که دیروز دیدم پدرش بود.»
بهتر است که این «ی» را موصول به شمار آوریم نه نشانه نکره.
هدف بخش دوم قواعد درس چهارم، آشنایی با ترجمه فعل‌های دارای حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ و حَتَّى» است.

دانش‌آموز باید معنای فعل‌هایی مانند «لَنْ أَكْذِبَ» را در جمله بداند.
لَنْ أَكْذِبَ را مستقبل منفی (دروغ نخواهم گفت) معنا کند.
«أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ» را «می‌خواهم بروم» معنا کند و بداند که معادل مضارع التزامی در فارسی است؛
أَمَّا منصوب کردن از اهداف نیست.

دبیر می‌تواند از دانش‌آموز بخواهد تغییرات فعل‌های مضارع دارای این حروف را شرح دهد و خودش
نیز اشاراتی داشته باشد؛ اما اشاره او به این معنا نیست که در امتحانات از این موضوع سؤال طرح کند.
ساخت فعل مضارع منصوب، از اهداف کتاب نیست.

برای نمونه، این سؤال‌ها اشکال دارد:

۱ بر سر فعل‌های مضارع زیر حرف لَنْ اضافه کنید و آنها را بازنویسی کنید.

یسمع، تسمعون و یسمعن

۲ اعراب اصلی و فرعی را در فعل‌های داده شده تعیین کنید:

یسمع، لکی یسمع، لن یسمعوا

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی
به صورت‌های گوناگونی طراحی شده است. در اینجا دانش‌آموز عبارت‌ها را می‌خواند و ترجمه
می‌کند و درستی و نادرستی هر عبارت را بر اساس حقیقت و واقعیت معلوم می‌کند. این کار
می‌تواند بخشی از نمره شفاهی او را تشکیل دهد.

پاسخ پرسش‌های تمرین اول: ص ص غ ص غ

تمرین دوم: هدف این تمرین، پیوند دادن ادبیات فارسی و عربی است. متأسفانه هر اندازه این
تمرین زیباست، در سؤالات کنکور طرح سؤال به گونه‌ای است که حتی افراد صاحب نظر نیز دچار

اختلاف می‌شوند، تا چه برسد به دانش‌آموز؛ اما نمی‌توان از طرح این تمرین به این دلیل گریخت. از طرفی لازم است دانش‌آموزان با این سبک سؤال آشنا شوند.

تمرین سوم: هدف اصلی، تقویت مهارت ترجمه است. هدف دوم، تثبیت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز است. آنچه را دانش‌آموز در سال‌های گذشته آموخته است باید آنقدر ببیند تا به تدریج ملکه ذهنش شود. کلمات پرسشی پرکاربردند. این تمرین در تقویت مهارت سخن گفتن نیز مؤثر است.

تمرین چهارم: هدف، تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد معرفه و نکره است. هدف پنهان این تمرین، معرفی دیدنی‌های ایران و آشنایی با شهرهای کشور است. همه آثار تاریخی به کار رفته در تمرین معروف‌اند، جز «تکیه کُردکُلا» که از آثار تاریخی روزگار قاجاریان است. روستای کردکلا از توابع شهرستان جویبار در مازندران است.

گفته‌اند: در آغاز دوره قاجار، شاهان برای کنترل و اداره کشور که در آن زمان ارتش منظمی در کشور وجود نداشت از قبایل مختلف بهره می‌بردند.

در آن زمان، مسئولیت حفظ منطقه شمال ساری (جویبار، بابلسر) برعهده گروهی از کردهای طایفه مُدانلو نهاده شد که در منطقه «ساجبلاغ مگری» (مهاباد امروزی) زندگی می‌کردند. مُدانلوه‌ها به فرماندهی «قلیچ‌خان کرد» (یا محمدحسن خان کرد، پدر قلیچ‌خان کرد)، مسئولیت پاسداری این منطقه را برعهده گرفتند. قلیچ‌خان بنا بر وصیت خودش در صحن رضوی در مشهد دفن شد.

تکیه کردکلا از آثار ملی دوره قاجاری است. این بنای بسیار زیبا امروزه در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تمرین پنجم: هدف، تقویت مهارت شناخت افعال ثلاثی مزید است. این مطلب در کتاب پایه دهم آموزش داده شده است و در اینجا مجدداً برای تثبیت و تعمیق آموخته‌ها تکرار شده است. این مبحث بسیار مهم است. مهم‌ترین مبحث هر زبانی «فعل» است.

تمرین ششم: هدف این تمرین، تکرار آموخته‌های سال‌های گذشته است. تکرار آموخته‌های پیشین از اهداف تمرینات کتاب درسی است.

حفظ آیات و احادیث به عنوان شاهد مثال، کار پسندیده‌ای است؛ اما اجرای نادرست می‌تواند نتیجه‌ای ویرانگر به بار آورد. این کار ارزشمند را می‌توان به صورت داوطلبانه در کلاس انجام داد، به طوری که افرادی که داوطلب نشده‌اند از نظر نمره متضرر نشوند.

البحث العلمي

پژوهش دربارهٔ معرّبات، مبحثی جالب و با ارزش است. دانش‌آموزان می‌توانند نتیجهٔ پژوهش خود را در کلاس مطرح کنند.

ارزشیابی

در مورد ارزشیابی از این درس هرچه در دروس قبلی نوشته شد را در این درس نیز می‌توان اجرا کرد. بهترین کار، تمرین شفاهی است.

وسایل کمک آموزشی

هرچه در دروس پیشین دربارهٔ وسایل کمک آموزشی گفته شد در اینجا نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «اِزْدَادَ» از باب افتعال است. اِزْتَيْدَ = اِزْتَادَ = اِزْدَادَ
 - ۲ ریشهٔ واژهٔ «مِسْكَ» واژهٔ فارسی «مِشْک» یا با خوانش امروزی «مُشْک» است. رنگِ مِشْکی اشاره به همین کلمهٔ مِشْک است.
 - ۳ «مِشْکَاةٌ» به معنای چراغدان احتمالاً ریشهٔ غیر عربی دارد. مِشْکَاةٌ: چراغ، جایی که در آن یا بر آن چراغ نصب کنند، هر دریچه، یا پنجرهٔ بسته.
 - ۴ حَرَجٌ: مصدر است، جای تنگ و پر درخت؛ تابوت که مرده را بر آن حمل کنند، حُرْمَت، گناه؛ «لا حَرَجَ عَلَیْكَ»: بر تو گناهی نیست.
- «حَدَّثُ عَنِ الْبَحْرِ وَ لَا حَرَجَ»: از دریا هر قدر که بخواهی سخن بگو و بر تو حرج و اعتراض نیست.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف درس: دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را درک کند.
- ۳ معنای واژگان جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ جمله بعد از اسم نکره را درست معنا کند.
- ۶ ترکیب «ماضی + مضارع = ماضی استمراری» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
- ۷ ترکیب «مضارع + مضارع = مضارع التزامی» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
- ۸ ترکیب «ماضی + ماضی = ماضی بعید، یا ماضی ساده» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
- ۹ در مخابرات یک سیم‌کارت یا در موقعیت‌های مشابه خریدی انجام دهد.

فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ ارزش راست‌گویی و نکوهش دروغ‌گویی است. دانش‌آموزان از داستان لذت می‌برند. در متن درس، داستانی جالب گنجانده شده تا پیام درس به درستی منتقل شود.

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس پنجم

يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَالْعُيُوبِ، فَتَدَمَّ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَحَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا، فَمَا اسْتَطَاعَ.

حکایت می‌شود که مردی بسیار گناهکار و پر از عیب بود. از کارهای بدش پشیمان شد و تلاش کرد آنها را اصلاح کند، ولی نتوانست.

فَذَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ، وَ طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمُنُّعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي، فَنَصَحَهُ بِالتَّزَامِ الصَّدْقِ، وَأَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ.

پس به سوی مردی دانشمند و درستکار رفت و از او اندرزی خواست که وی را از ارتکاب گناهان

باز دارد. او را به پایبندی به راست‌گویی پند داد و قولی (پیمانی) برای این موضوع از او گرفت.
فَكَلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ ذَنْبًا، امْتَنَعَ عَنْهُ لَوْفَانِهِ بِالْعَهْدِ، حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ،
وَبِمُرُورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عُيُوبِهِ لِالْتِزَامِهِ بِالصُّدْقِ.

و هرگاه آن مرد خواست که گناهی مرتکب شود، به خاطر وفای به عهد از آن خودداری کرد، تا به مرد دانشمند دروغ نگوید و با گذشت روزها به خاطر پایبندی‌اش به راست‌گویی از شر گناهان و عیب‌هایش رها شد.

وَ يُحَكِّي أَنَّ شَابًا كَانَ كَذَابًا، وَ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ وَ نَادَى أَصْحَابَهُ:
الْنَّجْدَةَ، النَّجْدَةَ ...

و حکایت می‌شود که جوانی بسیار دروغ‌گو بود، و در یکی از روزها داشت در دریا شنا می‌کرد و تظاهر به غرق شدن کرد و دوستانش را صدا زد: کمک، کمک ...

توضیح: كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ. در فارسی دو معنا دارد: «داشت در دریا شنا می‌کرد» و «در دریا شنا می‌کرد»؛ یعنی هم به صورت ماضی استمراری درست است و هم ماضی ملموس، یا در جریان.
فَأَسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ، وَ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَيْهِ ضَحِكَ عَلَيْهِمْ.

پس دوستانش برای اینکه او را نجات دهند به سوییشتافتند، و هنگامی که نزد او رسیدند، به آنها خندید.

كَرَّرَ هَذَا الْعَمَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَ كَادَ الشَّابُّ يَغْرُقُ، فَأَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ، وَ لَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ.

این کار را سه بار تکرار کرد، و بار چهارم موج بالا رفت و نزدیک بود آن جوان غرق شود، پس شروع کرد به صدا زدن دوستانش، ولی آنها گمان کردند که او دوباره (از نو) دروغ می‌گوید.

فَلَمْ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّى أَسْرَعَ إِلَيْهِ أَحَدُ النَّاسِ وَ أَنْقَذَهُ، فَقَالَ الشَّابُّ لِأَصْدِقَائِهِ:

پس به او توجه نکردند، تا اینکه یکی از مردم به سوی او شتافت و وی را نجات داد، آن جوان به دوستانش گفت:

«شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكَذَّبِي كَادَ يَقْتُلُنِي، فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا، وَمَا عَادَ هَذَا الشَّابُّ إِلَى الْكُذْبِ مَرَّةً أُخْرَى.

نتیجه کارم را دیدم، دروغ گفتنم نزدیک بود مرا بکشد، پس از امروز هرگز دروغ نخواهم گفت؛ و این جوان بار دیگر به دروغ گفتن بازنگشت.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ التَّوْبَةِ: ۱۱۹

خدای بلندمرتبه فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و همراه با راست‌گویان باشید.

الصَّادِقُ مَعَ اللَّهِ يَتَجَلَّى بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ؛ وَالصَّادِقُ مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا نَكْذِبَ عَلَى الْأَخْرَيْنَ.
راست‌گویی با خدا در اخلاص اعمال برای او تجلّی می‌یابد؛ و راست‌گویی با مردم این است که به دیگران دروغ نگوئیم.

وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ، وَ أَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ».
و پیامبر ﷺ فرموده است: خیانت بزرگی است که به برادرت سخنی بگویی، او سخنت را باور کند، در حالی که تو به او دروغ می‌گویی (او سخنت را باور کرده، در حالی که تو به او دروغ گفته‌ای).
وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَاتٍ لِسَانِهِ وَصَفْحَاتِ وَجْهِهِ».
و امام علی ﷺ فرموده است: کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر اینکه در لغزش‌های زبان و همه جای چهره‌اش آشکار شود.

إِذَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْكَذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كَذِبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ.

بنا بر این، [شخص بسیار] دروغ‌گو نمی‌تواند دروغش را پنهان نماید یا انکار کند.
مَا أَجْمَلَ كَلَامَ النَّبِيِّ ﷺ! «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ».
سخن پیامبر ﷺ چه زیباست! «به بسیاری نماز و روزه و بسیاری حج و کار نیک و بانگ شبانه آنها نگاه نکنید؛ بلکه به راست‌گویی و امانت‌داری نگاه کنید».

پاسخ درک مطلب: ص غ ص غ ص

اعلموا

هدف بخش دوم قواعد درس، آشنایی با ترجمه جمله بعد از اسم نکره است.
تاکنون دانش‌آموز چندین بار با چنین جملاتی آشنا شده است.
در قواعد این درس، دانش‌آموزان با شکل‌های گوناگونی از «معادل ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی» آشنا می‌شوند. چنین مبحثی در صرف و نحو عربی به این‌گونه وجود ندارد؛ این مبحث برای دانش‌آموزی است که می‌خواهد زبان عربی را بیاموزد.

حوار

مکالمه درس «خرید سیم‌کارت» است. امروزه «خرید سیم‌کارت» یکی از موضوعات اصلی در سفرهای خارج از کشور است و یکی از گفت‌وگوهای پرکاربرد در آموزش مکالمه در هر زبانی همین موضوع است. در این درس، دانش‌آموز با چند کلمه و اصطلاح مهم آشنا می‌شود که قطعاً در سفرها برایش سودمند خواهد بود.

تمرین‌ها

همه تمرین‌های هفت درس کتاب را دانش‌آموز قرائت و حل می‌کند. پیشنهاد می‌شود دبیر برگه‌ای داشته باشد و هر بار که دانش‌آموزی تمرینی را می‌خواند و حل می‌کند در آن علامت بزند، تا مبدا حل تمرینات صرفاً توسط چند نفر صورت بگیرد و بقیه دانش‌آموزان در حل تمرینات فعال نباشند.

می‌توان تمرینات ساده‌تر را برعهده دانش‌آموزان کم‌توان نهاد.

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است. در اینجا دانش‌آموز جملات را می‌خواند و ترجمه می‌کند سپس به دنبال کلمه‌ای می‌گردد که در واژه‌نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار بخشی از نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. پاسخ‌ها: کَادَ يَغْرُقُ، أَضْمَرَ، أَنْكَرَ، كَرَّرَ و كَبَّرَ

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت ترجمه و کاربست آموخته‌های پیشین دانش‌آموز به همین منظور است. این تمرین به شکلی طراحی شده است تا بتواند آموخته‌های بخش قواعد سال گذشته را نیز یادآوری کند. آنچه را دانش‌آموز در سال‌های گذشته خوانده مجدداً در جاهای مختلف کتاب تکرار شده است. این تکرار در کتاب پایه دوازدهم نیز صورت خواهد گرفت. در بارم‌بندی نیز بخشی برای آموخته‌های پیشین نهاده شده است. همچنین احادیث این تمرین ناظر بر پیام اصلی متن درس است.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

پاسخ‌ها: الفنون، الغاز، المرح، الطنآن، الصلاة و الإضاعة

تمرین چهارم: هدف این تمرین، تثبیت آموخته‌های بخش قواعد همین درس است. آنچه را

دانش‌آموز در «اختبر نفسک» تمرین کرده است مجدداً تمرین خواهد کرد تا به تدریج این آموخته ملکه ذهنش شود.

البحث العلمي

پژوهش درس در ارتباط با موضوع اصلی متن درس است. لطفاً به کتاب معلم عربی پایه یازدهم (مشترک) بخش البحث العلمي مراجعه کنید. در آنجا احادیثی در ارتباط با موضوع پژوهش این درس گلچین شده است. روش‌های ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی در این درس با درس‌های قبلی یکی است، و آنچه قبلاً نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ حَکَى در گویش محلی عراق و سوریه به معنای «حرف زد» می‌باشد. اِحْکِ (در عامیانه عراق: اِحْجِی و در عامیانه سوریه: اِحْکِی) یعنی «صحبت کن».

۲ رَصِيد: اعتبار مالی، پشتوانه مالی، موجودی. رَصِيدٌ حِسَاب: باقیمانده حساب

۳ لَنْ را معمولاً نفی ابد معنا می‌کنند و در معادل فارسی آن کلمه هرگز را به کار می‌برند؛ ولی در «النحو الوافی» عباس حسن این‌گونه نیست:

«لَنْ» وهو حرفٌ يُفيدُ النفيَ بغيرِ دوامٍ ولا تَأْيِيدٍ إِلَّا بِقَرِينَةٍ خَارِجَةٍ عَنْهُ. فإذا دخل على المضارع نفي معناه في الزمن المستقبل المحض - غالباً - نفيًا مؤقتًا يقصر أو يطول من غير أن يدوم ويستمر، فَمَنْ يقول: لن أسافر أو لن أشرب، أو لن أقرأ غدًا أو نحو هذا، فإنما يريد نفي السفر - أو غيره - في قابل الأمانة مدّة معينة، يعود بعدها إلى السفر ونحوه، إن شاء، ولا يريد النفي الدائم المستمر في المستقبل، إِلَّا إِنْ وُجِدَتْ قَرِينَةٌ مع الحرف «لَنْ» تُدَلُّ على الدوام والاستمرار.

أشهر أحكامه أنه مُختَصٌّ بالمضارع، ينصبه بنفسه، ويخلص زمنه للمستقبل المحض غالباً؛ ولهذا كان فيه لمعنى المضارع مقصوراً على المستقبل غالباً - كما تقدّم - نحو قوله تعالى: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

الدَّرْسُ السَّادِسُ

اهداف درس: دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت، به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ حروف کَم، لِ و لا را بشناسد و فعل مضارع دارای این حروف را در جمله درست ترجمه کند.
- ۶ انواع حرف ل را در جمله از هم تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ یک رویداد تاریخی است. ماجرای اسارت سفانه دختر حاتم طائی در جنگ طيء.

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس ششم

ارْحَمُوا ثَلَاثَةً. به سه تن رحم کنید
أَسْرَ الْمُسْلِمِينَ فِي غَزْوَةِ طَيْءٍ «سَفَانَةَ» ابْنَةَ حَاتِمِ الطَّائِيِّ الَّذِي يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْكَرَمِ،
مسلمانان در جنگ طيء، سفانه دختر حاتم طائی را که در بخشش به او مثل زده می‌شود اسیر کردند.

وَلَمَّا ذَهَبَتْ مَعَ الْأَسْرَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

و هنگامی که همراه اسیران نزد فرستادهٔ خدا رفت.

قَالَتْ لَهُ: إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَيَحْفَظُ الْجَارَ وَيَحْمِي الْأَهْلَ وَالْعُرْضَ وَيُفْرِجُ عَنِ الْمَكْرُوبِ، وَيَطْعَمُ الْمَسْكِينَ، وَيَنْشُرُ السَّلَامَ، وَيُعِينُ الضَّعِيفَ عَلَى شِدَائِدِ الدَّهْرِ، وَمَا أَنَا أَحَدٌ فِي حَاجَةٍ فَرَدَّهَ خَائِبًا، أَنَا ابْنَةُ حَاتِمِ الطَّائِيِّ.

به او گفت: قطعاً پدرم سرور قوم خودش بود، اسیر را آزاد می‌کرد، همسایه را حفظ می‌کرد، و از خانواده و ناموس (آبرو) حمایت می‌کرد، و اندوه غمگین را برطرف می‌کرد، و به درمانده غذا می‌داد، و صلح را پخش می‌کرد، و ناتوان را بر گرفتاری‌های روزگار یاری می‌کرد و کسی برای نیازی نزد او نمی‌آمد که ناامید برگردد، من دختر حاتم طائی هستم.

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: هَذِهِ صِفَاتُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا؛ اَتْرَكُوهَا فَإِنَّ أَبَاهَا كَانَ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ وَاللَّهِ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. ثُمَّ قَالَ: «ارْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ، وَ غَنِيًّا افْتَقَرَ، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ».

پس پیامبر ﷺ فرمود: این به‌راستی صفت‌های مؤمنان است. او را رها کنید؛ زیرا پدرش بزرگواری‌های اخلاق را دوست می‌داشت؛ و خدا بزرگواری‌های اخلاق را دوست می‌دارد. سپس فرمود: رحم کنید به ارجمندی که خوار شد، و ثروتمندی که ندار شد، و دانایی که میان نادان‌ها تباه شد.

فَلَمَّا أَطْلَقَهَا النَّبِيُّ ﷺ رَجَعَتْ إِلَى أَخِيهَا «عَدِيَّ بْنِ حَاتِمٍ» وَهُوَ رَيْسُ قَوْمِهِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ. پس هنگامی که پیامبر ﷺ او را رها کرد، به سوی برادرش عدی بن حاتم که پس از مرگ پدرش رئیس قبیله بود، بازگشت.

فَقَالَتْ لَهُ: يَا أَخِي. وَ بِهِ أَوْ كَفْتُ: أَيِ بَرَادِرِم. إِنِّي رَأَيْتُ خِصَالًا مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي. مِنْ أَزْ أَيْنِ مَرْدٍ وَبِزْغِي هَائِي رَا دِيدِم كَهْ أَزْ أَنَاهَا خُوشَمْ أَمِد. رَأَيْتُهُ يُحِبُّ الْفَقِيرَ، وَ يَفُكُّ الْأَسِيرَ، وَ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ يَعْرِفُ قَدْرَ الْكَبِيرِ، وَ مَا رَأَيْتُ أَجُودَ وَ لَا أَكْرَمَ مِنْهُ.

او را دیدم که فقیر را دوست می‌داشت، اسیر را آزاد می‌کرد، به کوچک رحم می‌کرد، قدر بزرگ را می‌دانست و بخشنده‌تر و بزرگوarter از او ندیدم.

فَإِذَا يَكُونُ نَبِيًّا فَلِلْسَابِقِ فَضْلُهُ. پس اگر پیامبر است سبقت گیرنده [در ایمان به او] فضیلت دارد. وَ إِذَا يَكُونُ مَلِكًا فَلَا تَزَالُ فِي عِزِّ مُلْكِهِ. وَ اِگَر پادشاه است که پیوسته در [سایه] ارجمندی پادشاهی او هستی.

فَجَاءَ عَدِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاسْلَمَ وَ اسْلَمَتْ سَفَانَةُ.

پس عدی به سوی فرستاده خدا آمد و مسلمان شد و سَفَانَه نیز مسلمان شد. وَ اسْلَمَتْ قَبِيلَةُ طَيِّءٍ كُلُّهَا بَعْدَمَا أَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ بِإِطْلَاقِ اسْرَاهِم.

و همه قبیله طى، پس از اینکه پیامبر ﷺ دستور به رها کردن آنها داد، مسلمان شدند.

الدَّفْتَرُ الْخَامِسُ مِنَ الْمَثْنَوِيِّ الْمَعْنَوِيِّ لِـ «مَوْلَانَا جَلَالِ الدِّينِ الرَّومِيِّ»

(دفتر پنجم مثنوی معنوی مولانا جلال الدین رومی)

گفت پیغمبر که رحم آرید بر جان مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَافْتَقِرَ

(پیغمبر ﷺ فرمود که رحم کنید بر جان کسی که ثروتمند بود و فقیر شد)

وَ الَّذِي كَانَ عَزِيْزًا فَاحْتَقِرَ أَوْ صَفِيًّا عَالِمًا بَيْنَ الْمُضَرِّ

(و کسی که صاحب عزت بود و خوار شد یا برگزیده دانایی که بین گروه نادانان است)

گفت پیغمبر که با این سه گروه رَحْمٌ آرید از ز سنگید و ز کوه

آنکه او بعد از رئیسی خوار شد وان توانگر هم که بی‌دینار شد

وان سوم آن عالمی کاندرد جهان مبتلی گردد میان ابلهان

پاسخ‌های بخش درک مطلب: غ ص غ ص غ

اعلموا

هدف قواعد درس ششم، آشنایی با حروف «لَم، لَ و لا» است. دانش‌آموز با ترجمه فعل‌های مضارع دارای این حروف، آشنا می‌شود. باید بداند که لَم یفعلُ معادل ماضی ساده یا ماضی نقلی در فارسی است. لَ یفعلُ و لا یفعلُ معنای الزام دارد و معادل مضارع التزامی در فارسی است؛ دبیر می‌تواند به جزم فعل مضارع اشاره کند، برای این کار از دانش‌آموزان می‌خواهد فرق یفعلُ و لیفعلُ، یفعلونَ و لم یفعلوا و ... را کشف کند. سپس خودش راهنمایی بیشتر انجام می‌دهد. این کار صرفاً برای فهم بهتر انجام می‌شود و در امتحان، ارزیابی از این مطلب به عمل نمی‌آید؛ مثلاً چنین سؤالاتی خارج از اهداف است:

بر سر فعل‌های زیر حرف لم اضافه کنید و تغییرات لازم را انجام دهید.

یقرأ، یسترجعون، ییأسنَ

نوع اعراب رفع و جزم و اصلی یا فرعی بودن این فعل‌ها را مشخص کنید.

یحسن، لا یدهب، لیعملوا

ساختن فعل و تعریب از اهداف نیست. دانش‌آموزی که بتواند فعل مضارع مجزوم را بشناسد و درست ترجمه کند، خود به خود به مهارت ساختن نیز دست خواهد یافت. این امر بالعرض حاصل خواهد شد. هدف درس عربی، فهم متن است. لذا تعریب از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید انواع ل و لا را در جملات واضح تشخیص دهد.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین، فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد. برای این کار حدود دو دقیقه به دانش‌آموزان فرصت می‌دهیم تا این تمرین را حل کنند. سپس از پنج نفر می‌خواهیم جوابشان را بخوانند و هر جمله را ترجمه کنند. نیازی به نوشتن ترجمه نیست؛ زیرا عبارات‌های این تمرین همان عبارات متن درس‌اند.

۱ الَّذِي لَا رَجَاءَ لَهُ لِلنَّجَاحِ فِي هَدَفِهِ: الْخَائِبِ

۲ أَصْبَحَ فَقِيرًا وَلَا تَرَوُهُ لَهُ: افْتَقَرَ

۳ الَّذِي حُزْنُهُ كَثِيرٌ: الْمَكْرُوبِ

۴ الْأُسْرَةَ وَالْأَقْرِبَاءَ: الْأَهْلِ

۵ أَعْطَاهُ الطَّعَامَ: أَطْعَمَ

تمرین دوم و سوم: فهم آیات قرآن، از اهداف اصلی آموزش عربی در ایران است؛ تمرین دوم درس ششم در راستای همین هدف است؛ آنچه را دانش‌آموز در بخش قواعد خوانده است، در این تمرین بازآموزی و یادآوری می‌کند.

تمرین چهارم و پنجم: هدف این تمرین، تقویت مهارت شناخت انواع فعل در جمله است. مهم‌ترین بخش هر زبانی فعل است. در کتاب درسی به اندازه کافی این تمرین نهاده شده است. **تمرین ششم:** این تمرین از زیباترین تمرینات کتاب درسی است. در سال‌های گذشته، چنین تمریناتی همواره برای دانش‌آموز جذاب بوده است. این تمرین پیوندی میان ادبیات فارسی و

عربی است؛ متأسفانه طرح ضعیف سؤال در مسابقات و آزمون سراسری موجب شده است به این مطلب آسیب وارد شود. طرح سؤال از این قسمت بسیار وقت‌گیر و دشوار است و برای دانش‌آموز لذت‌بخش است، به شرط اینکه طراح، درست سؤال طرح کند. لازمه توانایی طرح سؤال، تسلط بالای دبیر به ادبیات هر دو زبان است که بتواند شاهد مثال مناسب بیاورد.

البحث العلمي

هدف، تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همه دروس دیگر، فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. آشنایی با کسانی که به زبان و ادبیات فارسی و عربی خدمت کرده‌اند موجب می‌شود دانش‌آموز فکر کند اکنون وظیفه او در برابر فرهنگش چیست؟ شعر عمر خیّام نیشابوری به زبان‌های بسیاری از جمله زبان عربی ترجمه شده است. دانستن این نکته برای دانش‌آموز بسیار جالب است. احمد رامی اشعار خیّام را به نیکویی به زبان عربی برگردانده است.

احمد رامی (زاده نهم اوت ۱۸۹۲، درگذشت پنجم ژوئن ۱۹۸۱) شاعر، ترانه‌نویس و مترجم مصری بود که در اصل ترک بود. کارهای وی دربردارنده برگردان‌هایی از چند نمایشنامه شکسپیر و رباعیات شاعر ایرانی خیّام نیشابوری بود. رامی همچنین نقش چشمگیری با بهره‌گیری از زبان ساده برای بیان موضوعات والا در پیشبرد ترانه عربی بازی کرد. برای پاسداشت کوشش‌های چشمگیر وی در ترانه‌سرایی عربی او را «چامه‌سرای جوانی» نام نهادند.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پرده‌نگار (پاورپوینت) یا ماهنگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ **أَهْلٌ**: جمع: **أَهْلُونَ** و **أَهَالٍ** و **أَهَالٍ** و **أَهَالَاتٍ** و **أَهَلَاتٍ** است. به معنای فامیل و خویشاوندان؛ **أَهْلُ الرَّجُلِ**: همسر مرد؛ **أَهْلُ الْبَيْتِ**: افراد ساکن در خانه؛ **أَهْلُ الْأَمْرِ**: اولیاء امر؛ **أَهْلُ الْخَبْرَةِ**: کارشناسان، متخصصین، آزمودگان؛ **أَهْلُ الْوَجَاهَةِ**: بزرگان و صاحب‌نظران؛ **أَهْلُ الْمَذْهَبِ**: هم‌کیشان؛ **أَهْلُ الْوَبْرِ**: چادرنشینان؛ **أَهْلُ الْمَدَرِ** **أَوْ الْحَضَرِ**: شهرنشینان؛ **أَهْلٌ لِكَذَا**: شایسته آن چیز است.

۲ **خَائِبٌ**: ناامید، ناکام، نافرجام، دلسرد

۳ **رَدٌّ**: **رَدًّا** و **مَرَدًّا** و **مَرْدُودًا** و **رَدِّيْدِي** [رَدًّا] **هُ عَنِ كَذَا**: از آن کار وی را بازداشت، او را برگردانید.

رَدٌّ هُجُومًا: جلوی یورش را گرفت و آن را برگردانید.

رَدَّهُمْ عَلَيَّ **أَعْقَابِهِمْ**: آنها را به سرزمینشان برگردانید.

رَدَّهُ **إِلَى بَيْتِهِ**: او را به خانه‌اش باز گردانید.

رَدَّهُ عَلَيْهِ الشَّيْءَ: آن چیز را از او نپذیرفت.

رَدَّ إِلَيْهِ جَوَابًا: برایش پاسخ فرستاد.

رَدَّ الشَّيْءَ: آن چیز را به گونه‌ای دیگر درآورد.

رَدَّ فُلَانًا: فلانی را به اشتباه نسبت داد.

رَدَّ التُّهْمَةَ: اتهام را رد کرد.

رَدَّ الْبَابَ: درب را بست؛ «ما يَرُدُّ هَذَا عَلَيْكَ شَيْئًا»: این چیز به تو سودی نمی‌رساند.

رَدَّ رَدًّا و **مَرَدًّا** و **مَرْدُودًا** و **رَدِّيْدِي** و **تَرَدَّدًا** **الْقَوْلَ**: سخن را تکرار کرد.

۴ **لَمْ**: حرف جزم برای نفی فعل مضارع و تغییر معنای آن به ماضی است؛ مانند: «لَمْ يَأْكُلْ»:

نخورد، نخورده است، و گاهی همزه استفهام قبل از آن می‌آید و نفی به شکل مثبت می‌شود، و

معنای تقریر و توبیخ را می‌رساند؛ مانند: «أَلَمْ أَقُلْ لَكَ»: آیا به تو نگفتم؟ و گاهی میان همزه و **لَمْ**

حرف «ف» یا «و» می‌آید، مانند: «أَفَلَمْ أَقُلْ لَكَ» و «أَوَلَمْ أَقُلْ لَكَ».

۵ **ذُو**: مثلاً **ذَوَانِ** جمع آن **ذَوُونَ**: اسم به معنای دارنده است، و اعراب آن مانند اعراب اسم‌های

پنج‌گانه است؛ «ذُو عَقْلٍ»: باهوش، خردمند؛ «ذُو شَأْنٍ»: با اهمیت، صاحب منزلت؛ «ذُو الْقُرْبَى»:

خویشاوندان نزدیک؛ «ذُو مَالٍ»: توانگر، پولدار؛ «ذَوُو الشَّأْنِ»: اشخاص با نفوذ، اولیاء امر؛ «ذَوُو

الْأَرْحَامِ»: خویشان و نزدیکان؛ «الذَّوُونَ»: نام پادشاهان قدیمی در یمن.

الدَّرْسُ السَّابِعُ

اهداف درس : دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ با معانی افعال پرکاربرد ناقصه «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» به ویژه فعل مهمَّ کان در جمله آشنا شود.

فرایند آموزش

متن درس هفتم، آموزش امید به زندگی است. این واقعیت که درصدی از دانش‌آموزان نقص جسمی، یا مشکلات بسیار در زندگی دارند، انکارناپذیر است. متن درس هفتم به زندگی چند تن پرداخته است، که با وجود سختی در زندگی موفق شده‌اند. دبیر می‌تواند بستگی به وقتِ کلاس در این زمینه آگاهی لازم را به دانش‌آموزان دهد، و از آنان بخواهد، تا اگر نمونه‌های دیگری را می‌شناسند، نام ببرند.

هماهنگی در ترجمه متن درس هفتم

«مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرکس چیزی را بخواهد و بکوشد، می‌یابد. (هرکس چیزی را خواست و کوشید، یافت).
لَا مُشْكَلَةَ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَيَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ وَقُدْرَاتِهِ.
هیچ مشکلی نیست که بتواند کسی را که به خدا و توانمندی‌هایش تکیه می‌کند شکست بدهد.
كَثِيرٌ مِنَ النَّاجِحِينَ أَتَارُوا إِعْجَابَ الْأَخْرَيْنَ؛ مَعَ أَنَّهُمْ كَانُوا مُعَوِّفِينَ أَوْ فُقَرَاءَ أَوْ كَانُوا يُوَاجِهُونَ مَشَاكِلَ كَثِيرَةً فِي حَيَاتِهِمْ، وَمِنْ هَؤُلَاءِ:

بسیاری از افراد موفق موجب شگفتی دیگران شده‌اند؛ با وجود اینکه معلول، یا فقیر بوده‌اند، یا در زندگی‌شان با مشکلات بسیار روبه‌رو بوده‌اند، از آن جمله:

الْأُسْتَاذُ مَهْدِيُّ آذْرِيذِي وَهُوَ أَشْهَرُ كَاتِبِ لِقِصَصِ الْأَطْفَالِ، فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ.

استاد مهدی آذریزدی نامدارترین نویسنده داستان‌های کودکان، در سن بیست سالگی کارگری ساده بود، سپس کتاب‌فروش شد، و در [طول] زندگی‌اش به مدرسه نرفته بود.

هیلین کیلر عِنْدَمَا بَلَغَتْ مِنَ الْعُمُرِ تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا، أُصِيبَتْ بِحُمَى صَبْرَتْهَا طِفْلَةً عَمِيَاءَ صَمَاءَ بَكْمَاءَ. هِلَن كِلر هنگامی که به نوزده ماهگی رسید، دچار تبی شد که او را کودکی نابینا، ناشنوا و لال گردانید.

فَأَرْسَلَهَا وَالِدَاهَا إِلَى مُؤَسَّسَةِ اجْتِمَاعِيَّةٍ لِلْمُعَوَّقِينَ.

پدر و مادرش او را به مؤسسه اجتماعی معلولان فرستادند.

اسْتَطَاعَتْ مُعَلِّمَةٌ «هیلین» أَنْ تَعَلَّمَهَا حُرُوفَ الْهَجَاءِ وَالتَّكَلَّمَ عَنْ طَرِيقِ اللَّمْسِ وَالشَّمِّ.

معلم هلن توانست که از راه لمس و بویایی حروف الفبا و سخن گفتن را به او یاد دهد.

وَلَمَّا بَلَغَتِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهَا، أَصْبَحَتْ مَعْرُوفَةً فِي الْعَالَمِ، وَحَصَلَتْ عَلَى عَدَدٍ مِنَ الشَّهَادَاتِ الْجَامِعِيَّةِ.

و وقتی که به بیست سالگی رسید، در جهان سرشناس شد، و مدارک دانشگاهی متعددی به دست آورد.

وَآخِرًا اسْتَطَاعَتْ أَنْ تُسَافِرَ إِلَى الْبُلْدَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. وَأَلْفَتْ عِدَّةَ مُحَاضِرَاتٍ وَأَصْبَحَتْ أَعْجُوبَةَ عَصْرِهَا.

و سرانجام توانست که به کشورهای گوناگون سفر و چند سخنرانی ایراد کند و مایه شگفتی

(شگفت‌انگیز) روزگارش شد.

أَلْفَتْ «هیلین» ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَابًا تُرْجِمَتْ إِلَى خَمْسِينَ لُغَةً.

هلن هجده کتاب تألیف کرد که به پنجاه زبان ترجمه شدند.

مَهْتَابُ نَبَوِيِّ بِنْتٌ وُلِدَتْ بِدُونِ يَدَيْنِ، وَرُغِمَ هَذَا فَهِيَ تَكْتَبُ وَتَرْسُمُ وَتَسْبُحُ، وَحَصَلَتْ عَلَى الْحِزَامِ

الْأَسْوَدِ فِي التَّكْوَانِدُو وَأَلْفَتْ كِتَابًا.

مهتاب نبوی دختری است که بدون دست به دنیا آمد، و با وجود این، می‌نویسد، نقاشی می‌کشد،

و شنا می‌کند، و کمربند مشکی در تکواندو گرفت، و کتابی را تألیف کرد.

کریستی براون وُلِدَ فِي أُسْرَةٍ فَقِيرَةٍ وَكَانَ مُصَابًا بِالشَّلَلِ الدَّمَاغِيِّ، وَلَمْ يَكُنْ قَادِرًا عَلَى السَّيْرِ وَالْكَلامِ. فَسَاعَدَتْهُ أُمُّهُ.

کریستی براون در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد، و دچار فلج مغزی بود، و قادر به حرکت و سخن گفتن نبود. بنابراین، مادرش او را کمک کرد.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَحَذَ كَرِيسْتِي قِطْعَةً طَبَّاشِيرَ بِقَدَمِهِ الْيُسْرَى وَهِيَ الْعَضُوُّ الْوَحِيدُ الْمُتَحَرِّكُ مِنْ بَيْنِ أَطْرَافِهِ الْأَرْبَعَةِ وَرَسَمَ شَيْئًا.

در روزی از روزها کریستی با پای چپش که تنها اندام متحرک از بین دست و پایش بود، تکه گچی را برداشت و چیزی را نقاشی کرد.

وَمِنْ هُنَا ابْتَدَأَتْ حَيَاتَهُ الْجَدِيدَةَ. اجْتَهَدَ كَرِيسْتِي كَثِيرًا، وَأَصْبَحَ رَسَامًا وَشَاعِرًا وَأَلَفَ كِتَابًا بِاسْمِ «قَدَمِي الْيُسْرَى».

و از همین جا زندگی نوینش آغاز شد. کریستی بسیار تلاش کرد، و نقاش و شاعر شد و کتابی به نام «پای چپم» تألیف کرد.

فَأَصْبَحَ الْكِتَابُ فِي مَا بَعْدُ فِلْمًا حَصَلَ عَلَى جَائِزَةِ أَوْسْكَار.

این کتاب بعدها فیلمی شد که موفق به دریافت جایزه اسکار شد.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱ أَيُّ مُشْكَلَةٍ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الْمُتَوَكِّلِ عَلَى اللَّهِ؟ پاسخ: لا مُشْكَلَةَ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ.

۲ كَمْ كِتَابًا أَلَفَتْ «هِيلِين كيلر»؟ أَلَفَتْ «هِيلِين» ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَابًا

۳ مَا اسْمُ كِتَابِ كَرِيسْتِي بَرَاون؟ قَدَمِي الْيُسْرَى.

این پاسخ‌ها و پاسخ سوالات مشابه آن در کتاب درسی دقیقاً در متن وجود دارد.

اعلموا

هدف این است که دانش‌آموز معانی افعال ناقصه را در جمله درست تشخیص دهد.

افعال ناقصه‌ای که دانش‌آموز می‌خواند عبارت‌اند از: كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ.

مطلب اصلی درس بر سر فعل کان است. معانی و کاربردهای گوناگون فعل کان در درس آموزش

داده شده است. اهمیتی که فعل کَانَ دارد سه فعل دیگر کمتر دارند. این فعل در ترکیب با افعال دیگر معادل ماضی بعید و ماضی استمراری می‌شود. گاهی نیز کَانَ از حالت فعل ناقص (ربطی) خارج می‌شود و به معنای وجود داشتن است. کَانَ به معنای «بود» و «است» فعل کَانَ بر سر حرف جرّ که معادل مفهوم «داشتن» است، همه این موارد موجب کاربرد دقیق و چند منظوره کَانَ می‌شود.

دبیر می‌تواند به تغییری که فعل ناقص در اسم و خبر پدید می‌آورد اشاره کند؛ مثلاً از دانش‌آموز بخواهد فرق این جملات را بیان کند:

سَعِيدٌ حَاضِرٌ. كَانَ سَعِيدٌ حَاضِرًا.

الرَّبِيعُ جَمِيلٌ. أَصْبَحَ الرَّبِيعُ جَمِيلًا.

و به دانش‌آموز بگوید فعل ناقص معمولاً اعراب خبر را منصوب می‌کند؛ ولی این توضیح به این معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤال طرح کند، یا سؤال امتیازی بدهد و هر کس توانست پاسخ دهد نمره اضافه بگیرد. بدیهی است که در هیچ آزمونی و کتاب کاری چنین سؤالاتی طرح نمی‌شود. هدف این نیست که هرچه در صرف و نحو است در دوره دبیرستان به دانش‌آموز آموزش داد. آن کس که علاقه‌مند است در دانشگاه در رشته زبان و ادبیات عرب یا مترجمی زبان عربی ادامه تحصیل خواهد داد. دو ساعت در هفته زمان محدودی است و دبیر فرصت کافی برای تقویت مهارت‌های شفاهی را در صورتی که کتاب پر حجم باشد از دست خواهد داد. حجم زیاد کتاب موجب خواهد شد دبیر نگران زمان به پایان رساندن کتاب باشد، به همین منظور سعی شده است کتاب درسی کم‌حجم باشد.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین، فراگیر جمله‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند، سپس در پی یافتن گزینه‌های درست و نادرست بر می‌آید. این کار مهارت درک و فهم او را تقویت می‌کند.

۱ | الطَّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيضاءٌ أَوْ مُلَوَّنَةٌ يُكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبَّوْرَةِ وَ مِثْلَهَا: صحیح

۲ الْأَبْكَمَ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ، وَ مُؤَنَّثُهُ «بِكَمَاءٍ»: صحیح

۳ الْأَصْمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى، وَ مُؤَنَّثُهُ «صَمَاءٍ»: غلط

۴ ارْتِفَاعُ حَرَارَةِ الْجِسْمِ مِنْ عِلَائِمِ الْمَرَضِ: صحیح

۵ شَمُّ الْقِطِّ أَقْوَى مِنْ شَمِّ الْكَلْبِ: غلط پاسخ به این سؤال نیازمند داشتن اطلاعات عمومی است.

(البته سؤال برای دانش آموز پایه یازدهم دشوار نیست.)

تمرین دوم و سوم: هدف، تقویت مهارت ترجمه است. این تمرین، براساس آموخته‌های فراگیر در بخش قواعد انواع فعل است. شناخت و ترجمه فعل مهم‌ترین بخش قواعد زبان عربی است. هر اندازه دیر بتواند در این زمینه در کلاس کار کند کم است. مهارت شناخت فعل بسیار اهمیت دارد. این موضوع در بارمبندی پایه‌های دهم و یازدهم نیز لحاظ شده است.

هرچند تبدیل و ساختن ساخت‌های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل مد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آن‌گاه بی‌آنکه معلم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود. به خاطر ارزش بالای یادگیری فعل مدام مشابه این تمرینات در کتاب تکرار می‌شود. این تکرار در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت.

تمرین چهارم: هدف، تثبیت آموخته‌های پیشین است. این تمرین در کل کتاب یازدهم تکرار شده و در کتاب پایه دوازدهم نیز مجدداً تکرار خواهد شد. با تکرار و تمرین می‌توان امیدوار بود دانش آموز کم‌کم دانسته‌هایش تعمیق یابد، و با گذشت زمان، آموخته‌هایش فراموش نشود.

حفظ آیات و احادیث و به کارگیری آنها در جایگاه مناسب از اهداف کتاب است؛ اما نباید آنها را به این کار مجبور کرد. دیر توانمند با ایجاد علاقه و انگیزه موجب خواهد شد دانش آموز احساس نیاز کند و در پی حفظ آنها برآید.

تمرین پنجم: هدف این تمرین تکرار آموخته‌های بخش «اعلموا» است.

تمرین ششم: هرچند هدف این تمرین نیز مانند تمرین پنجم تکرار آموخته‌های بخش «اعلموا» است؛ اما تنوع به کار رفته موجب می‌شود تا دانش آموز خسته نشود.

البحث العلمي

هدف، تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. دانش‌آموز علاقه‌مند می‌تواند در منابع جست‌وجو کند و دربارهٔ پژوهش درس، مطالبی بنویسد. انجام این بخش داوطلبانه است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همهٔ دروس دیگر فرق اساسی دارد. زبان این درس، فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. حجم پژوهش چندان مدّ نظر نیست. شاید چند سطر پژوهش از چند صفحه بالاتر باشد. انجام این بخش در کلاس در صورت داشتن فرصت زمانی است.

مراقب باشیم کار پژوهش را خود دانش‌آموز انجام دهد. شوربختانه برخی سودجویان کارهای پژوهش را انجام می‌دهند و به دیگران می‌فروشند. دقت در شیوهٔ اجرای پژوهش تا حدودی می‌تواند در موفقیت بخش «البحث العلمي» کمک کند. موضوع پژوهش موجب امید به زندگی می‌شود. اطلاع یافتن از سختی‌های زندگی افراد باعث می‌شود افراد در برابر ناملایمات زندگی تحمل بیشتری داشته باشند.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پرده‌نگار (پاورپوینت) یا نم‌هانگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ اطراف: «أَطْرَافُ الْبَدَنِ»: دو دست و دو پای و سر؛ «أَطْرَافُ الرَّجْلِ»: خویشاوندان آن مرد؛ «أَطْرَافُ النَّاسِ»: مردم ناشناس بر خلاف سرشناسان، اشراف و بزرگان آنها. اطراف مُتَعَاقِدَة: طرف‌های قرارداد؛ اطراف مُتَنَازَعَة: طرف‌های درگیر؛ اطراف مَعْنِيَة: مقامات ذی صلاح؛ مُتَعَدُّ الْأَطْرَافِ: چند جانبه؛

طَرَف: جمع أَطْرَاف و جمع الجمع أَطَارِيف: مرد بزرگوار، انتهای هر چیزی، ناحیه، یک دسته از چیزی؛ «قَصَّ عَلَيْهِ طَرَفًا مِنْ حَيَاتِهِ»: حوادث زندگی‌اش را برای او گفت. «مِنْ طَرَفِ فلان»: از سوی فلانی، «كَانَ وَ إِيَّاهُ عَلَى طَرَفِي نَقِيضٍ»: هر دو نفر با هم در جهت مخالف یکدیگر بودند؛ «الطَّرْفَانِ»: دو طرف قرارداد، یا دو طرف دعوی؛ «أَطْرَافُ الْمَدِينَةِ»: حومه شهر؛ «مُتَرَامِي الْأَطْرَافِ»: وسیع و پُردامنه ...

۲ حِزَام: کمربند؛ حِزَامُ الْأَمَانِ: کمربند نجات؛ حِزَامُ الْأَمْنِ: تدابیر احتیاطی برای سلامتی جامعه

۳ حُمَّى: تب؛ حُمَّى الْإِنْتِخَابَاتِ: تب و تاب انتخابات.

۴ رُغْمٌ: ستم، خواری، ناپسندی؛ «أَتَى عَلَى رُغْمِهِ»: بر خلاف میل خود آمد، خاک. الرَّغْمُ: مترادف الرَّغْمُ است؛ «رَغْمٌ كَذَا أَوْ رَغْمٌ أَنْ»، و «رَغْمًا عَنْ»، و «عَلَى الرَّغْمِ مِنْ وَ بِالرَّغْمِ مِنْ»، و «بِالرَّغْمِ عَنْ»، و «بِالرَّغْمِ مِنْ أَنْ»: بر خلاف میل و خواسته چیزی.

۵ شَهَادَةٌ: مصدر است از شَهِدَ لَهُ أَوْ عَلَيْهِ: گواهی دادن به سود، یا به زیان کسی، سوگند، کشته شدن در راه خدا، جهان و کهکشان آشکار که در برابر جهان ناآشکار است، تصدیق یا گواهی پزشکی برای بیمار، گواهینامه تحصیلی.

شَهَادَةُ الْإِبْتِدَائِيَّةِ: گواهینامه پایان تحصیلات دوره ابتدایی برای دانش‌آموزان قبول شده؛ «شَهَادَةُ حُسْنِ السُّلُوكِ»: گواهی سابقه خوب و نداشتن پیشینه بد.

۶ طَبَاشِير: گچ، نشان، علامت سفید کردن، با گچ خط کشیدن، با گچ نشان گذاردن / طَبَاشِيرٌ مُلَوَّنٌ: مداد رنگی مومی، مداد ابرو، نقاشی کردن / طَبْشُورَةٌ: جمع طَبَاشِير: تباشیر، گچ تخته. طَبَاشِيرٌ مَعْرَبٌ تباشیر فارسی است.

۷ رَوْحٌ: شادمانی، راحت، رحمت، عدالت، یاری کردن، نسیم باد؛ «يَوْمَ رَوْحٍ»: روزی خوش؛ «لَيْلَةُ رَوْحَةٍ»: شبی خوش

طرح رو و پشت جلد

مفهوم طرح رو و پشت جلد از نگاه همکاران که می‌توان به عنوان کار پژوهشی از دانش‌آموزان خواست.

خانم سیما برزگر از تبریز:

طرح جلد کتاب عربی پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی بسیار زیبا و تأثیرگذار طراحی شده است. رنگ لاجوردی روشن یا به اصطلاح آبی ایرانی به کار رفته در آن تداعی آسمان، آزادی و آرامش است و تلفیق آن با رنگ سفید از سردی آن کاسته و سبب ایجاد حس روح‌افزا و آسمانی شده است.

دو بیت شعر عمیق و پرمعنا از حضرت علی علیه السلام بر ارزش آن افزوده است:

دواؤك منك و ما تبصر و دواؤك منك و لا تشعر

أ تزعم أنك جرم صغير و فيك انطوى العالم الأكبر

خانم سهیلا ملایی یگانه از زنجان:

شیخ بهایی و آسمان پرستاره مصور پشت جلد کتاب عربی پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد به سرآید غم هجران تو یا نه ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

(شیخ بهایی)

شیخ الاسلام بهاء‌الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی متخلص به بهایی، معروف به شیخ بهایی، حکیم، فقیه، عارف، منجم، ریاضی‌دان، شاعر، ادیب، تاریخ‌شناس و دانشمند نامدار سده دهم و یازدهم هجری است. او در بعلبک شام زاده شد، و خانواده‌اش یک سال بعد از تولدش به جبل عامل رفتند. پدرش از شاگردان «شهید ثانی» بود و پس از کشته شدن استادش همراه خانواده خود در حالی که فرزندش ده ساله بود، به ایران آمد و در اصفهان سکونت گزید، البته بیشتر تحصیلات

شیخ بهایی در قزوین بود. گویند نسب وی به «حارث همدانی» از اصحاب امیرالمؤمنین می‌رسد. این فقیه محدث، حکیم و ریاضی‌دان شیعه با وجود اینکه، مقام شیخ‌الاسلامی را که به عنوان بالاترین منصب رسمی دینی در حکومت صفویه بود، بر عهده داشت؛ همچنان به عزلت و زهد گرایش داشت، آنجا که می‌سراید:

ما سیه گلیمان را جز بلا نمی‌شاید بر دل بهایی نه هر بلا که بتوانی

او شاگردانی را تربیت کرد که هر یک چون ستارگانی بر تارک آسمان ایران می‌درخشند، که از معروف‌ترین آنها می‌توان از صدرالمآلهین شیرازی، محمدتقی مجلسی، ملا محسن فیض کاشانی نام برد. از شیخ بهایی تألیفات بسیاری در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی، هنر و فیزیک بر جای مانده است و تعداد کتاب‌ها و رسایل او را گروهی ۸۸ و گروهی ۹۵ کتاب و رساله گزارش کرده‌اند، و حتی عده‌ای این تعداد را ۱۲۰ می‌دانند. مشهورترین اثر او «کشکول» به زبان عربی و در سه جلد است. وی در مثنوی فارسی «شیر و شکر» برای اولین بار در شعر فارسی «بحر خب» رایج در اشعار عربی را در فارسی به کار برد. از مشهورترین قصاید عربی وی قصیده معروف «وسيلة الفوز والأمان» در ۶۳ بیت در ستایش امام عصر عجل الله فرجه است، و نیز صلوات مشهوری دارد که برای چهارده معصوم علیهم السلام ساخته است، که با مطلع «اللهم صلّ وسلّم و زِدْ وَبَارِكْ علی صاحب الدعوة النبویة» شروع می‌شود.

بخش مهمی از اشعار عربی او لغز و معماست، که بیانگر تسلط شیخ بر این حیطه است. توانایی او در ایجاز و بیان معماگونه مطالب در آثاری چون رسایل پنجگانه اثنی عشر، خلاصة الحساب، فوائد الصمدیة، تهذیب البیان، الوجیزة فی الدراییة و همچنین تبخّر او در صنعت لغز در آثاری چون لغز الزبدة، لغز النحو، لغز الکشاف، لغز الصمدیة، لغز الکافیة مشهود است.

او نه تنها شعر می‌سرود، بلکه در باب علم نحو نیز کتاب معروف «الصمدیة» را نگاشت، و در کتاب «حداق الصالحین» شرحی بر «صحیفه سجادیه» حضرت امام سجاد علیه السلام نوشته است، و کتاب نایاب «التحزیر» در زمینه احضار جن هم او از اوست. نقل می‌کنند که به زبان ترکی نیز آشنا بوده است، و «عرفات العاشقین» اولین تذکره‌ای است که در زمان حیات شیخ بهایی از او نام برده شده است. از جمله آثار منثور او «موش و گربه» است که تأثیرگذار بر رساله منثور «جواهر العقول» علامه محمدباقر مجلسی است.

گذشته از شعر، علوم و معارف اسلامی، در حوزه‌های دیگری چون ریاضی، معماری، مهندسی، جغرافیا نیز تبخّر داشته است.

آثار معماری او عبارت‌اند از:

ساخت مناره جنبان اصفهان

تعیین دقیق قبله مسجد امام اصفهان

طراحی گنبد مسجد امام اصفهان که صدا را هفت بار منعکس می‌کند، و در آن پژواک صدا رخ می‌دهد.

طراحی و ساخت شاخص ظهر شرعی در حرم مطهر امام رضا علیه السلام

طرح دیواری در صحن حرم حضرت علی علیه السلام در نجف به گونه‌ای که زوال شمس را در تمام ایام سال مشخص می‌کند.

طراحی صحن و سرای مشهد مقدّس به صورت یک شش ضلعی و ...

این بزرگ‌مرد ایرانی علاوه بر چیره‌دستی در علوم مختلف در علم نجوم نیز کتاب «حدیقه هلالیه» را که شامل تحقیقات و فواید نجومی است نوشت، و به پاس خدمات وی در زمینه علم ستاره‌شناسی، سازمان یونسکو سال ۲۰۰۹ که مصادف با سال نجوم بود، نام وی را در لیست مفاخر ایران ثبت کرد.

(برگرفته از منابع: تاریخ ادبیات ایران، دکتر صادق رضازاده شفق، دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب، سیمایی از شیخ بهایی در آیینۀ آثار محمد قصری، تاریخ سلطانی، اثر حسن استرآبادی، طبقات اعلام الشیعه آقا بزرگ طهرانی) و ...



